

# دلا و خوله

شبهت و تمایز گرافیک و نقاشی

پیشینه گرافیک

گرافیک و صنعت چاپ؛ ارتباط تنگاتنگ

گرافیک نوین

با قدمت ۶۰۰۰ ساله

تویسرکان و جاذبه گردشگری

چهار سال قبل از میلاد مسیح

آثار نیکویی نقش نهاد های علمی و فرهنگی در پیشرفت اسلامی

شاخص تمدن ساز

مقاله

آیا می دانید!

آیا می دانید، کسی که سکوت شما را درک نمی کند نمی تواند گفته های شما را هم درک کند.  
آیا می دانید، شخص ضعیف تند صحبت می کند و حرکات سریعی دارد و قدرتمند آهسته حرکت می کند و آهسته می گوید.  
آیا می دانید، هر کس می تواند صحبت کند ، اما افراد کمی قادرند صادقانه، منظم و عاقلانه و قدرتمند صحبت کنند.

گفته های نا گفته

اسماعیل جانجانی





## دلو خوله

فصلنامه اجتماعی/فرهنگی

سال اول / شماره اول / پاییز ۹۷

صاحب امتیاز: اسماعیل جانجانی

مدیر مسئول: اسماعیل جانجانی

داوران: دکتر حسن رضا خلجی / دکتر روح الله رحمتی ترکاشوند

مشاوران: جعفر و عبدالمجید جانجانی

سر دبیر: اکرم زندبار

طراح و صفحه آرا: پرستو شاهانی

هئیت تحریریه: اسماعیل جانجانی/اکرم زندبار/فریبا رئیسی /

روح الله رحمتی ترکاشوند/لیلا لطفی/علی رضا نورعلیپور

همکاران: حجه الاسلام والمسلمین علی کاروند/دکتر رضا تقوی/

حجه الاسلام والمسلمین شیخ محمد محدثی/رضا سوری/یزدان

ترک همدانی/ذبیح مطهری خواه/علی حسین احتشامی/روح الله

ترکاشوند

Email:janjani.es65@yahoo.com

آدرس دفتر مرکزی:

نواب صفوی-محبوب مجاز-کوچه طاهری-پلاک ۱-طبقه ۲

شماره تماس: ۰۹۱۸-۶۳۱۵۹۳۰



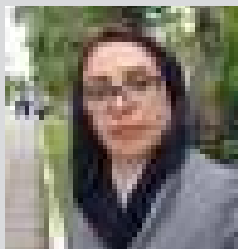
رزومه

اسماعیل جانجانی فرزند احمد صادره از تویسرکان ، شهر زیبای فرسفج ، متولد ۱۳۶۵/۰۳/۱۴ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی از دانشگاه اراک . ایشان دست توانایی در نویسندگی دارد تا جایی که در دوران تحصیلات متوسطه چندین بار به عنوان جوان برگزیده خوارزمی انتخاب گردید و مطالب بسیار ارزشمندی را از خود ارائه نموده است از مهمترین تألیفات ایشان اجتهاد ، گفته های نا گفته جلد ( ۱ ، ۲ ، ۳ ) ، تفسیر جدیدقرآن کریم و ... می باشد . اسماعیل جانجانی در رشته های ورزش رزمی دارای درجات معتبر فدراسیون است و تا جایی که دارای چندین مقام قهرمانی کشوری و داور بین المللی و مربی بین المللی می باشد.



رزومه

اکرم زندبار کارشناس گرافیک/تصویر سازی دارای مدرک هنرهای تجسمی از هنرستان هنرهای تجسمی وزارت ارشاد مدیر مسئول انتشارات برگ جهان نویسنده و پژوهنده/فرهنگی هنری



### با تشکر:

دکتر حسن رضا خلجی/مدیر گروه فقه و گروه دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر روح الله رحمتی ترکاشوند/عضو هئیت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور

دکتر ذبیح مطهری خواه/عضو هئیت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر علی حسین احتشامی/عضو هئیت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

حجه الاسلام والمسلمین علی کاروند/رئیس تبلیغات اسلامی شهرستان تویسرکان

دکتر رضا تقوایی/عضو هئیت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

حجه الاسلام والمسلمین شیخ محمد محدثی/امام جمعه سلفچگان



## باید ترسید از اجتماعی که نه سواد حرف زدن دارند نه شعور ساکت ماندن...

خداوند متعال را بسیار سپاسگزارم که پس از چندین سال توفیق انتشار نشریه علمی فرهنگی بنام دادخواه را در سراسر کشور پیدا کردم تا بتوانم در مسیری قدم بگذارم که سالهای سال در آرزویش بودم و بدون واسطه حرف های ناگفته دل خودم و مردم را هر چند کوچک اما باز گو کنم و التیامی باشم بر زخم های ایجاد شده از برخی نا عدالتی ها و نا برابری های اجتماعی .

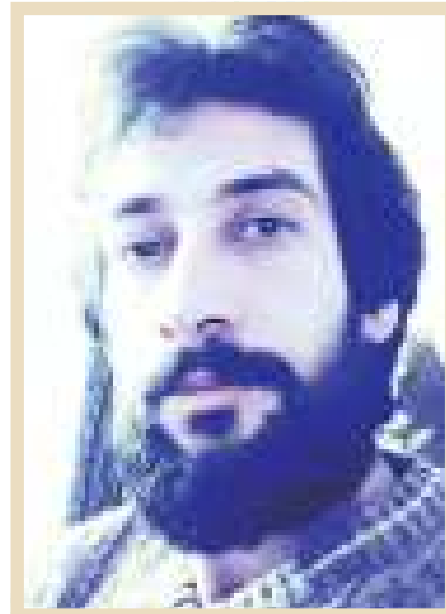
تمام سعی و تلاش خود را خواهم نمود تا بتوانم قدم هایم را استوار تر و قوی تر از هر زمانی بردارم و در جهت تعالی و فرهنگ ایرانی اسلامی کوشا و ذره ای از ارزش های انسانی غافل نشوم و هر آنچه را که لایق انسان و سیرت پاک اوست را بیان نمایم و از انسان هایی سخن بیاورم که شالوده ی وجود آن ها تماماً پاکي ، صداقت و جوانمردی است (چاپ اولین نشریه دادخواه مصادف است با رحلت پدرم احمد جانجانی که سالهای سال آرزوی پیشرفت و به اوج رسیدن مرا در سر می پروراند) . یادم هست که همیشه نقل قولش از مولای متقیان علی ابن ابیطالب (ع) بود و تا دم مرگ هرگز خدای خود و ائمه معصوم را از یاد نبرد . آری گویی از پاک ترین پاکها بود .

این مجله را هدیه می کنم به روح پرفتوح پدرم ( احمد جانجانی ) و پدر بزرگم ( احمد میرزا ) که در زمان خود از بزرگترین عابدان و زاهدان تاریخ بودند و امیدوارم آنها نیز راضی و خشنود باشند از مسیری که من درپیش گرفته ام .

هر پایانی را آغازی است و بیداری آغازی است بر سکوتی سخت در فصل سرد ،

باید مانند دریا عظیم بود تا نشنیده گرفت ، ندیده گرفت قصور قطره ای را به دریای بزرگ نسبت دادن ،

باید ترسید از اجتماعی که نه سواد حرف زدن دارند نه شعور ساکت ماندن بایک نگاه قضاوت می کنند و با حرکتی صدور حکم و هرکس صدای بلند تری داشت مطلقاً حق با اوست ، هرچه بگویند.



سخن مدیر مسئول

## ترس از حضور در فضایی که پر از پارتی ها ... جوانان را از این عرصه دور نگه می دارد

روزمه گی ، عادت، گذران وقت و دنیای پر هیجان و هیاهوی نت و فضای مجازی ما را از عادت زیبای مطالعه دور ساخته است. بیکاری و هجوم تفکران هراس انگیز از آینده در قشر تحصیل کرده ، این روزها چنان فکر و زندگی جوانان را پر کرده که حتی فرصت تفکر درخصوص مشارکت و حضور در عرصه فرهنگی اجتماعی جامعه را از ایشان سلب نموده.

ترس از حضور در فضایی که پر از پارتی ها و آشنایی ها و ... است ، جوانان را از این عرصه دور نگه می دارد.

با توکل بر خدا و استعانت از امام عصر (عج) بر آن شدیم تا جمعی از جوانان با استعداد ، تحصیل کرده و جویای فعالیت فرهنگی اجتماعی را گرد هم جمع کرده و دست به کاری اجتماعی بزنیم.

ضمن تشکر از مدیر مسئول فصل نامه جناب آقای جانجانی که این فرصت را برای من و ایشان در اختیار گذاشتند، به اطلاع می رسانیم که اولین فصل نامه دادخواه را ، هرچند با نقیصه های فراوان، اما با شادمانی از حضور در عرصه فعالیت های اجتماعی ادبی فرهنگی کشور به چاپ رسانده و در اختیار دوست داران مقاله های اینچنینی می گذاریم.

در وجود همه ما انسانها نیروها، استعدادها و تواناییهای شگفتانگیزی وجود دارد که اکثر آنها پنهانی بوده و بسیاری از ما از وجود آنها بیخبریم. این مهارتها و قابلیت های خارق العاده زمانی خود را آشکار میکنند که ما تحت فشار قرار بگیریم؛ به عبارتی تنها در فشارهای سخت و دشوار است که زغال وجود ما الماس بیرون میدهد و از دل مشکلات و دشواریها، خلاقیت و ابتکار و نوآوری رخ مینماید.



سخن سر دبیر

## فهرست



۲۸- تویسرکان



۱۸- مشاهیر و فرقه های معتقد به ارجاء



۱۲- سیر تاریخی مسئله اصالت وجود



۴- ارتباط تنگاتنگ گرافیک و چاپ



۳۰- با کتاب



۲۰- معیارهای دانشگاه تمدن ساز از منظر قرآن و روایات

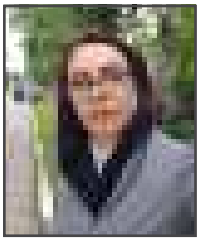


۱۶- بررسی عقاید و تاریخ مرجئه



۱۰- اینترنت و فناوری نوین رسانه ای





## گرافیک و صنعت چاپ؛ ارتباط تنگاتنگ

در تفاوت گرافیک و نقاشی باید بیان کرد که نقاشی در واقع تقلید طبیعت است اما گرافیک در اصل ایده و ترکیب بندی است، طرحی کلی و بنیانی از یک اثر هنری بدون پرداخت به جزئیات آن

### چکیده

گرافیک شامل همه نگاره های ترسیم شده از یک تصویر و یا تجسم موجود از آن است. از این باب، گرافیک و نقاشی دارای شباهت و مشترکاتی زیادی می باشند، با این حال هرگز نمی توان این دو را یکی دانست. رسالت اصلی گرافیک، ارتباط و القای پیام به مخاطب است. گرافیک به شکلی سنتی در حکاکای های قدیم و

تذهیب و تزئین وجود داشت. پدید آمدن صنعت چاپ و در هم تنیده شدن گرافیک با این صنعت، سبب شکل گیری شکلی نوین از گرافیک به نام گرافیک نوین شد. صنعت چاپ به سبب ماهیت تکثیر کننده ای که داشت، با ماهیت مخاطب جوی گرافیک، سازگاری عمیقی داشت و همین امر باعث پیوند عمیق این دو گشت. البته به دلیل وجود ناسازگاری های موجود و برای داشتن ماحصل هرچه بهتر این پیوند، گرافیک دستخوش تغییراتی شد اما هیچوقت به ماهیت اصلی آن خدشه ای وارد نگردید و تا امروز که گرافیک بر همه ابعاد دنیا سایه افکنده و نقش مهمی در تبلیغات و تجارت دارد، ذات اصلی خویش را حفظ نموده است.

### مقدمه

هنر طراحی گرافیک یا ارتباط تصویری ریشه هایی عمیق در گذشته دارد. تلاش انسان های نخستین برای برقراری ارتباط از طریق تصویر به ماهیت طراحی گرافیک بسیار نزدیک است. از دیرباز و از دوران غارنشینی، ذوق هنری یا اقتضای نیاز بشر باعث خلق تصاویری بر دیواره های غارها شد که این را می توان سرآغاز هنر گرافیک دانست، هنری که همواره جایگاه ویژه ای در زندگی بشر داشته و دارد. با گذر زمان، گرافیک از دیواره های غارها به سنگ ها، لوح ها و ظروف کشیده شد تا امروز که گرافیک ایفاگر نقش اصلی در طراحی نماد های تبلیغاتی و تجاری و جذب مخاطب در رسانه های جمعی است. هرچند صاحب نظران گرافیک را انشعاب گرفته از نقاشی می دانند و البته این حرف گزافی نیست چرا که هنر گرافیک و نقاشی دارای ریشه ای مشترک هستند، لیکن امروز دیگر نباید آن را با



نقاشی یکی دانست، چرا که گرافیک، پس از انقلاب صنعتی و ورود صنعت چاپ، خود دارای هویت و رسالت منحصر بفردی شد که کمتر در نقاشی یافت می شود.

در تفاوت گرافیک و نقاشی باید بیان کرد که نقاشی در واقع تقلید طبیعت است اما گرافیک در اصل ایده و ترکیب بندی است، طرحی کلی و بنیانی از یک اثر هنری بدون پرداخت به جزئیات آن.

دوران حیات گرافیک دارای یک نقطه عطف بوده که آن پیدایش صنعت چاپ است. با ظهور صنعت چاپ و باز شدن بستری جدید در عرصه نقش و تصویر، هنر گرافیک وارد بعد جدیدی از حیات خود گردید. گرافیک نوین که پس از اختراع صنعت چاپ پدیدار گشت، به لحاظ بصری

تحولی عظیم در زیبایی شناختی آثار هنری و تبلیغاتی ایجاد کرد. حال ما با این پرسش رو به رو هستیم که در کنار خدماتی که صنعت چاپ به هنر گرافیک کرده است، آیا ماهیت ماشینی این صنعت، تاثیری بر ماهیت هنری گرافیک گذاشته و یا این هنر، اصالت خود را حفظ نموده است؟ در این مقاله سعی داریم ضمن شناساندن بهتر هنر گرافیک و بیان ارتباط تنگاتنگ هنر گرافیک و صنعت چاپ، به این سوال پاسخ دهیم.

### پیام

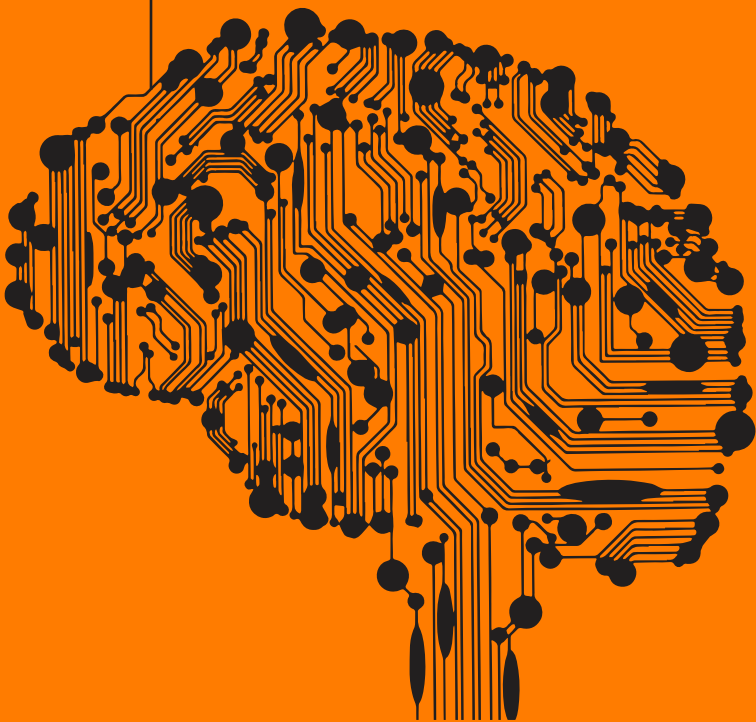
مهمترین رسالت گرافیک، القای پیام به مخاطب است و این امر با خلاقیت گرافیست امکان پذیر خواهد بود، گرافیست باید با هنر خود، تصاویر و حروف را به سخن درآورد و چنان جانی به آن-ها بدهد که پیام و مفهوم اثر را بدون اینکه

مخاطب به زحمت بیفتند، به او القا کند. آدریانو نقاش ایتالیایی می گوید: گرافیک کار مشکلی است چون با یک نقطه و یا یک خط باید به اندازه یک کتاب سخن گفت و البته همه ی راز زیبایی گرافیک نیز در همین نکته نهفته است. بنابراین گرافیک زمانی معنا می یابد که در انتقال

گرافیک، هنر، هنر گرافیک، نقاشی، صنعت چاپ، چاپ

رسالت اصلی گرافیک، ارتباط و القای پیام به مخاطب است

نویسنده: اکرم زندبار



### گرافیک

تحولات متعدد هنر گرافیک از آغاز تاکنون و نیز گسترش سریع حوزه های گرافیک در جهان در حال تغییر امروز، ارائه تعریف ثابت و جامعی از آن را مشکل می سازد و به نظر می رسد بهترین راه تعریف گرافیک شناخت حوزه های کاربرد و میدان عملکرد و تأثیرگذاری آن باشد. اما می توان در زمان کنونی گفت: گرافیک ارائه راه حل بصری مناسب برای تسهیل ارتباطات مورد نیاز جامعه و به عبارتی دیگر «گرافیک زبان بصری جهان بدون مرز است» (نجابتی، ۱۳۹۴) باید عنوان کرد تا کنون آنگونه که باید به موضوع گرافیک پرداخته نشده و این هنر و یا به تعبیر برخی از گرافیست ها، این دانش مهجور مانده است، نقش پررنگ گرافیک را فارغ از هر عنوانی نمی توان در زندگی امروز انسان نادیده گرفت. امروز انسان بی آنکه شناخت کاملی از گرافیک داشته باشد، جهان خود را محصور در گرافیک می بیند، بنابراین لازم است که ابتدا به درک صحیح از واژه شناسی گرافیک و ماهیت آن برسیم.



گرافیک در لغت به معنای نمودار خطوطی که نماینده صور و اعمال است می باشد. (دهخدا) ریشه کلمه ی گرافیک، کلمه یونانی گرافیکوس به معنای بهتر نوشتن است. گرافیک به لحاظ دسته بندی در دسته هنر های تجسمی قرار می گیرد. این هنر در واقع ایده و ترکیب بندی بین

## تصویر

عناصری همچون نقطه، خط، سطح، حجم، بافت، حرکت و رنگ به صورت مشترک و یا فردی در تمام رشته های هنرهای تجسمی، نقش اصلی و اساسی دارند و چون این عناصر همگی جنبه تصویری داشته و با چشم سر و کار دارند، و به عبارت دیگر تنها از طریق چشم قابل درک هستند، عناصر بصری نامیده می شود. در واقع تصویر را می توان ماده ی گرافیک پنداشت، یک گرافیکست با تجزیه و ترکیب تصاویر و عناصر بصری اثر خویش را می آفریند. تصویر در گرافیک، عنصری است که به مفهوم تبدیل می شود

«میان نمادهای تصویری و نمادهای مفهومی، به خودی خود، تفاوتی وجود ندارد، اما چگونگی محتوا بخشیدن به آنها تفاوت هایی را به وجود می آورد. در واقع، درحالیکه یک نماد تصویری می تواند از طریق ایجاد تغییراتی در عناصر، ایده مورد نظر به نحوی انتزاعی به وجود آورد، نماد مفهومی بر ماهیت یک ایده تأکید میکند و در نتیجه صورت هایی را به کار می گیرد که به جای اشاره به خود شیء به مفهوم آن اشاره میکنند»  
(هوهنه گر، ۱۳۸۱: ۷۶)

البته گرافیک به منظور ابزاری برای ارتباط در عالم ارتباطات ظهور پیدا نکرده است اما وجود دو ویژگی مهم، یعنی افزایش سرعت دریافت پیام و تأثیر عمیق تر بر مخاطب توانسته گرافیک را برای خدمت به انتقال پیام، مستعد کند تا جایی که گرافیک را یکی از شیوه های ارتباطات و انتقال پیام می دانند. یک اثر گرافیکی اثری است که بتواند بیشترین تأثیر را در کمترین زمان بر مخاطب بگذارد. هنر گرافیک از کلی گویی و فلسفه چینی زیاد پرهیز می کند و تلاش دارد ساده سازی و اثر گذاری را بسط دهد. تمرکز هنر گرافیک بیشتر بر طراحی قرار دارد تا رنگ، از همین منظر گرافیک متشکل از انواع طراحی ها و حکاکی هاست. شالوده گرافیک بر پویایی است و از گیر و دار تحولات عبور می کند به طوری که هیچ هنری اینگونه در تحولات شتاب ندارد. از نظر ریچارد هولیس گرافیک سه گونه کارکرد دارد: نخستین نقش طراحی گرافیک هویت نمایی «معرفی و شناسایی» است مانند تابلو ها و نشانه ها. دومین نقش، طراحی اطلاعات است مثل نقشه ها و علائم راهنما و نقش سوم گرافیک عرضه و تبلیغات است مانند پوستره های تبلیغاتی. (هولیس، ۱۳۷۶: ۱۰) گرافیک گذشته از اینکه یک هنر است، زمانی که در خدمت تجارت و تبلیغات در می آید، برای اثربخش بودن نیاز به دانشی دارد که بتوان به مقصود مورد نظر که همان نفوذ در مخاطب است برسد، از این رو گرافیک یک هنر صرف نیست، اما وظیفه ی گرافیک به عنوان هنر، بالا بردن میزان تأثیر و عمق پیام به مخاطب است. این جا دیگر روشن می شود که هدف گرافیک ایجاد ارتباط نیست بلکه مؤثر بودن ارتباط بر مخاطب است که اهمیت دارد. در مقاله ای به قلم آوینی و در بیان ماهیت گرافیک اینچنین آمده است: در عموم کتاب های مربوط به گرافیک، سرچشمه های باستانی هنر گرافیک را نیز به ماقبل تاریخ می رسانند، چرا که نقاشی و گرافیک دارای مبادی و سرچشمه های واحدی هستند. اما حقیقت این است که گرافیک ماهیت فعلی خویش را نه حتی بعد از پیدایش چاپ در قرن پانزدهم، و نه حتی بعد از تکمیل تکنولوژی چاپ در قرن هجدهم، بلکه از اواخر قرن نوزدهم، همراه با تشکل نظام اقتصادی جدید و در خدمت تبلیغات تجاری یافته است

(آوینی، ۱۳۶۸)

## با این تعریف روشن از گرافیک، ضروری است که به چهار عنصر اصلی هنر گرافیک یعنی سفارش، پیام، تصویر و مخاطب بپردازیم

### سفارش

در مقام سفارش دهنده قرار می گیرد، یک وجه تمایز گرافیک و دیگر هنرها در همین مورد نهفته است که هنرهای دیگر مبتنی بر احساسات درونی هستند و سفارش هم می پذیرند ولی گرافیک مبتنی بر سفارش است اما از احساسات درونی هنرمند هم بهره می برد.

شود که مورد رضایت سفارش دهنده واقع نگردد، از زمره آثار گرافیکی خارج انگاشته نمی شود و تنها به واسطه عدم رضایت سفارش دهنده، آن اثر از ثبت و ارائه باز می ماند. از همین جا اهمیت جایگاه سفارش دهنده و میزان تعهد گرافیکست به خواست و سلیقه ای او روشن می شود. باید عنوان کرد که سفارشی بودن گرافیک به این معنا نیست که بدون سفارش، اثر گرافیکی خلق نمی گردد، بلکه ممکن است گرافیکست بر اساس احساسات درونی خود اثری خلق کند که در این صورت، خود



این باشد که بگوییم تبلیغات، متعهد و سفارش پذیر است و پیوستگی گرافیک با تبلیغات باعث می شود ویژگی های این دو شبیه و نزدیک به هم باشد تا جایی که به جای گرافیک، تبلیغات را یک قالب هنری بنامیم و گرافیک را شاخه ی تصویری و تجسمی تبلیغات بدانیم. هرچند سفارش پذیر بودن گرافیک باعث شده که برخی این هنر را بازاری بدانند و ارزش و اعتبار هنری برایش قائل نباشند اما این موضوع به هیچ وجه بی اراده بودن طراح را نشان نمی دهد، اگر هم اثری خلق

یکی از ویژگی هایی که گرافیک را از دیگر هنرها متمایز می کند سفارشی بودن آن است. گذشته از اینکه برخی به جهت ترس از بی اعتبار شدن گرافیک، اصل سفارش پذیری آن را قبول ندارند، ماهیت القای پیام در گرافیک و توان تأثیرگذاری آن بر مخاطب باعث شده که تجارت و تبلیغات در پی به خدمت گرفتن این هنر باشند، که این در خدمت بودن و وارد عرصه اقتصادی شدن هنر گرافیک به هیچ عنوان کسر شأنی برای گرافیکست نخواهد بود، بنابراین شاید صحیح تر



## گرافیک نوین



را به مخاطب القا کنند. نقاش با نقاشی احساسات خود بیان می کند و امکان دارد که اثرش برای همگان پیام روشنی نداشته باشد، در واقع نقاش عواطف خود را بیان می کند و در قید و بند اینکه مخاطب با اثر ارتباط برقرار می کند و کاری به این ندارد که مخاطب منظورش را درک می کند یا خیر. به همین دلیل در یک نمایشگاه نقاشی از یک تابلوی مشخص افراد مختلف برداشت های متفاوتی دارند اما یک گرافیست موظف است پیام خود را به گونه ای بیان کند که حتما مخاطبش منظورش را دریافت کند. آوینی در مقاله‌های در بیان تفاوت نقاشی و گرافیک اینگونه بیان می‌دارد: نقاشی التزامی نداشته است که حتما پیام خویش را به مردم برساند، و آن هم اکثریت مردم، اکثریت مردم که هرگز با هنر اشرافی قرون گذشته نیز پیوند و ارتباطی نداشته اند. نقاش تنها در برابر احساسات و مکنونات

گرافیک به مفهوم امروزی، حدود شش قرن پیش در اروپا شکل گرفت و شکل‌های نخستین صنعت چاپ، در این شکل گیری عامل اصلی بود. در واقع، می‌توان از رامبراند و آلبرشت دورر و بسیاری از نقاشان گمنام دیگر که با آثار چاپ دستی خود، نوعی گرافیک هنری و غیر تجاری را ابداع کردند، به عنوان نخستین هنرمندان گرافیست جهان یاد کرد. اینان نقاشانی بودند که با دوران آغازین چاپ و این تحولات همراه شدند و اولین هنرمندان گرافیست لقب گرفتند. وضع فنی در اروپا تطبیق دادن. هنر گرافیک در قرن هفدهم به طور عمده با حکاکی و گراورسازی عجین بوده است، که سرآغاز آن ایتالیا بود و بعدها به سراسر اروپا انتشار یافت. تحولات انقلاب صنعتی و در پی آن ظهور تبلیغات در عرصه رقابت های صنعتی و تجاری باعث شکل گیری گرافیک نوین و تمایز کامل آن از نقاشی گشت. در واقع، تبلیغات به مفهوم امروزی، بعد از انقلاب صنعتی و هنگام انبساط صنایع، شکل گرفت و گرافیک نوین حیات خود را در چنین دوره‌ای و اختصاصاً با پوستر آغاز نمود. در واقع از این زمان به دلیل ورود تبلیغات به عرصه‌ی معادلات تمدن غرب، گرافیک از نقاشی منشعب شد.

مخاطب در کمتر هنری به اندازه هنر گرافیک دارای اهمیت است، اگر گرافیست به مخاطب توجه نکند و اثر خود را تنها بر اساس احساس خود خلق کند، انتقال پیام به آسانی محقق نخواهد شد و در این صورت هدف گرافیست و سفارش دهنده تأمین نمی‌گردد. البته که منظور از عدم تأمین هدف، بی ارزش بودن اثر نیست ولی روشن است که در این صورت دیگر تقیدی به هدف وجود ندارد و فقدان تقید به این معنی است که پیامی منتقل نگردیده و حاصل همه اینها زیر سوال رفتن رسالت هنر گرافیک یعنی انتقال پیام است. اثر گرافیکی در تماس و ارتباط با مخاطب معنی پیدا می‌کند. دغدغه‌ی یک گرافیست در خلق اثر، ذوق و ذائقه‌ی مخاطب است و اگر به این ذائقه توجه نشود، دیگر گرافیک نیست وجه تمایز بین گرافیک و نقاشی، بسیار نامحسوس است و از آنجایی که گرافیک انشعابی از نقاشی است و اولین آثار گرافیکی را نقاشان خلق کردند، گاه تفکیک نقاشی و گرافیک مشکل است. آنچه این دو مقوله را از هم متمایز می‌سازد، ابزار یا تکنیک‌ها نیست، بلکه قصد طراح و عملکرد تصویر است. نقاشی بروز احساسات درونی نقاش است و معمولاً برای تکثیر ساخته نمی‌شود، اما گرافیک اغلب با سفارش و برای استفاده به منظوری خاص انجام می‌شود و در تعداد پیش‌بینی شده به چاپ می‌رسد. نقاشی منحصراً زیر مجموعه‌ی هنر است که این هنر شدت و ضعف دارد اما گرافیک همیشه هنر نیست، گاهی در هیبت رسانه ظهور می‌کند مانند زمانی که در خدمت تبلیغات تجاری، سیاسی یا فرهنگی قرار می‌گیرد و گاهی تلفیقی از هنر و رسانه است مثل زمانی که در خدمت رسانه‌های چاپی و الکترونیکی قرار می‌گیرد. در نقاشی وظیفه برقراری ارتباط در مواجهه با اثر به عهده مخاطب است و اوست که باید تلاش کند تا با اثر هنرمند ارتباط برقرار کند، اما در گرافیک اینگونه نیست و این گرافیک است که بایستی تلاش کند تا مخاطب را به طرف خودش جذب کند نه اینکه مخاطب تلاش کند تا محتوای اثر گرافیکی را درک کند. به عنوان مثال، مخاطب برای دیدن آثار یک هنرمند نقاش، به گالری و موزه می‌رود تا آثارش را ببیند یعنی مخاطب به طرف اثر می‌رود در حالی که در گرافیک، این اثر گرافیکی است که به طرف مخاطب می‌رود، علائم و پوسترها و تمامی آثار گرافیکی در خیابان‌ها و کوچه‌ها به طرف شهروندان می‌روند و می‌خواهند پیامشان

## گرافیک و نقاشی؛ شباهت‌ها و تمایزها

جدای از تغییرات متأثر از چاپ، گرافیک در تمام دوران حیات خود توانسته اصالت هنری خویش را حفظ کند جدای از تغییراتی که شرایط ایجاد نموده، هرگز از رسالت خود فاصله نگرفته است و با اطمینان می‌توان گفت که گرافیک، هر قدر هم که تغییر یابد، هرگز بر صفات ذاتی اساسی که مورد اشاره قرار گرفت، پشت نخواهد کرد؛ تعهد و التزام نسبت به - مردم و شعور فطری آنان - ابلاغ پیام تبلیغی خاص



### گرافیک و صنعت چاپ

با پیدایش صنعت چاپ در قرن پانزدهم، گرافیک بدون آنکه از نقش و خط فاصله بگیرد، مفهومی تازه کسب کرد و وارد بعد جدیدی گردید که همان چاپ و تکثیر بود. از آن پس، چاپ در تولید اثر گرافیکی آنقدر اهمیت داشت که می‌توان هنر گرافیک را هنر چاپی نیز نامید. صنعت چاپ در مرز بین گرافیک سنتی و نوین قرار دارد. یکی از پیامدهای صنعت چاپ در تولید فراوان و درعین حال ارزان قیمت آثار هنری، شکل‌گیری طیف جدیدی از مخاطبان بود. مخاطبانی که تا پیش از این به دلیل هزینه بالای تولید تک نسخه‌ی آثار، عموماً محروم از تملک آنها بودند اما چاپ، امکان بازتولید فراوان آثار فرهنگی و هنری را ممکن ساخت. فن چاپ از یک سو پاسخی مناسب در راستای تأمین

### گرافیک سنتی

پیش از قرن پانزدهم گرافیک به مفهوم سنتی آن به صورت خطاطی، نقاشی دو بعدی و کنده کاری به چشم می‌خورد و به تعبیری دارای مرز مشترک با نقاشی و خوشنویسی بود. گرافیک به شکل سنتی آن عجین شده با خط و نوشتار بود، از بارزترین نمونه‌های گرافیکی سنتی می‌توان به نگارش و آرایش کتابهای ادبی که حاصل همکاری خوشنویسان، طراحان، نقاشان و تذهیب‌کاران و جلد‌سازان بود اشاره کرد. تایپوگرافی از آثار گرافیکی در این دوران بود که نمونه‌های آن در کتب مذهبی وجود دارد. از دیگر آثار گرافیکی قبل از ظهور چاپ، سنگ‌نگاره‌های باستانی با نقش‌ها و نمادهای ماندگار است.

چاپ سنگی اتفاق افتاد. چاپ سنگی نوعی چاپ مسطح بوده که در آن به جای حروف از سنگ مرمر استفاده می‌شده؛ بدین ترتیب که نوشته یا تصویر را به روی سنگ منتقل می‌کردند و با استفاده از روشهای شیمیایی آن را برجسته مینمودند و سپس این تصویر به کزات روی کاغذ کپی می‌شده است.

تبلیغات گرافیکی نیز محسوب می‌شود. هنرمندان سرشناسی چون لوتزولوترک و پیکاسو پوسترها را برای تئاترها، باله‌ها، گالری‌های هنری و جریان‌های سیاسی خلق کردند. طراحی پوستر بسیار گویا و پرمعنی است و پوسترها را به سلاح‌های قدرتمند اجتماعی و سیاسی و در مسیر حال آثار هنری تبدیل می‌سازد. «انتشار پوستر به دنبال ظهور اولین نوع چاپ یعنی

تقاضاهای هنری افسار گوناگون جامعه و یا مخاطبان جدید بود. ازسویی دیگر این مخاطبان جدید، از عوامل کلیدی در شکل‌گیری موضوعات نوین با مضامین اجتماعی بودند. به این ترتیب، صنعت چاپ یکی از بسترهای رهایی هنر از قید موضوعات تاریخی، حماسی، ادبی و درباری گذشته شد. شروع انتشار آثار گرافیکی، چاپ پوستر بود که از قدیمی‌ترین انواع



## گرافیک در ایران

گرافیک از دیرباز در هنر ایران جایگاه ویژه ای داشته و بیشتر دارای جنبه تزئینی و زیبایی بوده است. علاقه ایرانیان به نقش و تصویر در سنگ نوشته ها و حکاکی های آثار به جای مانده از ایران باستان کاملاً مشهود است. وجود آثاری چون نقش رستم و تخت جمشید مؤید پیشینه این هنر در تاریخ و تمدن ایران است. چنین عقبه ای برای کشوری با پیشینه تمدن چند هزارساله چندان دور از ذهن نیست، اما منظور از گرافیک در ایران، شکل معاصر آن است که شروع آن را باید دوران صفوی و قاجار دانست. برخی صاحب نظران بر این عقیده اند که هنر و به ویژه گرافیک تا قبل از این دوران، ماهیتی فردی نداشت و آثار گرافیکی یا همان تزئین و تذهیب، نتیجه خرد جمعی و کار گروهی بود که پس از این دوران و به ویژه ورود صنعت چاپ به ایران دچار تحول گشت. طبق بیان هاوسر، «سازمان بنسدی تولید اجتماعی هنر تا زمان استمرار حیات کتابخانه های سلطنتی همچنان در اشکال کاملاً جمعی و مبتنی بر کارگاه های صنفی دایر بود.

همچون شیوه تولید نسخه خطی هزار و یک شب در مجمع الصنایع ناصری که مبتنی بر تولید گروهی بود. این ویژگی از دیرباز در گرافیک سنتی ایران از جمله کتاب آرابی فاخر درباری وجود داشت لذا هنرمندان و طراحان گرافیک حداقل تا دوران ناصری همانند روزگار پیشین هنوز قادر نبودند بر ابزار وجود یک شخصیت مستقل که بتواند بر فردیت هنری خویش تأکید کنند. اما آرام آرام به دنبال تحولات اجتماعی از جمله کنش صنعت چاپ در ایران «هنرمند توانست به ابزار یک شخصیت مستقل در خلق آثارش دست یابد شخصیتی مستقل که بر فردیتش تأکید داشت» (هاوسر، ۱۹۶۸: ۴۸) هر جا سخن از گرافیک به شکل امروزی به میان می آید، صنعت چاپ، نقش عمده ای در آن ایفا می کند. در ایران نیز این صنعت باعث تسریع در رشد و پیشرفت آثار گرافیکی شد. قبل از اینکه چاپ مکانیکی وارد ایران شود، چاپ دستی به طور سنتی با نام «عیدی سازی» در ایران رواج داشت. بدین صورت که نقوش و تصاویر مختلف را روی چوب حکاکی می کردند و قالب هایی می ساختند که شبیه قالب های مورد استفاده در چاپ قلمکار بود. سپس این قالب یا مهر را روی کاغذ چاپ می کردند. طرح ها معمولاً قالب های

## این نوع چاپ با استفاده از روش مختلط فیزیکی و شیمیایی بر اساس دفع متقابل آب و چربی اختراع گردیده

وابستگی گرافیک و صنعت چاپ به حدی است که می توان گفت: «اگر تکنولوژی چاپ نبود، گرافیک هم نبود؛ اما از آن مهم تر، اگر جهان امروز در تسخیر مناسبات اقتصادی جدید و تولید و مصرف نمی بود، گرافیک نیز جهان امروز را تسخیر نمی کرد. گرافیک انسان امروز را تسخیر کرده است، و مگر همین را درباره ماشین نمی توان گفت؟ چرا؛ روح انسان امروز مسحور و مسخر ابزار و متدهاست و در این تسخیر سحر آمیز، هر یک از ابزارها و متدها سهمی دارند متناسب با ماهیت خویش. سهم گرافیک بسیار عظیم است، اگر فقط به نقش آن در تبلیغات تجاری نظر کنیم». (آوینی، ۱۳۶۸)

جدای از تغییرات متاثر از چاپ، گرافیک در تمام دوران حیات خود توانسته اصالت هنری خویش را حفظ کند جدای از تغییراتی که شرایط ایجاد نموده، هرگز از رسالت خود فاصله نگرفته است و «با اطمینان می توان گفت که گرافیک، هر قدر هم که تغییر یابد، هرگز بر صفات ذاتی اساسی که مورد اشاره قرار گرفت، پشت نخواهد کرد؛ تعهد و التزام نسبت به:

– مردم و شعور فطری آنان

– ابلاغ پیام تبلیغی خاص». (همان)

پدیده چاپ زمینه ساز تولید یک اثر در تیراژ بالا بود و در نتیجه تولید انبوه آثار هنری برای مخاطبان جدید ملزم به حیات گونه های نوینی از هنر نقاشی و طراحی گرافیک شد. هنرهایی که امروزه تحت عنوان کلی هنرهای عامیانه و یا اشکال هنرهای مردمی از آنها یاد می شود. منظور از «هنرهای عامیانه، انواعی از هنر است که مورد پسند و استقبال عموم مردم واقع می شود و به نوعی منشعب از فرهنگ بصری عامه ایشان است. (کرزیس و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۲۴) گرافیک پس از برخورد با صنعت چاپ، وارد دنیای جدیدی از نگاره های بصری گشت. تعامل با صنعت چاپ مستلزم بهبود و یا تغییر برخی از خصیصه های این هنر بود، «محدودیت های ناشی از کاربرد صنعت چاپ در تولید آثار هنری از جمله عرصه طراحی گرافیک، از مهم ترین عللی بود که منجر به تغییر قواعد بصری گذشته و شکل گیری موازینی تازه گردید. محدودیت های فنی این صنعت نه تنها امکان تولید آثار پر جزئیات و یا مملو از نقش و نگارهای کتاب آرابی سنتی را نداشت بلکه حتی در چاپ سربی به دلیل استفاده از قالب های حروف صنعتی، توانایی کاربرد اقلام زیبا و متنوع فارسی از بین رفت. بنابراین قواعد بصری نوینی شکل گرفت». (اثنی عشری و همکاران، ۱۳۹۵)

## گرافیک به شکل امروزی در صنعت چاپ، نقش عمده ای ایفا می کند

## گرافیک از دیرباز در هنر ایران جایگاه ویژه ای داشته و بیشتر دارای جنبه تزئینی و زیبایی بوده است

رابطه ای که رسالت پیام رسانی طراحی گرافیک را در ارائه پیام به جامعه مخاطبین آن جامع تر کرد. بنابراین، به نظر می رسد که می توان آشنایی، شناخت و ارتباط هنرمندان و طراحان گرافیک با ابزار چاپ را در کل نشانه ای خاص از مشارکتی معین در فرهنگ فنی دانست». (بورديو، ۱۳۸۶: ۱۴۹) طراحی گرافیک در ایران هم گام با تحولات سیاسی و فرهنگی دهه های ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ شمسی شکل گرفته و هم زمان با اولین جنبش های هنر مدرن در ایران پیش رفته است.

در این دوران، تصویرسازی برای کتابها و مطبوعات بیش تر از دیگر شاخه های طراحی گرافیک رونق می یابد. ورود رشته ی طراحی گرافیک به فضای آکادمیک در دهه ی ۴۰ شمسی و از سوی دیگر فعالیت نقاشانی که در دهه های قبل با این رشته آشنا شده اند، باعث می شود که دهه ی ۴۰ دورانی پربار برای طراحی گرافیک ایران باشد. تاسیس سازمان هایی مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و موسسه ی انتشاراتی فرانکلین نیز در دهه ی ۴۰ به رشد طراحی گرافیک در بخش فرهنگی کمک بسیاری نموده است. (باغیشتی، ۱۳۹۱)

صنعت چاپ، ابزاری بود که امکان بازتولید انبوه آثار هنری را

مخصوص به خود داشتند که چاپگر این طرح ها را با هم ادغام می کرد و طرحی جدید ارائه می کرد. (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۹۱)

هرچند آنگونه که بیان گردید، تاریخ هنر گرافیک ایران به ویژه در تصویرگری دارای عقبه ای بسیار طولانی است ولی «ریشه گرافیک ایران را در نقاشی ایرانی باید جست. آنجا که هنرمندان نقاش درباری، در دوران صفوی و قاجار با سفر به اروپا و تاثیر هنر آن مرز و بوم، برای شاهان دربار تصویرگری می کردند. محمد زمان یکی از معروف ترین و تاثیرگذارترین نقاشان دربار شاه سلیمان صفوی است که در آثارش تاثیر هنر غربی و حتی هندی بسیار مشهود است». (مجابی، ۱۳۷۴، مقدمه ۳)

با توجه به آنچه که بیان گردید، هنر گرافیک در شکل امروزی آن، به خصوص به عنوان هنری تکثیر شونده، هنری وارداتی است که در دوره معاصر وارد ایران شده است. دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی بنا بر عقیده برخی از صاحب نظران نقطه آغاز تاریخ گرافیک معاصر ایران است. (سیفی، ۱۳۹۲: ۳)

در اهمیت ارتباط گرافیک و چاپ «تعامل بین طراح گرافیک با این فن به عنوان ابزاری که منجر به بازتولید فراوان آثار می شد، در سرشت خود دلالت گر وجود رابطه ای فنی با این هنر بود.



فراهم آورد. این صنعت مؤثرترین عامل فنی در شکل گیری طراحی گرافیک مدرن ایران در دوران قاجار است. ورود و رواج چاپ در کشور، به شکل گیری تغییرات هم بستگی اجتماعی به ویژه فرهنگی منجر شد. کنش این عامل فنی بسیار فراتر از ورود یک تکنولوژی در جهت اجرای آثار بود زیرا چاپ، دگرگونی های ژرفی در اشاعه طراحی گرافیک و به طور کلی «سامان مناسبات اجتماعی و بالندگی حیات فکری و فرهنگی جامعه از جمله پیشرفت دانش اجتماعی کشور به وجود آورد» (ایستین، ۱۹۷۹: ۲۵)

## گرافیک و تبلیغات



تبلیغات به مفهومی که امروز برای ما شناخته شده بعد از انقلاب صنعتی و پیشرفت تکنولوژی و به دنبال فضای رقابتی ایجاد شده شکل گرفت. گرافیک حیات خود را در چنین دوره ای و اختصاصاً با پوستر آغاز نمود. در واقع به دلیل ورود تبلیغات به عرصه ی تمدن تبلیغات به مفهومی که امروز برای ما شناخته شده بعد از انقلاب صنعتی و پیشرفت تکنولوژی و به دنبال فضای رقابتی ایجاد شده شکل گرفت. گرافیک حیات خود را در چنین دوره ای و اختصاصاً با پوستر آغاز نمود. در واقع به دلیل ورود تبلیغات به عرصه ی تمدن غرب، گرافیک از نقاشی منشعب شد. این عرصه جدید ایجاد کرده که هنر گرافیک علاوه بر عناصر بصری خط و رنگ به حجم و نور روی آورده و از حرکت به عنوان عامل موثری برای انتقال مفاهیم بصری سود جوید. امروزه در تبلیغات، هنر گرافیک یکی از پایه های اساسی به شمار می آید. در رشته

های مختلف تبلیغات مانند تبلیغات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و تجاری از هنر گرافیک به عنوان زبان تصویری استفاده می کنند.

تبلیغات و گرافیک رابطه ای مستقیم دارند، باید گفت هر کار تبلیغاتی به گونه ای کار گرافیکی است. شاید تاثیر چشمگیر گرافیک در تبلیغات هنوز برای همگان روشن نباشد، گرافیک، به ویژه گرافیک محیطی یعنی هر تصویر و چشم اندازی که در محیط اطراف ما دیده می شود، اگر در خدمت تبلیغات قرار گیرد، تاثیری شگرف در تغییر دیدگاه انسان دارد، برای درک اهمیت این موضوع، مثالی برگرفته از کتاب هنر گرافیک محیطی را بیان می کنیم:

« در خیابانی که در یکی از ایالت های آمریکا قرار داشت همه موازین ترافیک رعایت شده بود اما آمار تصادفات بسیار بالا بود. شهردار محلی پس از مشاورت فراوان نتوانسته بود این معضل این خیابان را حل کند. یکی از مشاورین که از خوش اقبالی آقای شهردار رشته تحصیلی ایشان گرافیک محیطی بود متوجه شد که چند تابلوی تبلیغاتی بزرگ با رنگ های قرمز و تند در این خیابان استفاده شده و هنرمند، شهردار را متقاعد کرد که قرارداد تبلیغاتی آن را را لغو کرده و به جای آن از رنگ آمیزی آبی

و سبز در سطوح وسیع و دیوارها استفاده کند. نتیجه کار کاملاً رضایت بخش بود چون آمار تصادفات در حد قابل توجهی کاهش یافته بود. (استوار، ۱۳۹۲: ۵)

البته به طور کل نمی توان گرافیک را با تبلیغات یکی دانست، تفاوت آن ها از این عامل ناشی می شود که اطلاع رسانی تبلیغی با نوعی مبالغه همراه است. تبلیغات برای دستیابی به اهداف تجاری، سیاسی و اجتماعی تمام ابزارها را بکار می گیرد. در واقع ادبیات، موسیقی، نقاشی و شعر در ترکیب با یکدیگر و برای انتقال پیام به مخاطب مورد استفاده قرار می گیرند. کارهای گرافیکی گذشته از بعد اطلاع رسانی و قابلیت استفاده برای مخاطبان، آهنگ های بصری یک جامعه هستند. آثار گرافیکی به میزان زیادی تولید می شوند و قسمت اندکی از آثار به حیطه هنر وارد می شود. این یک نگاه هنرمندانه (و نه صرفاً یک نگاه مصرف گرایانه و منفعت طلبانه) است. امروزه به سبب گسترش شرکتهای تبلیغاتی تعداد طراحان هنرمند رو به کاهش است. در تمام دنیا طراحان در مکان هایی که به امر تبلیغ می پردازند حضور دارند و خواسته های کمپانی تبلیغاتی را در قالب تصاویر و گرافیک بیان می کنند (ساعدی، ۱۳۹۴، گرافیک محیطی چیست، مجله خبری محیطی دات کام)

### منابع

- اثنی عشری، نفیسه؛ آشوری، محمد تقی. (۱۳۹۵). دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات تطبیقی هنر، سال ششم، شماره دوازدهم
- استوار، مسیب. (۱۳۹۲). هنر گرافیک محیطی، انتشارات راز نامه
- آوینی، سید مرتضی. (۱۳۶۸). گرافیک و تحولات تاریخی، ماهنامه سوره، شماره ۳
- باغیشنی، نجمه. (۱۳۹۱). بررسی تاریخ شفاهی طراحی گرافیک مدرن ایران (از دهه ی ۲۰ تا پایان دهه ی ۴۰ شمسی)، دانشگاه هنر تهران، دانشکده هنرهای تجسمی
- بورديو، پی یر. (۱۳۷۹). جامعه شناسی و ادبیات؛ آموزش عاطفی فلوربر، ترجمه یوسف اباذری، ارغنون. سال سوم
- حسینی، سیدرضا. (۱۳۸۶). شناخت هنر گرافیک، تهران، مارلیک
- رفیق، احمد. (۱۳۸۴). چاپ سنگی، کتابداری و اطلاع رسانی
- سیفی، مهدی. (۱۳۹۲). نگاهی به تاریخ معاصر ایران مجابی، جواد. (۱۳۷۶). پیشگامان نقاشی معاصر ایران، نسل اول، ترجمه کریم امام، تهران، نشر هنر ایران
- نجابتی، مسعود. (۱۳۹۴). خط در گرافیک، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران
- هوهنه گر، آلفرد. (۱۳۸۱). نمادها و نشانه ها، ترجمه علی صلح جو، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

International. Chang, J. (۲۰۱۵).  
Branding Popularize Center. Costa Mesa:  
Experian Information  
Solutions, Inc  
The Social History. Hauser, A. (۱۹۶۸).  
of Art. London: Routledge

## نتیجه گیری

### پیشینه گرافیک

پیشینه گرافیک را می توان در نگاره های انسان های نخستین و در غارها یافت. اولین گرافیک ها به منظور برقراری ارتباط شکل گرفت، که بعدها در غالب هنر جای گرفت و به شکل سنتی آن در زندگی بشر به ویژه تمدن های کهنی چون ایران، جایگاه ویژه ای پیدا کرد. گرافیک سنتی به شکل حکاکی روی سنگ ها و نقش زدن روی پوست حیوانات و لوح ها رواج داشت. همچنین آثار هنری چون تذهیب، حاشیه کاری، صفحه آرایی که با بیشتر به قصد تزئین و زیبایی خلق می گردید در زمره گرافیک سنتی قرار داشت. در این دوران عمده تمرکز گرافیک، خط و خوشنویسی بود. پس از قرن پانزدهم، ابداع صنعت چاپ و تکثیر، سبب ساز ورود گرافیک به مرحله جدیدی شد. گرافیک نوین ضمن حفظ ارتباط خود با خط و پایبند بودن به اصالت ذاتی خود، برای همگام شدن با صنعت چاپ دچار تغییراتی شد.

در قرن نوزدهم با تحولات شکل گرفته در غرب و وقوع انقلاب صنعتی، نیاز روز افزون به پدیده تبلیغات در دنیای صنعتی و تجاری با وجود فضای رقابتی موجود احساس می شد. بنابراین، گرایش به سمت هنری که بتواند خواسته صنعتگران و صاحبان تجارت یعنی جذب مخاطب را تامین کند شکل گرفت.

گرافیک که خصیصه ذاتی آن برقراری ارتباط با مخاطب و به نوعی تلقین پیام به شکلی هنرمندانه بود، بیش از پیش در این عرصه مورد توجه قرار گرفت و این پدیده، انشعاب گرافیک از نقاشی و پیوند هرچه بیشتر آن با چاپ را در پی داشت. همچنین، سفارشی بودن گرافیک از همین دوران آغاز گردید. امروزه سایه گرافیک بر گستره زندگی بشر، امریست انکار ناپذیر، نمادهای تجاری، رسانه ای، علائم و نشان های خیابانی، همه و همه دلالت بر نقش مهم گرافیک در دنیای امروز به خصوص در عرصه تبلیغات دارند. هرچند



پیوند گرافیک با صنعت چاپ و ایفای نقش مهم آن در تبلیغات، باعث تغییرات این هنر گردید، ولی گرافیک هیچگاه از بن مایه تبلیغات که نوعی غلو و مبالغه است متاثر نگردید. پدیده چاپ، با توان تکثیر آثار گرافیکی نقش مهمی در هموار کردن راه مخاطب

یابی این هنر داشت، همین امر سبب پیشبرد و ترقی آن گردید. با این حال، هنر گرافیک تا به امروز توانسته از تاثیر صنعت چاپ و دور شدن از ماهیت و صفات ذاتی خود مصون بماند.



## با نشر رزا



### کتاب هایتان را رایگان منتشر کنید!!!

آیا برای چاپ و فروش کتاب خود به دنبال انتشاراتی مناسب هستید؟

### ● نویسندگان، محققین و اساتید محترم دانشگاه ها

انجام کلیه امور چاپ و نشر کتاب به صورت  
کاملاً غیر حضوری و حضوری از سراسر کشور

● اخذ شابک، فیپا، مجوز چاپ و اعلام وصول

● تایپ، ویراستاری، صفحه آرایی و طراحی جلد

● معرفی کتاب در آدینه بوک، شبکه جامع گیسوم، سایت انتشارات و ...

چاپ حتی به تعداد محدود از یک تا ۱۰۰۰ نسخه  
+ هدیه دو نسخه از کتاب به مولف

**تحويل فوری**

تلفن: ۰۲۱-۴۴۰۱۵۶۰۸  
۰۹۱۲۹۲۱۱۷۵۶

آدرس سایت: [www.maarefnet.ir](http://www.maarefnet.ir)

لینک کانال تلگرام: @tiye\_sayeban

آدرس ایمیل: [pupublicationbook20@gmail.com](mailto:pupublicationbook20@gmail.com)



چکیده

اینترنت و فناوری‌های  
نوین رسانه‌ای

مهدی محمدی (نویسنده مسئول)

اینترنت و فناوری‌های نوین رسانه‌ای در عصر حاضر، تبدیل به یک میدان استراتژیک برای ظهور عقاید و مقاصد هدفمند در بین اکثریت قریب به وقوع جمعیت کشورها شده است؛ طوری که اگر کشوری در تقویت زیرساخت‌های بومی خود در این عرصه کوتاهی کند، مجبور به دنباله‌روی و تحت سلطه بودن کشورهای پیش‌قدم است. نبرد امروز نبرد اندیشه‌ها، عقاید و نظریه‌هاست، سلاح امروز ابزارهای نوینی است که در دسترس یکپاک مردم جهان است. ابرقدرت‌های حاضر به دنبال تحمیل آرام و عمیق خواسته‌های خود در ذهن تمام افراد جهان هستند، همان اصطلاحی که از آن با عنوان امپریالیسم فرهنگی یاد می‌شود؛ چنین روشی در جهت پیشرفت برآورد اهداف استعماری از طریق ورود به هویت افراد، جزو برترین راه‌های موجود است. طی پژوهش حاضر تلاش شده است با آنالیز پرسشنامه‌ی ۳۰۰ نمونه تصادفی از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر برای یافتن ابزارهای فناوری که بیشترین استفاده را دارد، انجام شده و همین طور با بررسی منابع معتبر داخلی و خارجی، ابزارهای رایج حال که لانه‌ی گسترش اشاعه و تبلیغات هدفمند استعماری است، شناسایی شده و راه کار مناسب مقابله با هجمه‌های فرهنگی آن پیشنهاد گردد. طی این پژوهش یکی از روش‌های دفاعی قابل اعتماد و مطمئن برای جلوگیری از ابتلاء جامعه به امپریالیسم فرهنگی دشمن و عدم پیشرفت وی در مقاصد سیاسی، ایجاد بصیرت و آگاهی در جامعه معرفی شده است و کماکم به ضرورت توسعه و پیشرفت زیرساخت‌های بومی کشور تاکید شده است.

کلید واژه‌ها: تهاجم فرهنگی، فناوری نوین، پیشرفت سیاسی، جنگ نرم، اینترنت.

مقدمه

حوزه فناوری ارتباطات و اطلاعات به ویژه با ابزار اینترنت توانسته هر چه بیشتر در تحقق نظریه‌ی دهکده جهانی دست‌گیر و یاری‌گر اندیشمندان این نظریه باشد



ابزارهایی که همچون شمشیر دو لبه هستند به آسانی امکان پذیر خواهد بود و باید گفت برخی از فناوری‌های نوین ارتباط جمعی به همین منظور پیاده‌سازی شده است تا زمینه اعمال افکار امپریالیسمی را جامعه هدف ایجاد کند. ابزارهای نوین ارتباط جمعی می‌توانند وسیله‌ای برای پیشرفت اهداف سیاسی چون تهاجم فرهنگی و برجینی ارزش‌های اصیل یک ملت باشند، هر کشوری باید نخبگان خود را به سمتی راهنمایی کند تا در اوج بینش و علم، توسعه و پیشرفت آن را به بهترین شکل و همگام با تمام دنیا تضمین کنند و در کنار آن سدی بر تهاجم فرهنگی، سیاسی منافع طلبان ایجاد کنند و توسعه‌ی بومی خود و ارزش‌های مردم کشورش را از گزند آن محفوظ نمایند.

حوزه فناوری ارتباطات و اطلاعات به ویژه با ابزار اینترنت توانسته هر چه بیشتر در تحقق نظریه‌ی "دهکده جهانی" دست‌گیر و یاری‌گر اندیشمندان این نظریه باشد. با تغییر مفهوم، ماهیت، نوع و ابزار قدرت در دنیای معاصر و اهمیت یافتن شیوه‌های جنگ نرم و نقش اساسی عنصر فرهنگی در آن، دیپلماسی فرهنگی یکی از ابزارهای جنگ نرم دول غربی و آمریکا در پیشبرد امپریالیسم فرهنگی از اهمیت بسیاری برخوردار شده است (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰: ۱۲۰). در این پژوهش جامعه آماری ۳۰۰ نمونه‌ای به صورت تصادفی برای شناسایی رایج‌ترین ابزارها در بین دانشجویان یک واحد به عمل آمده است؛ تا در کنار تحقیق در کتب و مقالات معتبر، میزان استفاده از ابزارهای نوین با زیرساخت اینترنتی در اجراء و پیاده‌سازی تهاجم فرهنگی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، و در جهت شناسایی تهدیدات و پاسخ‌گویی به آن اقدام شود.

سوالی که مطرح شده این است: آیا ابزار اینترنتی رایج در یک جامعه می‌تواند زمینه‌ی یک تهاجم فرهنگی را فراهم ساخته و باعث پیشرفت آن باشد؟ ادعای پژوهش بر این باور است که ابزار اینترنتی به عنوان یک عرصه و میدان ارائه‌ی ایدئولوژی در شکل‌گیری و توسعه هجمه‌های فرهنگی نقش به‌سزایی دارد.

با توجه به فراگیری و گسترش ابزار اینترنت از قبیل صفحات اینترنتی، اپلیکیشن‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، پرتال‌های خبری و... باید اظهار کرد که بشر امروزی علاوه بر زندگی در دنیای فیزیکی، به عنوان یک فرد در دنیای مجازی حاضر و زنده است؛ و علاوه بر اینکه طی آن به ابزار احساسات و نظریات خود می‌پردازد، تحت تاثیر خیل عظیمی از نظرات و عقاید با طیف وسیعی از گرایش‌هاست. یکی از مهمترین نوآوری‌هایی که برخی از ایدئولوژیست‌ها در جهت تاکید بر اهمیت آن، مطالب بسیاری بیان کرده‌اند، شبکه جهانی اینترنت می‌باشد؛ تأثیرات این بزرگراه عظیم اطلاعاتی، مشابه همان تأثیراتی است که اختراع چاپ بر زندگی انسان‌ها داشته است (محسنی، ۱۳۸۰: ۲۰). با توجه به میزان اثرگذاری این فناوری در زندگی بشر به مراتب استعمارگران غربی درصدد بهره‌گیری هرچه بیشتر از آن برای برآوردن اهداف خود خواهند بود؛ در قرآن کریم ذکر شده است که دشمنان با بهره از تمام شیوه‌های غیرهنجاری، غیرعقلانی و نیز غیراخلاقی سعی در رسیدن به اهداف و مقاصد خود هستند؛ چرا که در نظر آنان هدف است که وسیله را توجیه می‌کند (غلامرضایی، ۱۳۹۴: ۹۲). در آیه ۱۲۱ سوره انعام خداوند می‌فرماید:

ابزارهای فرهنگی، به وسیله‌ی نفوذ، به وسیله‌ی دروغ، به وسیله‌ی شایعه‌پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، توسط ابزارهای ارتباطی که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود و امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و ذهن‌های مردم (۱۳۸۸/۰۹/۰۴).

رسانه‌ها با استفاده از راهبردها و فراراهبردها در ایجاد شرایط بحرانی می‌توانند در تحولات سیاسی-اجتماعی و فرهنگی جدید در گستره وسیعی نقش آفرینی کنند و موجب شکل‌دهی افکار عمومی گردند. چرا که امپراتور رسانه‌ای با بهره‌گیری از امکانات سرشار موجب شکل‌گیری نوعی استبداد اطلاعاتی از طریق گزینش و انتشار اطلاعات و اخبار انحصاری، تراست‌های خبری و اطلاعاتی و کارتل‌های رسانه‌ای در پرتو انقلابی اطلاعاتی شده است؛ همچنین استبداد رسانه‌ای که رواج گسترده‌ای پیدا کرده است، با استفاده از ابزارها و اهرم‌ها و با اتکا به فناوری افکار عمومی جهان را به سوی خود جلب کرده و به ارائه چهره‌ای مخدوش از برخی نظام‌های سیاسی، فرهنگ‌ها، قوم‌ها و یا دین‌های رقیب پرداخته است. چنین رسانه‌هایی به شکلی نظام‌مند نسبت به جهت‌دهی افکار عمومی، گرایش‌ها، عقاید و نگرش‌ها و رفتارها تلاش مضاعفی را به کار می‌بندد(عیوضی، ۱۳۸۸: ۲۵).

گاهی این جهت‌دهی‌ها به میزانی که کمک شبکه‌های اجتماعی و سایر فناوری‌های نوین فراگیر می‌شوند که دشمنان با استفاده از درصدد ایجاد اختلال در امنیت اجتماعی کشور مقصد، به صورت ترویج و ایجاد تظاهرات و سایر اغتشاشات برمی‌آیند؛ لذا باید دانست تهاجم دشمن در انواع حالات با کمک

فن آوری اینترنت

سابقه‌ی راه اندازی اینترنت به شبکه دیگری به نام آرپانت برمی‌گردد که در سال ۱۹۶۶ میلادی توسط آژانس پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته در وزارت دفاع آمریکا راه اندازی شد. اینترنت منتقل کننده‌ی میلیون‌ها پیامی است که بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و هویت فرهنگی کاربران آن در سطح خرد و بر نظام فرهنگی و سیاسی در سطح کلان تأثیر می‌گذارد

فن‌آوری جهانی اینترنت و اختراعات محلی، آینده‌ی اصول جهانی-محلی توسعه، در رابطه با درک دانش و کاربرد آن است؛ در نتیجه اینترنت می‌تواند به وسیله‌ای برای جمع‌آوری دانش جهانی و برگرداندن آن به وضعیت محلی در هر کشور و منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. این مسئله به توان کاربران کشورهای در حال توسعه در اجرای بومی سازی به روش بهینه در جهت ارضاء نیازهای خود است در سال ۱۹۸۹، جنبشی در جهت تبدیل اطلاعات کاغذی به الکترونیکی آغاز شد که از آن تحت عنوان "وب ۱" یاد می‌شود، پس از آن وب ۲ ایجاد شد که طی آن بدون نیاز به نصب نرم‌افزار بر روی رایانه و با مزیت استفاده از هر جایی به صفحات اشتراک گذاری شده دسترسی داشت

شبکه‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از وبسایت‌های مبتنی بر فناوری وب ۲ می‌باشد، که با قابلیت شبکه سازی ارتباطات مجازی تعاملی، به تأثیرگذاری بر سایت‌های رسمی، خبرگزاری‌ها، مجلات و روتار کاربران می‌پردازد؛ فیس‌بوک، توئیتر، اینستاگرام و... از جمله نمونه‌های شبکه‌های اجتماعی است که قابلیت شبکه سازی وسیعی در اینترنت را دارا هستند (الکساندر، ۲۰۰۸: ۳۸). شبکه‌های اجتماعی به عنوان به وجود آورنده سیستم اجتماعی و سیستم روابط پیچیده بین افراد که بازتولید اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی کردن افراد را درون خود نهفته دارد، می‌تواند منبع تولیدکننده سرمایه اجتماعی باشد و سبک زندگی افراد جامعه را تغییر دهد (شاهنوشی، تاجی، ۱۳۹۱: ۹۲-۹۳). اکثریت نظریه پردازان این حوزه بر این باورند، اینترنت و فن‌آوری‌های وابسته ارتباطات دور بایستی به عنوان زیرساخت ملی استراتژیک قلمداد گردد، ایجاد چنین مهمی برای کشورهای درحال توسعه حیاتی به نظر می‌آید (عقیلی، جعفری، ۱۳۹۱: ۷).

## رسانه و جنگ نرم

مارشال مک لوهان برای نخستین بار، بر نقش رسانه‌های نوین ارتباطی در فشردگی زمان و مکان و شکل‌گیری یک دهکده جهانی تأکید نمود (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۶۸).

به اعتقاد وی وجه‌میزه‌ی دوره‌های تاریخی در هر جامعه، وسایل پیام‌رسانی آن است، که خود تعیین‌کننده الگوهای فرهنگی و قدرت سیاسی است (تاملینسون، ۱۳۸۰: ۳۱۰-۳۱۱).

رهیافت‌های مارکسیستی، بر استعمار رسانه‌ها و نقش آن‌ها در افزایش کنترل و نظارت در جامعه توجه دارند. در این رویکرد هم‌چنین بر دسترسی گسترده‌تر بین جوامع در حال توسعه و توسعه یافته تأکید می‌شود (گرگی، ۱۳۸۵، ۵۶).

جان کالینز، نظریه‌پرداز دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را عبارت از استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود، می‌داند (غلامرضایی، ۱۳۹۴: ۹۱).

جنگ رسانه‌ای یکی از جنبه‌های برجسته جنگ نرم و جنگ‌های جدید بین‌المللی است.

چنین جنگی بیشتر به هنگام درگیری‌های نظامی کاربرد پیدا می‌کند. اما این به آن مفهوم نیست که در سایر موقعیت‌ها چنین جنگی در جریان نیست و یا مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. جنگ رسانه‌ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز به صورت غیررسمی ادامه می‌یابد و هر کشوری با بشینه توان خود برای پیشبرد هدف‌های سیاسی از رسانه‌ها استفاده می‌کند. جنگ رسانه‌ای در ظاهر میان رادیوها، تلویزیون‌ها، تفسیرگران مطبوعاتی، خبرنگاران، خبرگزاری‌ها، شبکه‌های خبری و پایگاه‌های اینترنتی جریان دارد. اما واقعیت آن است که در پشت این جدال مطبوعاتی چیزی به نام سیاست رسانه‌ای یک کشور نهفته است.

این سیاست به‌طور مستقیم با بودجه‌های رسمی مصوب مجلس‌ها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و جاسوسی پشتیبانی می‌شود. سربازان جنگ رسانه‌ای کارشناسان تبلیغات، برنامه‌ریزان تبلیغات بین‌المللی و کارگزاران رسانه‌ها هستند (عیوضی، ۱۳۸۸: ۲۵۷ و ۲۵۸).

محبوبیت و میزان ترافیک داده‌ای در ادامه نمایش خواهیم داد. در بررسی نمودار (۱) به نقل قول از منبع آمار Statista که در ژانویه ۲۰۱۸ تدوین شده است، ۲۴ میلیون کاربر ایرانی در استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام برآورد شده است که این رقم آماری رتبه هفتم جهانی را به ایران در مقابل سایر کشورها داده است. این شبکه‌ی

اجتماعی که با کاربرد اشتراک‌گذاری تصاویر و ویدیو در بین کاربران خود فعالیت‌اش را سال ۲۰۱۰ میلادی آغاز کرده است، علاوه بر ایران یکی از پرطرفدارترین فناوری‌های مبتنی بر اینترنت که به کاربران خود اجازه انتشار آزادانه محتوا را در بین میلیون‌ها استفاده‌کننده فراهم می‌کند با وجود بررسی مایشینی هرزه‌نگاری‌های ارسال محتوا در اینستاگرام و همین‌طور سیستم فیلترینگ هوشمند که توسط سازمان‌های مرتبط برای کاربران داخلی آن از طریق کنترل داده‌های ورودی از شبکه اینترنت جهانی به مراکز داده داخلی، باز هم شاهد انتشار موارد خلاف بر اخلاق انسانی، عرف شرعی و صد البته امنیت اجتماعی و فرهنگی هستیم.

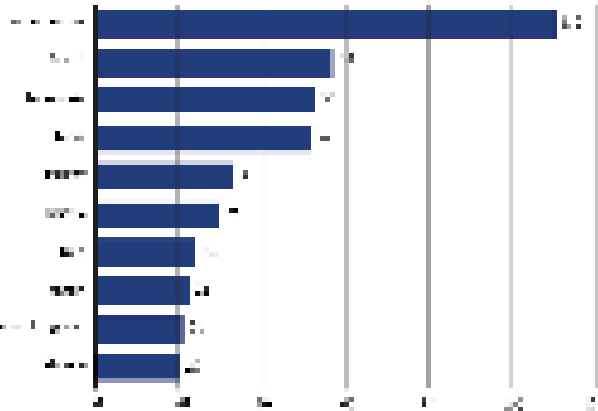
مراتب قابلیت فیلتر صفحه‌ای و محتوایی از بیرون را نخواهد داشت و تنها می‌توان ارتباط IP (آدرس سرور نرم افزار جهت تبادل اطلاعات) را به طور کامل مسدود سازی کرد.

### پیشرفت در مسیر اندیشه؛

مطالعه در سیر زندگی بشر انسان را به این امر رهنمون خواهد نمود که پیشرفت‌های زیادی در ابعاد گوناگون زندگی بشر شکل گرفته است. نکته اساسی در بحث پیشرفت، جهتی است که انسان به سوی آن در حرکت است. مفهوم پیشرفت، به تنهایی نشان‌دهنده این جهت نیست و آنچه مسیر این حرکت را معین می‌کند، مبانی اندیشه‌ای است که انسان به آن باور دارد (طاهری، ۱۳۹۰: ۱۰۵). حال با بیان این مسئله که همیشه خبر در کنار شر ظهور پیدا می‌کند باید اظهار داشت اندیشه‌ای که از ذات خیر برمی‌خیزد در مسیر رشد و ترقی به سمت کمال و خوبی برای جوامع بشری قدم برمی‌دارد و در مقابل اندیشه‌ی برخاسته از اهداف شر و منافع شخصی جامعه‌ی بشری را به سمت نابودی و تغییر ارزش برای اجرای مقاصد خود خواهد کرد. پیشرفت سیاسی به عنوان یکی از ابعاد پیشرفت، دارای جایگاهی پر اهمیت و اساسی است. تمامی ابعاد پیشرفت، وابسته به کارآمدی بالای نظام سیاسی است. به گونه‌ای که می‌توان گفت: پیشرفت سیاسی، اساس پیشرفت یک کشور بوده و سایر انواع پیشرفت، فرع پیشرفت سیاسی است (لاریجانی، ۱۳۷۷: ۲۴۳).

اینترنت طیف گسترده‌ای از ابزار موجود امروزی را تحت سلطه قرار داده است

## تمام رسانه‌های ارتباط جمعی، مظهر ارتقای تکنولوژیک و به همین معنا آگاهی سیاسی و اجتماعی انسان‌اند



بالاترین ترافیک استفاده از اینستاگرام (statista, January 2018)

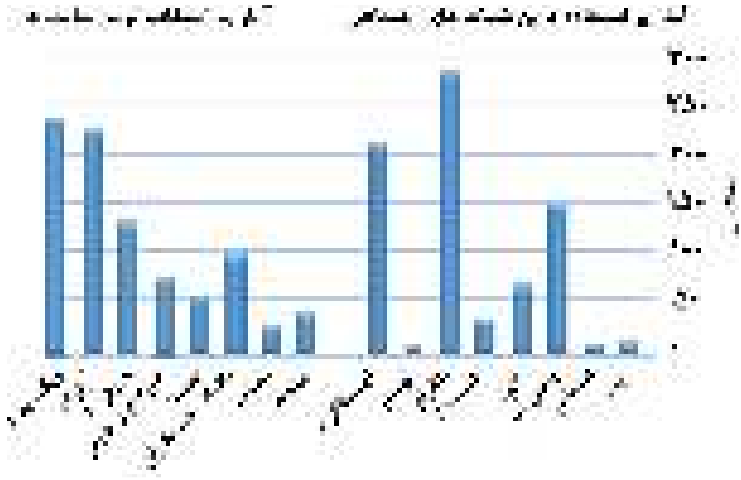
می‌زنند زیرا ارزش‌ها و روش‌های متنوعی در پیش رویشان وجود دارد. مردم در این فضا برای عبور از مرزها نیازمند گذرنامه نیستند، بنابراین به راحتی در بازار فرهنگ‌های متنوع حضور می‌یابند و در کمال آزادی هر فرهنگی را که بخواهند برمی‌گزینند (صانع‌پور، ۱۳۹۰: ۱۱۷ و ۱۱۸). اینترنت طیف گسترده‌ای از ابزار موجود امروزی را تحت سلطه قرار داده است؛ با این وجود رایج‌ترین ابزار کنونی، در آنالیز چندین خبرگزاری و منابع آماری معتبر، که در جامعه مردم کشور ایران انجام شده است شبکه‌های اجتماعی، سایت‌های خبری، پخش‌کننده آنلاین رسانه‌ای، مجلات برخط می‌باشد، که برحسب میزان

## ابزار اینترنت

تمام رسانه‌های ارتباط جمعی، مظهر ارتقای تکنولوژیک و به همین معنا آگاهی سیاسی و اجتماعی انسان‌اند؛ در عین حال و از منظری انتقادی، رسانه‌ها ابزاری بس نیرومندند که می‌توان از آنان در راه خیر یا شر یا تأثیری

شگرف سود برد. چنان‌که چاکوتین با استفاده از مفاهیم روانشناسی پاولوف، بر آن بود که با رسانه‌ها می‌توان توده‌های وسیع انسان را شرطی ساخت، عاداتی تازه در آنان پدید آورد و در هر صحبت که تمایل باشد هدایت نمود (فزلسفلی، ۱۳۸۸: ۳۲۶). در دوران کنونی شبکه‌های ارتباطی از قبیل اینترنت و تلفن همراه، جهان را به صورت دهکده‌ای درآورده‌اند و همین امر باعث شده هویت‌های متنوع و متعدد به راحتی با یکدیگر در ارتباط باشند و در یکدیگر تأثیر گذارند. کاربر اینترنت با گشت و گذار در جهان مجازی با روش‌های گوناگون زندگی جدید جهانی آشنا می‌شود و به این ترتیب شهروندان جامعه‌ی جهانی از اتخاذ یک موضع خاص یا به عبارتی هویت ثابت

## URL (آدرس اینترنتی) صفحه‌ی مذکور در پایگاه داده‌ی سرور سایت که به صورت عمومی با استفاده از دامنه و اتصال به درگاه اینترنت جهانی شده است



روسی این اپ هستند تا بتوان به این شیوه برخی محتوای مغایر با قوانین ایران را از دسترس کاربران داخلی خارج کرد. در آمارگیری از ۳۰۰ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر به صورت نمونه‌گیری تصادفی از بین تمام رشته‌ها و مقاطع تحصیلی موجود در واحد (تاریخ ۱۹ الی ۳۰ آذر ۱۳۹۶) که در پاسخ به پرسشنامه با موضوع (بیشترین سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده شما چیست؟) به عمل آمده، نتیجه به تفکیک سایت و شبکه‌هایی که بالاتر از ۲ رأی داشتند، به قرار نمودار (۲) می‌باشد. یکی دیگر از علت‌های تفکیک نموداری در این پژوهش، میزان سختی کار در جهت

طی انتشار خبری از YJC به نقل قول از رضا تقی‌پور، عضو شورای عالی فضای مجازی، اعلام شد: «آخرین آمار رسمی تعداد کاربران ایرانی تلگرام ۲۵ میلیون و در نقل از یک مرجع غیر رسمی، آن را بیش از ۴۰ میلیون نفر برآورد شده « (۱۳۹۶/۰۷/۲۴). تلگرام یکی دیگر شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اینترنت بوده که بنا به قول ایسپا (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران) این اپ با ۵۸ درصد محبوبیت در ایران بر سکوی نخست ایستاده است (آقاسی، ۱۳۹۶/۰۶/۲۵). این اپ با وجود سیستم رمزنگاری ویژه خود از سد فیلترینگ هوشمند گذشته است، اما با وجود گسترده‌گی استفاده از آن در کشور مقامات و مسئولین درصدد ریزنی برای فیلترینگ داخلی از طرف سازندگان



**فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که دربرگیرنده‌ی دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هر گونه توانایی که به‌وسیله‌ی انسان، به‌عنوان عضو جامعه، کسب شده است**

## باورها؛ تهاجم فرهنگی



فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که دربرگیرنده‌ی دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هر گونه توانایی که به‌وسیله‌ی انسان، به‌عنوان عضو جامعه، کسب شده است می‌باشد (روح الامینی، ۱۳۷۲: ۱۷). تهاجم، به معنای هجمه و غوغا که به‌وسیله‌ی مهاجم انجام می‌شود، تعریف می‌گردد (حسینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۸). پیچیدگی‌های جنبه‌های گوناگون جنگ رسانه‌ای موجب شده است تا تصمیم‌گیری درباره‌ی طراحی و تدوین استراتژی، چارچوب‌بندی، روش‌های کاربردی، نحوه عملیاتی کردن هدف‌ها و ماموریت‌های تعریف شده و استفاده از بیشینه توان هر رسانه، با توجه به امکانات انتشار چاپی، صوتی، تصویری، چند رسانه‌ای و پیوسته تنها به تیمسارهای نظامی واگذار نشود. جنگ رسانه‌ای مقوله‌ای است که همکاری هماهنگ و نزدیک بخش‌های نظامی، سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، رسانه‌ای و

تبلیغاتی یک کشور را می‌طلبد (ضیایی پرور، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۱). در بیان مفهوم تهاجم فرهنگی، آن گونه که مصطلح شده است تلاش در جهت تخریب چهارچوب ارزشی و مقدسات ایمانی جامعه و سپس ایجاد چالش‌های اخلاقی در میان مردم خصوصاً قشر جوان جامعه است. از این نظر تهاجم فرهنگی حرکتی آرام، پیوسته و خطرناک است که از هر سویی به درون رخنه می‌کند و با ورود خود معیارها را یک مرتبه فرو می‌ریزد (لطفی کاشانی، وزیری، ۱۳۷۴: ۱۷۸). و در یک عبارت جامع می‌توان گفت: (( تلاش سلطه‌گرانه‌ی جامعه‌ای برای تحمیل فرهنگ خود بر جامعه‌ای دیگر و ایجاد نوعی دگرگونی فرهنگ در آن جامعه ))، تهاجم فرهنگی را می‌توان معادلی بر امپریالیسم فرهنگی دانست که ایجاد ذهنیت‌ها و باورهای بیگانه توسط استعمارگان و دشمنان برای افزایش قدرت‌های اجتماعی، سیاسی،

اقتصادی و... است. گاهی ایجاد شایعه برای کاهش ریشه‌های هویت اصیل و باورها همانند تبری است که هرچه تعداد آن افزایش یابد بدنه استوار عقاید را قطع می‌کند، باید گفت شایعه مبنای تبلیغات برای ایجاد جنگ روانی است، و ابزارهای نوین تیغه‌های تیر آن. زمانی که یک فرد عادی در جهت تبلیغ کالای خود برای افزایش فروش آن از ابزارهای اینترنت استفاده می‌کند و با کمترین دانش اطلاعاتی از علوم رفتارشناسی، جامعه‌شناسی و... موفق به کسب رضایت و جذب مشتری می‌شود، چرا اتاق فکر دشمن با وجود صدها اندیشمند و خبره این مسائل و با کمک بودجه‌های کلان و هزاران دست‌اندرکار نتواند کوچک‌ترین تغییری در عقاید و رفتار جامعه هدف داشته باشد؛ با تاملی در دیالوگ‌های استفاده شده در سریال‌های پرمخاطب صدا و سیمای داخلی کشور درک این مساله بسیار آسان خواهد بود، زمانی یک دیالوگ طی چندین قسمت از زبان یکی از شخصیت‌های سریال بیان می‌شود کمتر از ساعتی هزاران پست به صورت متنی، تصویری، صوتی در شبکه‌های اجتماعی به کمک اینترنت منعکس می‌شود که این دیالوگ خاص را به یک «تکه کلام» در بین قشر عظیمی از مردم قرار می‌دهد، چه مخاطبان این سریال و چه مردمی که تنها از طریق مشاهده پست‌های انعکاس یافته در اجتماعات مجازی شاهد آن بوده‌اند. ساز و کار تأثیرگذاری تهاجم فرهنگی در هویت زدایی از فرهنگ و باورها می‌باشد؛ که



در یک پروسه‌ی آرام و تدریجی در جوامع هدف، ذهنیت‌سازی کرده و در نهایت باورها و فرهنگ جامعه‌ی هدف را حذف و عقاید و مقاصد خود را جایگزین آن می‌کند. بنابر این برای تأثیر تهدیدات نرم، تغییر الگوی زندگی جامعه و گرایش دادن افراد به سبک زندگی ایده‌آل جریان سلطه، که در حال حاضر بر پایه سکولاریسم و مصرف‌گرایی بنا نهاده شده است، روش مطلوبیست (غلامرضایی، ۱۳۹۴: ۸۸). در جهان امروز تنوع جریان اطلاعات در سایه فن‌آوری‌های نوین ارتباطی موجب شده تعداد زیادی از مردم از رسانه‌های جدید و اینترنت استفاده کنند. به عبارت دیگر این امکان برای مردم به وجود آمده که شهروندان هر جامعه در جریان خبرگیری و خبردهی قرار گیرند. اما از سوی دیگر استفاده از این فن‌آوری موجب شده که انتشار شایعه در فضای سایبری گسترش و سرعت زیادی داشته باشد بدون آنکه به طور جدی بتوان بر آن نظارتی صورت گیرد هر روز از گوشه و کنار می‌شنویم که در بعضی کشورها پخش شایعه‌های دروغ، انتشار اخبار و اطلاعاتی که امنیت را تهدید می‌کند یا به وجهه حکومت صدمه می‌زند و یا اینکه در میان مردم وحشت ایجاد کند جرم تلقی می‌شود (دهقان شاد، ۱۳۹۰: ۳۶ و ۳۷).

### رسانه و جنگ نرم

امروزه برای دستیابی به توسعه سیاسی استفاده از وسایل ارتباط جمعی الزامی است، چرا که وسایل ارتباط جمعی از زمان پیدایش، تأثیرات شگرفی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع بر جای گذاشته است؛ در این میان اینترنت به عنوان یک رسانه‌ی نوین دارای نقش غیرقابل انکاری در زمینه توسعه سیاسی می‌باشد (عقبلی، جعفری، ۱۳۹۱: ۲). رسانه‌ها با تأثیرات گسترده‌ای که در بخش‌های مختلف می‌گذارند حجم قابل توجهی از تأثیرات خود را بنا بر پژوهش رضاقلی‌زاده در بخش گردشگری مربوطه به زمینه‌ی فرهنگی آن کشور می‌گذارند: (( رسانه‌ها در تصویرسازی از مکان‌ها و کشورهای مختلف و در شکل‌دهی به تصورات جغرافیایی افراد، اهمیت زیادی دارند. روش‌هایی که مردم جهان، یک کشور خاص را می‌بینند، می‌تواند از طریق ارائه اشکال فرهنگ عامه در رسانه‌هایی مانند فیلم‌ها، تلویزیون و دستاوردهای ادبی و همین‌طور پرتال‌های فضای مجازی آن کشور شکل داده شود. بسیاری از اشکال فرهنگ عامه در رسانه‌ها، در قالب نمایش و تجسم تاریخ، معماری، چشم‌اندازها، رویدادها، اسطوره‌ها، خصوصیات ملیتی و سبک‌های زندگی یک کشور خاص ارائه می‌شوند. چنان که اطلاعات دریافت شده از اشکال بازنمایی‌های رسانه‌ای، بعضی اوقات اساس درک و آگاهی افراد از یک کشور است. از طرف دیگر، آن گونه که یک کشور از طریق فیلم‌ها، مجموعه‌های تلویزیونی و کارهای ادبی بازنمایی می‌شود، ممکن است تأثیر جهانی عظیمی در دائمی کردن دید و تصور خاص از آن کشور در میان مخاطبان خارجی داشته باشد (رضاقلی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۷)). در کلیه کشورها، رسانه‌ها تشکیل‌دهنده اتمسفر دنیای سیاست‌اند؛ طبعاً درصد بالایی از مردم از طریق اطلاعاتی که از رسانه‌ها به دست می‌آورند، عقاید سیاسی خود را شکل می‌دهند و رفتارهایشان را بر اساس آن بنا می‌کنند (مدد پور، ۱۳۸۳: ۳۸).

**هویت، به معنی هستی و وجود، وسیله‌ی شناسایی فرد از مجموعه رفتار و اخلاق فردی، که ایشان را از دیگران متمایز می‌کند**

## ابزار اینترنت و هویت

گونه‌ای عمل کنند که ضمن بازتاب واقعیت‌ها از بزرگنمایی ناهنجاری‌ها و کاستی‌ها خودداری کرده و به جای بحران‌نمایی و بحران‌افزایی به بحران‌زدایی و مهار بحران کمک کنند. چرا که ثبات و امنیت ملی، تابعی از وضعیت افکار عمومی و نحوه مدیریت بحران است. با ورود نسل جوان جامعه به حوزه‌های مختلف صنعت، آموزش و... ایده‌ها و باورهایی که در کانون خانواده فرا گرفته‌اند را در قالب فعالیت‌های گوناگون به عرصه ظهور خواهند رساند، هجمه‌های فرهنگی که از طریق رسانه‌ها و اینترنت در اختیار این قشر از دوران رشد قرار می‌گیرد باعث جایگزینی افکار سازمان یافته بر افکار و عقاید خانوادگی و کشوری آن خواهند شد و چه بسا در آینده او را نسبت به ظهور رسانی این عقاید تشویق خواهد کرد؛ حذف لباس‌های محلی، گویش‌های محلی، آداب و رسوم‌های منطقه‌ای تنها بخش کوچکی از آسیب‌های امپریالیسم فرهنگی است، این آسیب‌ها با فراگیری ابزار تهاجمی آن رابطه مستقیم دارد، نشریات، ماهواره و کانال‌های تلویزیونی، رادیو، اینترنت و از همه مهم‌تر ابزار رایج عصر در استفاده از اینترنت که سطح بالایی از جامعه را مشمول استفاده از خود می‌کند می‌تواند بسیار آرام، ولی با قدرت نسبت به پیاده‌سازی زمینه‌های ظهور فرهنگ جایگزین شده در افکار مردم موثر باشد.



### بحران ساخت و ساز مدیریت شهری را به چالش کشیده است

هویت، به معنی هستی و وجود، وسیله‌ی شناسایی فرد از مجموعه رفتار و اخلاق فردی، که ایشان را از دیگران متمایز می‌کند (اشرف، ۱۳۹۰: ۲۳)؛ از آنجا که هجمه‌های فرهنگی ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی را با بهره از یافته‌های علوم گوناگون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم ارتباطات، مردم‌شناسی و... مورد تأثیر عمیق، چند وجهی قرار داده و با پیچیدگی خود و رخنه ریشه‌های متعدد در جامعه از دیوار دفاعی گروه مقابل عبور می‌کند، درصدد تغییر هویت شخصی و هویت ملی افراد است (غلامرضایی، ۱۳۹۴: ۹۴-۹۶). در واقع تهاجم فرهنگی هرچند به ظاهر دارای خصلتی نرم، کم هزینه، بدون تلفات جانی و مالی است اما ماهیت چهره‌ای خشن و براندازانه دارد که هویت ملی یک ملت و یک کشور را نشانه رفته (دولتی، ضامنی، ۱۳۹۵: ۱۵)؛

کم‌کم همگان به سوی تنهایی و انزوا پیش رفتند، به گونه‌ای که امروزه فرد‌گرایی در جامعه رواج یافته و به دنبال آن سنت‌ها و آئین‌های خانوادگی رو به زوال است؛ در نهایت حتی اگر هم یادآورده شوند از طریق تلفن، پیامک و پیام‌های درون شبکه مجازی امثال تلگرام، لاین و... خواهد بود (شیری، رحمانی، ۱۳۹۴: ۱۱۰). امروزه رسانه‌ها همان گونه که در ضعیف کردن پایه‌های امنیتی اثرگذار هستند می‌توانند در ایجاد و تقویت آن نیز کارایی و سهم

اینترنت علاوه بر نقاط قوت، امروزه دارای نقاط ضعفی هم هست. وسایل ارتباط جمعی فواصل را ناپدید می‌سازند، همچنان که جدار بین انسان‌ها را نیز تا حدود بسیار زیادی شفاف‌تر می‌کنند (اسلوین، ۱۳۸۰: ۸۳). راه موثر برای پیش‌گیری از آن به فرمایش مقام معظم رهبری، افزایش بصیرت است: برای مقابله با هجمه‌های فرهنگی باید در خود بصیرت ایجاد کرد، و قدرت تحلیل خود را افزایش داد؛ هر ضربه‌ای که در تاریخ خورده شده



قابل توجهی داشته باشند. آنها می‌توانند با دور کردن احساس نا امنی، بی‌اعتمادی و ناامیدی از فضای ذهنی افراد جامعه، به

از بصیرت کم و قدرت تحلیل کم است از طرفی با هجوم شبکه‌های مجازی، روحیه جمع‌گرایی افراد خانواده از بین رفت و

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اشرف، احمد (۱۳۹۰)؛ هویت ایرانی در قرن های نوزدهم و بیستم میلادی، نشریه برخط گذار، ش ۱۷.
۳. اسلوین، ج (۱۳۸۰)؛ اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گلپگوری، تهران: کتابدار.
۴. بروگمن، بیرون (۱۳۸۹)؛ درآمدی بر شبکه های اجتماعی، ترجمه: خلیل میرزایی، تهران: نشر جامعه شناسان.
۵. تاملینسون، جان (۱۳۸۰)؛ جهانی شدن فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۶. دولتی، حسن، ضامنی، فرشیده (۱۳۹۵)؛ تبیین رابطه هویت ملی و پاسخگویی به تهاجم فرهنگی دشمن، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۶۸، سال ۱۷، شماره ۴.
۷. دهقان شاد، حوری (۱۳۹۰)؛ چگونگی گردش شایعات سیاسی در فضای اینترنت، مطالعات رسانه ای، سال ۶، ش ۱۴.
۸. رضاقلی زاده، بهنام (۱۳۸۹)؛ مروری بر اثرات رسانه ها بر گردشگری، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، سال هفدهم، ش ۴، پیاپی ۶۴.
۹. روح الامینی، محمود (۱۳۷۲)؛ زمینه فرهنگ شناسی، پویایی و پذیرش، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطار.
۱۰. شاهنوشی، مجتبی، تاجی، محمدرضا (۱۳۹۱)؛ تاثیر شبکه های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان شهرستان شهرکرد، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۵۱، سال ۱۳، شماره ۳.
۱۱. شیرینی، طهمورث، رحمانی، الناز (۱۳۹۴)؛ تاثیر استفاده از وسایل نوین ارتباطی (لاین، تلگرام) بر وضعیت انسجام خانواده در سال ۱۳۹۴، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۸، ش ۱.
۱۲. صانع پور، مریم (۱۳۹۰)؛ هویت در عصر رسانه های دیجیتال، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در رسانه و فرهنگ، سال اول، ش ۲.
۱۳. ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۳)؛ جنگ نرم، جنگ رسانه ای، موسسه فرهنگ مطالعاتی و تحقیقات بین المللی.
۱۴. طاهری، مهدی (۱۳۹۰)؛ ولایت مداری، در الگوی پیشرفت سیاسی اسلامی- ایرانی، فصلنامه معرفت سیاسی، سال سوم، ش ۲.
۱۵. عقیلی، سید وحید، جعفری، علی (۱۳۹۱)؛ نقش اینترنت در توسعه سیاسی، فصلنامه مطالعات رسانه ای، سال ۷، ش ۱۹.
۱۶. عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸)؛ مدیریت رسانه ای و مهندسی افکار عمومی، فصلنامه مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۱۰، ش ۲.
۱۷. لاریجانی، محمد جواد (۱۳۷۷)؛ تدین،
۱۸. محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)؛ جامعه شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران: دیدار.
۱۹. غلامرضایی، علی اصغر (۱۳۹۴)؛ ویژگی هفتمند جنگ نرم؛ تهاجم بر ساختار فرهنگی، فصلنامه رادیو تلویزیون، شماره ۲۷.
۲۰. قزلسلفی، محمدتقی (۱۳۸۸)؛ رسانه و ساخت هویت ملی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۳.
۲۱. کاوسی، اسماعیل، کاظمی، حسنا (۱۳۹۲)؛ نقش تحرک اجتماعی سیاسی شبکه های اجتماعی مجازی بر شکل گیری بعد فرهنگی سرمایه اجتماعی، فصلنامه مطالعات رسانه ای، سال ۸، ش ۲۳.
۲۲. گرگی، عباس (۱۳۸۵)؛ اینترنت و هویت، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۲۵، سال ۷، شماره ۱.
۲۳. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)؛ جهانی شدن، فرهنگ و هویت، تهران: نشر نی. حکومت و توسعه، تهران: موسسه فرهنگی اندیشه معاصر.
۲۴. ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰)؛ دیپلماسی عمومی ابزار امپریالیسم فرهنگی آمریکا در خاورمیانه، مطالعات قدرت نرم، شماره ۱.
۲۵. مدد پور، مهدی (۱۳۸۳)؛ جامعه شبکه ای از نگاه دو متفکر معاصر: مانوئل کستلز و کوین کلی، کتاب ماه کلیات، سال ۷، شماره ۷۹.

۲۷. Alexander, B. (۲۰۰۸). "Web ۲.۰: A New Wave of Innovation for Teaching and Learning", University of Southern California, October.
۲۸. Aghasi, Mohammad (۲۰۱۷), "Iranian Students News Agency". Retrieved September ۱۶, ۲۰۱۷ from the World Wide Web: <https://www.isna.ir/news/۹۶۰۶۲۵۱۳۸۲۵/>
۲۹. Mcknight, lee.w. and peter cukor (۲۰۰۱), "Knowledge Networks, the Internet and Development", retrieved from the world wide web: <http://ebusiness.mit.edu/research/papers/۱۲۰/۲۰ McKnight, ۲۰ Knowledge ۲۰ Networks.pdf>
۳۰. Pirzade, Saeid (۲۰۱۷), "Young Journalists Club". Retrieved December ۳, ۲۰۱۷ from the World Wide Web: <http://www.yjc.ir/fa/news/۶۲۸۱۵۵۳/>
۳۱. The Statistics Portal. Retrieved January ۶, ۲۰۱۸ from the World Wide Web: <https://www.statista.com/statistics/۵۷۸۳۶۴/countries-with-most-instagram-users/>

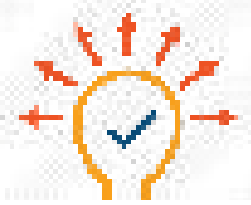
## Students' Attitudes to the Impact of Internet Tools on the Advancement of Cultural Invasion

### Abstract:

The Internet and modern media technologies in the present era have become a strategic field for the emergence of targeted ideas and intentions among the overwhelming majority of the population, so that if a country fails to strengthen its indigenous infrastructure in this area, it has to follow and Dominated by countries. Today's battle is the battle of ideas, beliefs and theories, today's weapon is a new tool that is available to every one of the world's people. The current superpowers seek to impose their own desires and demands in the minds of all the people of the world, the term that is called cultural imperialism; this is one of the best ways to advance the estimation of colonial goals through the introduction of personal identities. In the present study, we tried to analyze 300 random samples from students of Islamic Azad University, Abhar branch, to find the most widely used technology tools. Also, by studying valid internal and external sources, the current tools for disseminating the nest and Targeted promotion of colonialism has been identified, and the appropriate way to tackle its cultural outcry is to be proposed. In this research, one of the reliable and reliable defenses for preventing the community from advancing the enemy's cultural imperialism and its lack of progress in political life has been the introduction of insight and awareness in the community and the emphasis is still on the necessity of the development and development of the indigenous infrastructure of the country.

### اثر منفی یا مثبت در تغییر نگرش، رفتار و تصمیم کاربران را در یک هدف مشخص می کند

## بحث و نتیجه گیری



در این پژوهش با بررسی و مقایسه بین چندین مقاله مربوطه، رابطه بین ابزار اینترنت در توسعه تهاجم فرهنگی، با تایید ادعای این پژوهش که ابزارهای رایج اینترنتی که در جامعه آماری بررسی شده با اخذ بالاترین رأی در قسمت شبکه های اجتماعی به ترتیب تلگرام، اینستاگرام و واتس آپ؛ و در بخش سایت های اینترنتی به ترتیب ویکی پدیا، آپارات، ورزش ۳ معرفی شد؛ دارای هویت رسانه ای جمعی با شمول فراگیری گسترده در بین مخاطبین می باشند، که با ترویج و انتشار یک خبر، تبلیغ، تصویر یا ویدیو در کمتر از ساعاتی به ایجاد یک سمت و سو دهی و ذهنیت سازی در کاربران کرده و می تواند اثری منفی یا مثبت در تغییر نگرش، رفتار و تصمیم کاربران در یک هدف مشخص باشد، که این خود می تواند زمینه ساز شکل گیری و توسعه اهداف سیاسی چه با اندیشه منفی و چه با اندیشه مثبت باشد؛ از طرفی سرعت بسیار بالای فراگیری و انتشار محتوا به کمک فضای مجازی خود از بهترین طرق برای پیشبرد و پیشرفت مقاصد سیاسی است.

خوب بلدند. در کار تبلیغات انصافاً پیشرفت هم کرده اند. امروز غربی ها، چه در اروپا، چه در آمریکا، در کار تبلیغات، شیوه های مدرن و بسیار پیشرفته ای را یاد گرفته اند و بلد شده اند؛ ما در این جهت عقب ایم. با این شیوه های تبلیغی، با جنجال، با فرستادن انبوه حرف های خلاف واقع، سعی می کنند فضای جوامع را دگرگون کنند و تأثیر بگذارند؛ باید به این نکته توجه داشت، باید این را مراقب بود. امروز وظیفه ی جوان های ما از این جهت سنگین است؛ نه فقط خودتان باید حقیقت را تشخیص دهید، بلکه باید فضا و محیط پیرامونی خودتان را هم با بصیرت کنید و برای آنها هم فضا را روشن کنید))

نتایج به دست آمده در بخش مقابله و پیش گیری از هجمه های فرهنگی درون یک جامعه، ایجاد آگاهی بالا، تحلیل سریع توسط کارشناسان و اطلاع رسانی توسط مراجع و رسانه های معتبر و سراسری بومی کشور را جهت ایجاد بصیرت نسبت به پشت پرده و هدف ابزار نوین ارتباط جمعی، راه موثر دفاعی می داند که باید تقویت شود. اگر دشمن قادر به ایجاد ابزار پیشرفته و پیاده سازی افکار بر روی آن است، در این طرف کشور باید کارشناسان خود در این زمینه را افزایش داده و حمایت کند، تا همان شیوه را در قالب بومی و با هدف حفظ فرهنگ بومی در پیش بگیرند. توسعه ی ریشه های اصیل فرهنگی و تقویت بنیان های مستحکم سیاسی برای هر کشوری در جلوگیری از پیشرفت هجمه های استعمارگران یک پدیده بلاشک و غیر قابل انکار می باشد فلذا باید نخبگان کشور را در مسیر تحصیل و تفکر در علوم سیاسی راهنمایی کرد تا بتوان بنیه ی قدرتمندی برای پیاده سازی و پشتیبانی از زیرساخت های بومی کشور را تضمین کرد.

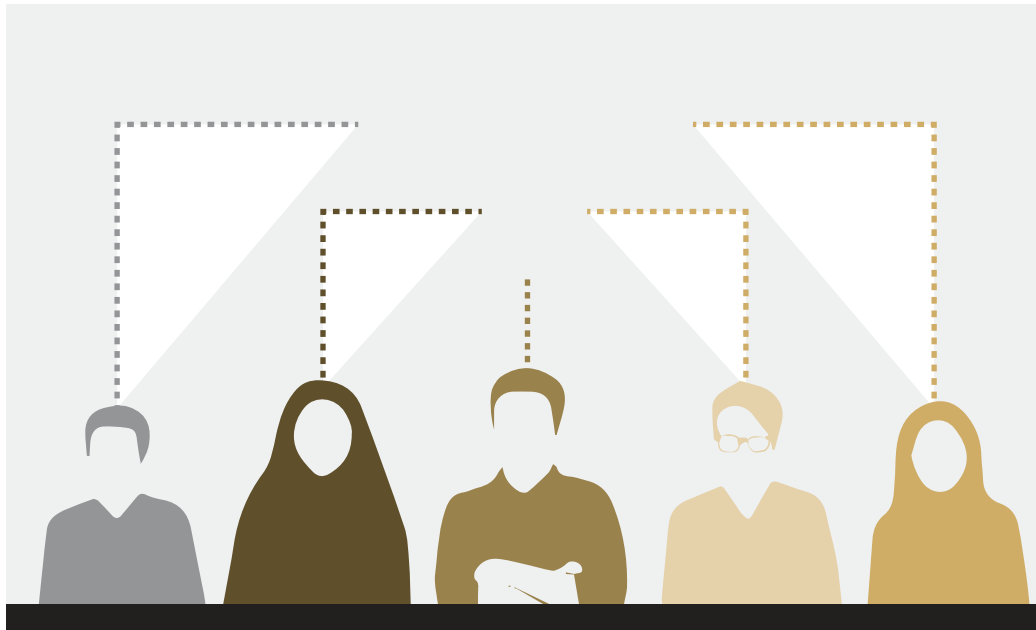
نتایج به دست آمده با پژوهش های انجام شده ی (دولتی، ضامنی، ۱۳۹۵)، (شیری، رحمانی، ۱۳۹۴)، (کاوسی، کاظمی، ۱۳۹۲)، (نورمحمدی، محمدی، ۱۳۹۲)، (شاهنوشی، تاجی، ۱۳۹۱)، (گرگی، ۱۳۸۵) و (مددپور، ۱۳۸۳) همسویی دارد. مقام معظم رهبری: (( امروز قدرت ابرقدرت ها، بیش از آنچه که در بمب هسته ای شان یا در ثروت های انباشته ی در بانک های شان باشد، در قدرت تبلیغاتی آن هاست، در صدای بلند آن هاست که به همه جا میرسد. شیوه های تبلیغاتی را هم



## سیر تاریخی مسئله «اصالت وجود»

نویسنده: سید حسین نجات، کارشناسی ارشد فلسفه و کلام

در این جهت توجه نکرده است. ملاصدرا (ره) باز چون بر همه کتابهای دیگران احاطه داشته است گاهی که وارد سیرتاریخی مسئله فلسفی می شود خیلی عمیق تر از حاجی سبزواری (ره) وارد می شود. مثلاً در مسئله «اصالت وجود» اگر کسی به ظاهر عبارت «شرح منظومه» نظر کند خیال می کند که از قدیم میان مشائین و اشراقیین نزاعی به نام «اصالت وجود» و «اصالت ماهیت» بوده است و مشائین که در رأس آنها ارسطو و بعد فارابی و بوعلی، طرفدار «اصالت وجود» بوده اند و اشراقیین که افلاطون در رأس آنها است طرفدار «اصالت ماهیت» بوده اند، در حالی که اصلاً چنین مسئله‌ای در تاریخ فلسفه مطرح نبوده است که آنها بخواهند چنین قائل باشند و اینها



مخالفت با فلاسفه برخاسته‌اند. متکلمان در بسیاری از مسائل فلسفی دقت کرده و سخنان فلاسفه را مورد سؤال قرار می‌داده‌اند؛ از این رو آنها یک سلسله از مسائل را طرح کرده‌اند گرچه سخنان آنها مقبول واقع نشد ولی برای مسائل جدید راه گشا بود.

منبع دوم: سخنان عرفا است که از محیی الدین به این طرف است. تا دوره محیی الدین مسئله وحدت هم اگر در عرفان مطرح شده، به صورت وحدت وجود به این معنا که بعدها مطرح شده، نبوده است. اینکه درباره وجود به شکل فلسفی بحث شود، برای اولین بار به وسیله محیی الدین و شاگردان او انجام گرفته است. قبل از محیی الدین و شاگردان او بحثی درباره وجود و تحت عنوان وجود نمی‌بینیم. حتی در عرفان فارسی هم از دوره محیی الدین به بعد است که در تعبیرات مولوی هست. در تعبیرات فتاری، چنین چیزی پیدا نمی‌کنیم ولی در تعبیرات محیی الدین هست و می‌بینیم که مثنوی معنوی، اساساً بر مبنای وحدت وجود محیی الدین است. بنابراین، این مسئله

### دوریشه و دو منبع

#### ۱- بحث‌های فلسفی متکلمان ۲- سخنان عرفا

بگیریم دیگر برای وجود عینیت زائد بر عینیت ماهیت نمی‌توانیم فرض کنیم. این است که شیخ اشراق در «حکمه الاشراق» این مسئله را تحت عنوان «حُكُومَةُ فِي عَدَمِ زِيَادَةِ الْوُجُودِ عَلَى الْمَاهِيَةِ فِي الْخَارِجِ» مطرح کرده است نه تحت عنوان اصالت ماهیت؛ یعنی در خارج، وجود و ماهیت دو چیز نیست. این سیرتاریخی این مسئله بود. اما حاجی سبزواری (ره) به سیرتاریخی مسائل وارد نبوده و توجهی نداشته است. علت آن، این است که حاجی سبزواری (ره) کتاب‌های زیادی در دسترس نداشته است و می‌گویند همه کتاب‌هایش از چند جلد معمولی تجاوز نمی‌کرده است و از این رو هر جا که بخواهد مسائل را از جنبه تاریخی بیان کند سخنان او چندان ارزشی ندارد. قدما به طور کلی به سیرتاریخی مسائل توجه نمی‌کرده‌اند، ولی حاجی سبزواری (ره) بیش از همه

مسئله اصالت وجود که در مقابل اصالت ماهیت طرح شده است، در فلسفه اسلامی یک مسئله مستحدث است؛ یعنی در فلسفه ارسطو و حتی در فلسفه فارابی و بوعلی و در کتاب «مابعدالطبیعه» ارسطو مسئله‌ای به نام «اصالت وجود» و «اصالت ماهیت» مطرح نیست. این مسئله اولین بار در زمان میرداماد و ملاصدرا به این صورت مطرح شد که آیا اصالت با وجود است یا ماهیت؟ میرداماد با اینکه مشائی بود طرفدار اصالت ماهیت شد و بعد ملاصدرا که شاگرد او بود ابتدا نظریه استاد را پذیرفت و بعد به شدت با آن مخالفت کرد و طرفدار اصالت وجود شد به گونه‌ای که می‌توان گفت که افکار اختصاصی ملاصدرا در همه فلسفه بر محور اصالت وجود است؛ یعنی همه آنها مسائلی است که از این گرفته می‌شود.

منبع اول: متکلمان دو گونه بحث کرده‌اند: بعضی از بحث‌های آنان صرفاً در اطراف مسائل مذهبی و بعضی از بحث‌های آنان در مورد مسائل فلسفی است و به

به صورت یک مسئله مطرح شده است که آیا وجود را باید اصیل بدانیم یا ماهیت را، به طور قطع قبل از میرداماد و ملاصدرا نبوده است؛ و اینکه همیشه به شیخ اشراق نسبت می‌دهند که شیخ اشراق اصالت ماهیتی بوده است به یک معنا درست است ولی به یک معنا درست نیست.

اول فرض کرده است که ماهیت عینیت دارد، آن گاه برای وجود عینیتی زائد بر عینیت ماهیت قائل نیست. او دیگر فکر نکرده است که در اینجا به شکل دیگری می‌توان مسئله را مطرح کرد؛ یعنی این مسئله برای شیخ اشراق مطرح نبوده است که از وجود و ماهیت برای یکی عینیت قائل شویم و برای دیگری ذهنیت و اعتباریت. گویی عینیت ماهیت برای ایشان امر مسلمی بوده است، حال که مسئله برای او چنین است دیگر وجود نمی‌تواند عینیتی داشته باشد.

شکی نیست که اگر عینیت ماهیت را امر مسلم

گفته‌های ناگفته  
جلد اول

مولف: اسماعیل جانجانی

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى  
إِلَهِي أَنْتَ كَمَا أَحْبَبْتَ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ ، وَ  
أَجْعَلْ سَعْيِي هَذَا خَالِصاً لِرُجُوكَ الْكَرِيمِ وَ  
مَشْكُوراً.

درود به تو ای خواننده گرامی، آنکس که مقتدایش حسین است عباسی عمل می‌کند. در این مجموعه سه جلدی نظر بنده در این بوده است که اثری خلق کنم تا در دسترس همگان قرار بگیرد و از انتخاب کلمات سنگین و مشکل که خود مانعی جهت فهم سریع است خودداری نموده ام و نیتیم از گفتن این جملات استفاده کردن و آگاهی بیشتر به مخاطب بوده است و تلفیقی است از فکر و جهان واقعیت که خواننده را به فکر فرو برد و ارزش واقعی انسان را نشان دهم.

به نام خدایی که در هر جایی هست، خدایی که خالق رنگ هاست، خدایی که مهربانی را خلق کرد...

### آبرو

آبرو ارزشمندترین چیزی است که انسان دارد زیرا همانند یخی می‌ماند که درخواست کردن آن را قطره قطره آب می‌کند، پس بنگر که آن را نزد چه کسی فرو می‌ریزی؟!

آبرومند کسی است که همیشه سعی دارد آبروی مردم را حفظ کند گرچه برایش سخت باشد.

اگر آبروی دشمن را نیز حفظ کردی بدان که آرزوی دشمن آشتی با تو خواهد بود.

گاهی افشای اسرار دیگران نزد تو یک آزمون الهی است که آیا می‌توانی نفس سرکش خود را سرکوب و ایمانت را با نگفتن حفظ کنی.

### آیا می‌دانید!

آیا می‌دانید، کسی که سکوت شما را درک نمی‌کند نمی‌تواند گفته‌های شما را هم درک کند.

آیا می‌دانید، شخص ضعیف تند صحبت می‌کند و حرکات سریعی دارد و قدرتمند آهسته حرکت می‌کند و آهسته می‌گوید.

آیا می‌دانید، هر کس می‌تواند صحبت کند ، اما افراد کمی قادرند صادقانه، منظم و عاقلانه و قدرتمند صحبت کنند.

آیا می‌دانید، دانش همانند قدرت لذت بخش است.

آیا می‌دانید، زندگی زیباست ولی افسوس که خاطره ای بیش نیست.

آیا می‌دانید، زندگی دو نیمه دارد، نیمه اول آرزو و نیمه دوم حسرت.

## «بدهات اصالت وجود»

عده‌ای از حکما بر این باورند که اصالت از بدیهات است و نیازی به استدلال ندارد اگر چنین است، کدام یک از انواع بدیهی است اولیات؛ مشاهدات؛ تجربیات؛ متواترات؛ حدسیات؛ فطریات؟ در تقریر بدهات «اصالت وجود» می‌توان گفت: این مسئله از آن رو بدیهی است که با تصور طرفین قضیه؛ یعنی با تصور «وجود» و تصور «اصیل» از این سو، و توجه نفس به نسبت میان این موضوع و محمول، از سوی دیگر تصدیق به حکم و جزم به صدق قضیه برای ما حاصل می‌شود. بنابراین مسئله «اصالت وجود» از قبیل اولیات (بدیهیات اولیه) خواهد بود.

اولیات، قضایایی است که تصور صحیح موضوع، محمول و نسبت میان آن دو در تصدیق یقین آن قضایا کافی است. درباره «اصالت وجود» نیز چنین وضعی برقرار است؛ زیرا وجود در برابر ماهیت (هر چه غیر وجود) است و پیداست که هر چه غیر وجود است هم می‌تواند موجود باشد و هم می‌تواند موجود نباشد و از این لحاظ، فرقی نیست میان آنکه این (غیر وجود) انسان، آب، خاک، سنگ، ستاره و... باشد یا علت، معمول، واحد، کثیر، علم، قدرت و... باشد؛ یعنی هم «من حیث هو» نه موجود است و نه معدوم، و هم واحد «من حیث هو» نه موجود است و نه معدوم اگر بگوییم: «انسان موجود است»، تناقضی پیش نمی‌آید، و اگر بگوییم انسان معدوم است، هم تناقض لازم نمی‌آید. در مورد واحد و علت، و مانند آن نیز همین گونه است، این بدان علت است که در حقیقت انسان، واحد و علت نه «وجود» نهفته است و نه «عدم» از این رو، هر یک از این امور هم با «وجود» سازگار است و هم با «عدم». پس امور غیر «وجود»، بذاتها موجود نیستند؛ یعنی موجود بودن آنها به ذاتشان نیست به تعبیر دیگر، موجودیت آنها دارای حیثیت تقییدیه است.



## گفته های ناگفته

جلد اول

### آینده نگر

اگرچه دریا آرام باشد ممکن است تمساحی در زیر آب پنهان شده باشد.

اگر می خواهی بدانی که چه بوده ای بنگر که چستی، اگر می خواهی بدانی که چه خواهی شد بدان که چه می کنی.

آینده ای را می خواهیم که تمام اختیار خودم در دستم باشد، نه اینکه منتظر بمانم تا اختیاری برای آینده به من بدهند یا نه!

گاهی اوقات آینده برای برخی تکراری است یعنی به زبان ساده تر چیزی را آرزوی خود قرار می دهند که بارها آن را امتحان کرده اند و نمی دانند که این آینده خیالی همان گذشته ای است که عمر خود را صرف آن کرده اند.

بزرگترین اقلیم نامکشف آن است که زیر کلاه شما جای دارد.

طلعیان می رود ولی اثرش می ماند.

نیمه اول زندگی صرف انتظار کشیدن برای نیمه دوم می شود، نیمه دوم صرف حسرت خوردن برای نیمه اول.

گاهی وقتی افراد سالخورده را می بینیم و کارها و صحبت هایی را از آنها می شنویم به گمان خودمان که آنها چیزی از دنیای فعلی ما نمی دانند و هر چه را که ما می گوئیم یقین صد در صدی می باشد ولی با اینکه گذر زمان را در چهره و اجزای آنها می بینیم به این فکر نمی کنیم که آنها نیز در زمان خود جوان بودند و ما نیز این جوانی را به جوانان آینده تقدیم خواهیم کرد، آیا مطمئن هستیم که آیندگان هم ما را انسان های دانا و کارآمد می دانند؟

بدترین لحظات انسان به یادآوری خاطرات خوش گذشته می باشد.

### اخلاق پسندیده

انسان باید پنج خصلت پسندیده را داشته باشد: ۱- غم روزی نخورد ۲- چون مریض شود از عذاب ننالند و گله نکند. ۳- اگر طعمی داشته باشد با دیگری بخورد. ۴- اگر با کسی نزاع کرد در دل کینه نکند و زود آشتی کند. از اندک گناهی بترسند و با رقت باشند و با کوچکترین خوبی راضی و خشنود شوند.

هر کس مطابق لیاقت و ارزش اجتماعی از زندگی برخوردار است.

دریغا که زبان و دل همیشه با هم نیستند، گاهی دل از بی پروائی و تند روی زبان خونابه میریزد و گاهی دل از مهر و محبت میجوشد، زبان همچو سنگ بسته از جا نمی جنبد.

## عدهای از حکما بر این باورند که اصالت از بدیهات است و نیازی به

### استدلال ندارد اگر چنین است، کدام یک از انواع بدیهی است اولیات؟

#### مشاهدات؛ تجربیات؛ متواترات؛ حدسیات؛ فطریات؟

قیدی ندارد؛ زیرا موجودیت عین «وجود» است. بنابراین صرف اینکه «وجود» که عین واقعیت و موجودیت است و «اصالت» که به معنای موجود بودن بالذات است را تصور کنیم کافی است تا در پاسخ به این سؤال که آیا «وجود» اصیل (موجود بالذات) است یا نه؟ در نمایم و منتظر استدلال نباشیم بلکه آشکارا در می یابیم که «وجود» اصیل است.

و موجودیت را از آن نفی کنیم، خودش را از او نفی کرده ایم و این جزء تناقض نیست. بنابراین موجودیت را نمی توان از «وجود» سلب کرد و «اصالت» یعنی اینکه اگر چیزی موجود است، موجودیت او به ذات خود اوست و برای موجود بودن نیازمند آن نیست که وجودی به آن ضمیمه گردد( تا محمول بالضمیمه شود) و روشن است که «وجود» برای موجود بودن نیاز به چنین

اما خود «وجود» این گونه نیست؛ یعنی چنین نیست که هم با «عدم» سازگار باشد و هم با «وجود»، بلکه فقط با «وجود» سازگار است اگر «وجود» را از آن نفی کنیم یا «عدم» را بدان نسبت دهیم، دچار تناقض خواهیم شد. وقتی که می گوئیم: «الوجود من حیث هوَ لیس إلا هوَ» یعنی «وجود» من حیث هو نیست مگر خودش، اما (خودش) «وجود» است و اگر «وجود»

تصور درست مسئله «اصالت وجود» برای تصدیق آن کافی است اما اکنون این پرسش پدید می آید که اگر مسئله «اصالت وجود» بدیهی است، چرا برای اثبات آن استدلال کرده اند؟ آیا اعتقاد به بدهات با اقامه دلیل سازگار است و باهمدیگر منافاتی ندارند؟ پاسخ آن است که «تصدیق بدیهی»، تصدیقی است که نیاز به استدلال ندارد اما همین امر بی نیاز از استدلال خود بر دو قسم است: ۱- قسمی که نیازمند استدلال نیست و نمی توان بر آن استدلال کرد. ۲- قسمی که گر چه نیازی به استدلال ندارد ولی می توان برای آن دلیل آورد

پس «تعریف بدیهی» به امری که نمی توان بر آن استدلال کرد، تعریف صحیحی نیست. ولی کدام دسته از بدیهات از قسم اول اند؛ یعنی استدلال برای آنها امکان ندارد؟

می توان گفت: بدیهیاتی که مسائل اساسی شناخت آدمی و شالوده های معرفتی است، قابل استدلال نیستند و اگر بکوشیم که برای آنها استدلال کنیم، دچار مصادره به مطلوب (دلیل عین مدعی بودن) و نوعی دور معرفتی خواهیم شد؛ یعنی نخست باید صدق آنها را مفروض بگیریم تا سپس بتوانیم صدق آنها را اثبات کنیم.

به تعبیر دیگر، انکار آنها اساساً همه راه های بحث و استدلال را می بندد از این قبیل است بدیهیاتی چون «آدمی قوه مدرکه ای دارد» و «اساساً معرفت و شناختی هست» و «عالم یعنی واقعیاتی موجود است».

«وجود» است. تصدیق این مطلب نیازی به استدلال ندارد و «اصالت وجود» بدین معنا بدیهی خواهد بود. اما اگر «اصالت وجود» را چنین معنا کنیم که آنچه تمام متن واقع را فراگرفته، «وجود» است و «ماهیت» هیچ بهره ای از متن واقع ندارد، بلکه حد آن یا امری توهمی و خیالی است که در ذهن آدمی پدیدار می گردد، البته این معنا بدیهی نیست، و با تصور آن، یقین به صدقش برای ما حاصل نمی شود.

این معنا اگر صحیح هم باشد، باید بر آن استدلال کرد: اینکه مثلاً در مورد فردی که در خارج است، بگوئیم:

تنها «وجود» او امری عینی است و «انسانیت» او امری عینی نیست و تحقق ندارد، بلکه حد آن است؛ از این رو امری عدمی است یا صرفاً ظهور ذهنی آن است امری نیست که به صرف تصور تصدیق آن لازم آید بلکه امری نظری و نیازمند استدلال است.

اگر «اصالت وجود» بدیهی باشد که ظاهراً چنین است این بدهات، خود یکی از مویذات «اصالت وجود» خواهد بود؛ زیرا هر چه در خارج است، هم دارای «وجود» است و هم دارای چگونگی یا چگونگی های «غیر هستی» که نامش «ماهیت» است؛ اما ذهن این دو را از هم تفکیک می کند و جداگانه به تأمل در حکم هر کدام از آنها می پردازد.

وقتی که «وجود» را ملاحظه کنیم، به خوبی می یابیم که موجودیت او از خود اوست؛ چون «ماهیت» تفکیک شده از «وجود» را در نظربگیریم، به وضوح در می یابیم که اگر «ماهیت» موجود است، موجودیتش از خود او نیست، بلکه هم از «وجود» موجود است و «اصالت» جز این نیست که چیزی در موجودیت اصیل باشد؛ یعنی موجودیت از خود اوست، و چیزهای دیگر (غیر وجود) در عین اینکه موجودند، موجودیتشان به خودشان نیست، بلکه به واسطه

اما بدیهیاتی که از مسائل اساسی در معرفت آدمی نیستند از قسم دوم اند؛ یعنی در عین بی نیازی از استدلال می توان برای آنها دلیل اقامه کرد مثلاً «اعاده معدوم محال است» چنان که ابن سینا در الهیات شفا فرموده بدیهی و از اولیات است؛ زیرا تصور صحیح آن برای اینکه آن را تصدیق کنیم کافی است اما برای کسی که آن را انکار می کند، استدلال هم می توان آورد.

«اصالت وجود» نیز از همین قسم و قابل استدلال است، چراکه از مسائل اساسی «وجود شناسی» است ولی از مسائل اساسی «معرفت شناسی» نیست<sup>۱</sup>



## بررسی عقاید و تاریخ مرجئه

نویسنده: سید حسین نجات، کارشناسی ارشد فلسفه و کلام

### ارجاء در لغت به معنای تأخیر افکندن و نیز امید بخشیدن است

#### «تاریخ ظهور و پیدایش مرجئه در اسلام»

تأخیر اندازند تا خدا در روز قیامت خود حکم کند. این عساکر می‌گوید: گروهی از مسلمان‌ها که در اطراف سرزمین‌های اسلامی مشغول نبرد با کفار بودند پس از بازگشت به مدینه دیدند عثمان کشته شده و مردم با یکدیگر اختلاف دارند، برخی از عثمان طرفداری می‌کنند و برخی علی (علیه السلام) را بر حق می‌دانند. در این هنگام آنها گفتند ما علیه عثمان و علی (ع) حکمی صادر نمی‌کنیم و این کار را به تأخیر می‌اندازیم تا خدا در این باره حکم کند. (۵)

این سعد در تعریف مرجئه نخستین می‌گوید: «الَّذِينَ كَانُوا يَرْجُونَ عَلِيًّا وَعُثْمَانَ وَلاَ يَشْهَدُونَ بِاِيْمَانٍ وَلاَ كُفْرٍ (۶)» آنان کسانی بودند که قضاوت درباره علی و عثمان را به تأخیر می‌انداختند و درباره ایمان و کفر آن دو حکمی نمی‌کردند.

نخستین گروهی که مرجئه نامیده شدند، در قرن اول هجری پدید آمدند. پس از وقایعی که در زمان خلافت عثمان رخ داد و به اختلاف امام علی (علیه السلام) و اکثر مردم با او انجامید، مسلمانان به دو دسته تقسیم شدند. برخی مردم از عثمان حمایت کردند و اکثر مردم به خانه علی (علیه السلام) شتافتند و او را به خلافت و پیشوایی امت فراخواندند. پس از کشته شدن عثمان این اختلاف ادامه یافت و معاویه به بهانه خون‌خواهی عثمان در مقابل حضرت امام علی (علیه السلام) شورش کرد.

این اختلاف حتی پس از شهادت امام نیز ادامه داشت. در چنین اوضاع و احوالی عده‌ای برای اینکه میان این دو گروه وحدت ایجاد کنند پیشنهاد کردند که قضاوت درباره حق و باطل بودن عثمان و علی (علیه السلام) را به

ارجاء در لغت به معنای تأخیر افکندن و نیز امید بخشیدن (۱) و البته به معانی مختلفی دانسته شود:

یک: آنکه گفته شود مقصود از آن به تأخیر افکندن عمل از نیت و در واقع جدا کردن این دو از همدیگر است.

دو: آنکه گفته شود مقصود از ارجاء به تأخیر افکندن داوری درباره مرتکبان کبیره تا روز قیامت است.

سه: آنکه گفته شود مقصود از ارجاء، متأخر دانستن علی (علیه السلام) از رتبه نخست در استحقاق خلافت و در برخورداری از فضایل نسبت به دیگر خلفای راشدین است.

از دیدگاه شهرستانی اطلاق نام مرجئه بر طرفداران اندیشه جدایی ایمان از عمل بر هر دو معنی لغوی تأخیر افکندن و امید بخشیدن و نیز به معنی اصطلاحی نخست صحیح است، چنان که مرجئه به معنای اصطلاحی دوم گروهی در برابر وعیدیه و به معنای سوم گروهی در برابر شیعه تلقی خواهند شد. (۲) بر طبق این نظر مرجئه و شیعه در مقابل یکدیگر قرار دارند. (۳)

#### مفهوم ارجاء

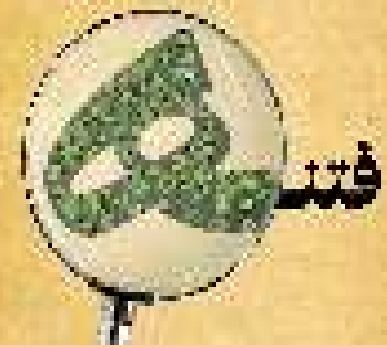
یکی از نخستین پرسش‌های کلامی که در سده اول رخ نمود پرسش درباره کسانی بود که گناه کبیره‌ای انجام داده‌اند. در برابر این پرسش که خود ریشه‌ای نیز در جهان سیاست داشت و قاعدتاً می‌باید طرف‌های جنگ صفین و پیکارهای پیشینی آن؛ یعنی جمل و همچنین رخدادهای قبلی را ارزیابی و درباره آنها داوری کند خوارج مدعی کفر مرتکبان کبائر شدند. در برابر اندیشه خوارج، گروهی دیگر از مسلمانان صف آرا شدند و با تفکیک ایمان از شرایع و احکام و تکالیف اظهار داشتند ایمان مسئله‌ای قلبی است، و ترک گناه و انجام اعمال دینی بخشی از ماهیت ایمان را تشکیل نمی‌دهد و در صدق عنوان مسلمان بر باور داشتگان توحید و نبوت دخالتی ندارد تا بتوان به استناد انجام گناه و یا ترک طاعات عنوان مسلمان را از کسی سلب کرد و او را کافر خواند. این اندیشه که در برابر سخت‌گیری‌های خوارج نماینده فرعی تسامح دینی بود ارجاء نام گرفت و طرفداران آن نیز مرجئه نامیده شدند



کشته شدن عثمان بن عفان، جنگ‌های دوره خلافت حضرت علی (علیه السلام) و پیدایش خوارج، باعث به وجود آمدن فرقه‌های دیگری شد. نخستین پیروان مرجئه را باید در بین افراد مردودی یافت که نمی‌دانستند حق با چه کسی است! عده‌ای که طرفدار حضرت علی (علیه السلام) بودند با نام علویان یا شیعه علی (ع) و طیفی که طرفدار اهل جمل و امویان بودند، عثمانیه نام گرفتند.

در نیمه دوم قرن اول، جهان اسلام در تب و تاب بحث‌های گوناگون بود. هر کسی طرف مقابل را خطاکار قلمداد می‌کرد و گاهی این خطا را تا حد کفر پیش می‌برد. در این دوره خوارج مطرح‌ترین گروه افراطی، تمام مسلمانان را کافر دانسته، خون آنان را می‌ریختند. در حدود سال ۷۰ هجری گروهی حکم به ارجاء دادند و گفتند: ما حکم آنها (شورشیان و قاتلان عثمان و دو طرف دعوا در جنگ جمل و صفین) را به خدا واگذار کرده در این قضیه توقف می‌کنیم.

ارجاء به معنای امید دادن و یا به تأخیر انداختن، نام این گروه شد و از این به بعد مرجئه نام گرفتند. بحث‌ها به همین جا ختم نشد و مهمترین بحثی که مطرح گردید این بود که کفر و ایمان چیست؟ بر اساس چه تعریفی می‌توان فردی را کافر و یا مسلمان دانست؟



اما ارجاء به معنی خودداری از داوری کردن درباره مرتکب کبیره عمدتاً به رویارویی کسانی از تابعینی و از آن پس فقها با اندیشه‌های خوارج و نظریه تکفیر که از سوی آنان تقویت می‌شد باز می‌گردد. اندیشه ارجاء بدین معنی در برابر اندیشه‌های خوارج برای نخستین بار از سوی کسانی چون حسن بن محمد بن حنفیه (۱۰۱ ق/ ۷۱۹ م) مطرح شد. (۹)

و از آن پس گروهی از عالمان و فقیهان که ابوحنیفه (۱۵۰ ق/ ۷۶۷ م) سرآمد آنان دست‌نماینده این اندیشه شدند.

مرجئه از همان روزگار پیدایش میان دو گروه دیگر و رویارویی آنان قرار گرفتند: خوارج و معتزله که هر کدام به گونه‌ای اعمال انسان را در اتصاف او به عنوان «مؤمن» که در آن روزگاران برابر نهاده کلمه مسلمان است دخالت می‌دادند؛ خوارج بر این عقیده بودند که مرتکب کبیره کافر است و معتزله بر این باور بودند که جایگاه چنین کسی میان دو جایگاه مؤمن و کافر قرار دارد و دارای عنوان «فاسق» است (مَنْزِلَةٌ بَيْنَ الْمَنْزِلَتَيْنِ) (۱۰).



اندیشه ارجاء از دوره ظهور خود، که روزگار حکمرانی امویان است، توانسته است با بهره‌گیری از روح مسالمت‌جویانه به حیات خویش ادامه دهد و دور از غوغای درگیری‌های تند سیاسی و نظامی در بستری فکری رواج یابد.

هر چند کسانی از طرفداران اندیشه ارجاء در روزگار اموی تحت تعقیب و آزار قرار گرفتند و یا در رویارویی با حکومت و کارگزارانش به قتل رسیده‌اند، نظریه عمومی آن است که مرجئه در مجموع به سبب طرح نظریه تسامح دینی - در برابر اندیشه‌های تند روانه خوارج - به نوعی آرامش دعوت می‌کرده‌اند و از همین روی رواج نظریه آنان در عمل به سود دستگاه حکومت امویان بوده است.





## گفته های ناگفته

جلد دوم



### بندگی

کسی که تسلیم تجربه نباشد، تجربه او را تسلیم خواهد کرد.

خواسته هایتان را غیر از خدا از کسی نخواهید.

خواسته هایتان را از معبود، جزئی نخواهید.

خزائن پروردگار پر است، هیچگاه قلبتان نلرزد.

دلسوزی بیش از حد قربانی می خواهد.

مهربانی با انسان های بی شرف همانند آن است که در دهان سگی هار نان گذاری بی خبر از آنکه آن سگ قلاده بریده.

خوبی کردن به انسان هایی که قلب ناپاک دارند، مثل این است که در ظلمات تاریکی شمعی را روشن کنی ولی بعد از تمام شدن شمع مجدداً تاریکی بر می گردد.

### پدر و مادر

چشمان اشکبار مادر تنها چیزی است که سنگین ترین دل را به رقت می آورد.

در این جهان سرد و تو خالی هیچ سرچشمه محبتی عمیق تر و نیرومند تر و ابدی تر از آنچه در داخل قلب مادر است وجود ندارد.

در لبها و قلوب کودکان، نام مادر به منزله ی نام خداست.

مادر بهترین و بی منت ترین محبت ها را نثار می کند.

مادر آهنربای قلب و ستاره ی قطبی چشم کودک است.

مادر، دریایی است که سیل درد های ما را تا قطره ی آخر می پذیرد و طغیان نمی کند.

مادر قاضی عادل است که حيله سازی و کینه ورزی طبیعت را همه جا می بیند و همیشه به بی گناهی فتوا می دهد.

یک مادر به صد استاد و آموزگار برتری دارد.

پدر همه آرزوهای خود را در آینده فرزندش جستجو می کند.

پدر، معلم سختگیری است که هیچ گاه نمی تواند شکست شاگردانش را ببیند.

مادر، با فرزندانش با صداقت صحبت می کند و پدر از فرزندانش حرف های صادقانه می خواهد.

مادر، تنها فرشته ای است که قبل از خواستش نزد تو حاضر می شود.



اساقه بن زید(۱۴)، اهبان بن صیفی(۱۵)، عبدالله بن عمر(۱۶)، ایمن بن خریم(۱۷)، از نمونه های چنین جریان سیاسی بودند و مخالف جنگ بودند با مخالفت چنین افرادی، روشن بود که گروه های از مردم نیز حاضر به مشارکت در این جنگ ها نبودند. گرچه باید اعتراف داشت جبهه امام علی(علیه السلام) به لحاظ داشتن بیش از هزار و پانصد انصاری و تعداد کثیری از مهاجرین، که شاخص آنها عماریاسر، خزیمه ذوالشهادتین و نیز کسانی چون اویس قرنی بود؛ ضعفی نداشت و این افراد آن اندازه نبودند که خللی در کل حرکت ایجاد کنند. به اضافه که کسانی چون عبدالله بن عمر بعدها مدعی شده که اشتباه کرده است.

این جریان چه آثاری می توانست از خود بر جای بگذارد؟ آگاهی که بسیاری از جریانات سیاسی، در ادامه، موجب یک نگرش خاص فکری و مذهبی می شوند؛ در این صورت باید پرسید: این کناره گیری و قعود چه آثار دینی و سیاسی در امت اسلامی از خود بر جای گذاشته است؟

برخی بر این باورند که این اقدام، جریان خاص مذهبی ارجاء را به دنبال آورده است. بر اساس این اظهارات، مرجئه میراث خوار همین اهل قعود هستند. (۱۸) در اینکه این سخن، درست است یا نه، باید بررسی و پژوهش در مسائل فکری مورد قبول مرجئه و نیز واکنش های عملی آنها در جریانات سیاسی، مسئله را دنبال کرد. ابن عساکر روایتی نقل کرده که با ملاحظه اختلافات موجود در مدینه پیرامون قتل عثمان، جانب احتیاط را گرفته و با تأیید هر دو طرف گفتند که «ترجیء امرها إلی الله» کار آنها را به خدا واگذار می کنیم تا درباره آنها حکم کند.

قبل از این باید دانست در برابر نگرشی که این حرکت را زمینه ساز ارجاء می داند، نوبختی چنین جریانی را زمینه اعتزال دانسته است. او با اشاره به کناره گیری سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن عمر، محمد بن سلمه و اسامه می نویسد: آنها از علی(علیه السلام) کناره گرفتند و از نبرد با وی نیز خودداری کردند؛ این، بعد از آنی بود که با او بیعت کرده و بدو رضایت داده

مرجئه دایره عنوان «مسلمان» را توسعه می بخشیدند و مسلمانان مرتکب کبیره را- و از جمله حکمرانانی را که گناهی از آنان سرزده بود- مؤمنانی می دانستند که خطاء کرده اند و از همین روی از داوری درباره طرفهای نزاع جهان سیاست در آن روزگار خودداری می ورزیدند و معتقد بودند هر گروهی برای خود دلایل ویژه خویش را دارد و حقیقت امر بیش از آنکه به ظاهر رفتار بازگردد به نیت کسانی بازگشت می کند.

«نتیجه این اندیشه آن بود که مرجیان به معاویه و طرفدارانش همان گونه می نگریستند که به علی(علیه السلام) و یاران وی. آنان آشتی با بنی امیه و کنار آمدن با ایشان را درست می دانستند و معتقد بودند خلیفگان اموی مسلمان هستند، قیام بر ضد آنان جایز نیست، نماز پشت سر آنها درست است و حداکثر بدیی که ممکن است کسی از این خلیفگان انجام دهد این است که کبیره ای انجام دهد، و این در حالی است که مرتکب کبیره از شمول نام مؤمن و مسلمان خارج نشود. از همین روی است که ندیده ایم کسی از حکمرانان اموی به کسی از طرفداران اندیشه ارجاء بدان سبب که طرفدار چنین اندیشه ای است ستم کرده باشد. بلکه درست برعکس، شاهد آن هستیم که امویان برخی از مشهور شدگان به نظریه ارجاء را در حکومت خود به کار گماردند، چنان که یزید بن مهلب، ثابت بن قطنه را که شاعر مرجیان است به ولایت یکی از نواحی مرزی گمارد»(۱۱).

## قاعدین، زمینه ساز ارجاء و اعتزال

جنگ جمل و صفین تأثیر مهمی بر گرایشات سیاسی، و به دنبال آن مذهبی، از خود بر جای گذاشت. در جریان منازعه دو گروه شیعی و عثمانی، کسانی از صحابه و به تبع آنها برخی از تابعین، خود را از معرکه کنار کشیده و حاضر به حمایت از هیچ کدام از این دو دسته سیاسی نشدند. برخی از آنان انگیزه های شخصی داشته و کسانی نیز به دلایل فکری و مذهبی خاص که عنوان می کردند، دست به این موضعگیری زدند.

در مجموع اینان کسانی بودند که از هواخواهی این گروه ها سرباز زد، و از آنان دوری- اعتزال- گزیدند. یا به عبارتی دیگر عوض قیام، قعود کرده و به قاعدینی شناخته شدند.

سعد بن ابی وقاص(۱۲)، محمد بن مسلمه انصاری(۱۳)(صحابه انصاری شاخص)،

**این جریان چه آثاری می توانست از خود بر جای بگذارد؟ آگاهی که بسیاری از جریانات سیاسی، در ادامه، موجب یک نگرش خاص فکری و مذهبی می شوند؛ در این صورت باید پرسید: این کناره گیری و قعود چه آثار دینی و سیاسی در امت اسلامی از خود بر جای گذاشته است؟**

بودند. پس از آن بود که معتزله نامیده شده و به عنوان اسراف معتزله درآمدند و گفتند نه جنگ در کنار علی(ع) و نه در برابر او جایز نیست.(۱۹) این نظریه مورد خرده گیری برخی از معتزله همچون ابوالقاسم بلخی واقع شده است؛ او تأیید کرده که جمهور معتزله جز اندکی از آنان، بر این باورند که علی(ع) در جنگ هایش بر صواب بوده و بیشتر محاربین با او گمراه بودند چنین کسانی را معتزله از علی(ع) نمی توان دانست.(۲۰)

اعتراض بلخی نیز در نگاه برخی از محققان ناروا شمرده شده و اظهار شده که او به دلیل تمایلات شدید خود به امام علی(ع) و از آن روی که خواسته تا همه معتزله یا بیشتر آنها را بر این رأی نشان دهد، چنین مطلبی را اظهار کرده است. به واقع بنیادگذاران معتزله همانند واصل بن عطاء و عمرو بن عبید درباره جنگ های امام علی(ع) توقف کردند.(۲۱)

آنچه محتمل به نظر می آید این است که خاستگاه نخست معتزله و حتی مرجئه، می تواند جریان قاعدین باشد، چرا که آنان، با کناره گیری خود، به نحوی از

قضاوت صریح درباره جنگ های حضرت امام علی(علیه السلام) خودداری کرده اند. با این حال باید گفت این اندیشه اگر در معتزله نخست، امثال واصل و عمرو بن عبید باشد، این اظهار قوی به نظر می رسد؛ در غیر این صورت، این جریان بیشتر می تواند سبب پیدایش مرجئه باشد، کسانی که از این اقدام یک نظریه کل می ساخته و آن را توسعه دادند. با این وجود نباید غفلت کرد که معتزله نیز به طور رسمی از اظهار نظر درباره حق بودن حضرت علی(علیه السلام) و دشمنانش خودداری کرده اند گرچه معتقد بوده اند که از میان آن دو یکی فاسق و دیگری مؤمن است.(۲۲)

این نظیر عقاید برخی از مرجئه است. و در این صورت تا حدودی سخن این دو به همدیگر نزدیک است بعدها معتزله به مرور، شیعی فکر کرده و علی را به حق معرفی کردند.(۲۳) توجه بدین نکته نیز می تواند مفید باشد که درباره خاستگاه معتزله وجود دیگری نیز آمده که ارتباطی با جریان قاعدین ندارد و اگر درستی آنها معلوم شود، نباید در اثبات ارتباط قاعدین با معتزله رسمی چندان اصرار کرد، به همین نحو درباره مرجئه نیز که مورد بحث ماست باید بیشتر تحقیق شود. در اینجا لازم است تا به ارزیابی اولین حرکت های رسمی مرجئی بپردازیم تا معلوم شود نخستین سخنان رسمی مرجئه چه بوده است. جدای از آنچه که به عنوان نظرات کلامی به مرجئه نسبت داده شده است، باید منش سیاسی مرجئه نیز مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا سخن مرجئه، هم می تواند تراوش یک زمینه خاصی باشد و هم به عنوان یک اندیشه موجه بر خود سیاسی ویژه ای شود.



## «مشاهیر و فرقه‌های معتقد به ارجاء»



### «ارجاء کلامی بعد از ارجاء سیاسی»

پس از پیدایش عقاید سیاسی و فرقه‌های حامی آنها، برخی به منظور توجیه دینی ارجاء سیاسی به فکر یافتن مبانی کلامی و اعتقادی برای آن برآمدند و چنین شد که ارجاء کلامی و مرجئه مذهبی متولد گشت. این گروه برآن شدند که رتبه اعمال متأخر از رتبه ایمان است و گناهان کبیره به ایمان ضرری نمی‌زند؛ در نتیجه همه گناهکاران حتی غاصبان خلافت رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) امید آموزش می‌دادند. پس از طرح چنین عقیده‌ای درباره ایمان و کفر، این اعتقاد معرفت مرجئه گشت و همه مرجیان آن را به عنوان مبنای اعتقادی و کلامی پذیرفتند.(۴۴)

تاریخ دقیق پیدایش این تفکر کلامی دقیقاً روشن نیست. احتمال دارد این اعتقاد پس از تولد مرجئه نخستین مطرح شده است (قرن اول هجری) و ممکن است پس از پیدایش دومین گروه از مرجئه یا همزمان با آنها ارائه شده است. به هر حال وضعیت تولد مرجئه کلامی همچون وضعیت خوارج کلامی بوده است؛ به این معنا که هر دو در ابتدا گروهی سیاسی بوده‌اند اما در ادامه حیاتشان به فرقه‌های کلامی و مذهبی تبدیل شدند.(۴۵) پس از طرح ارجاء کلامی، مرجئه به گروه‌های مختلفی انشعاب یافتند. نوبختی می‌گوید: آنها به چهار گروه تقسیم شدند:

گروه نخست: مرجئه خراسان هستند که از همه بیشتر در عقیده ارجاء غلو کردند. اینان جهمیّه؛ یعنی پیروان جهم بن صفوان هستند. گروه دوم: مرجئه شام‌اند و غیلانیه، پیروان غیلان بن مروان هستند. گروه سوم: مرجئه عراق و پیروان عمرو ابن قیس الماحر؛ یعنی ماصریه هستند که ابوحنیفه نیز از آنها است. گروه چهارم: شکاک و تبریه هستند که

۱- حسن بن محمد بن حنفیه بنیادگذار ارجاء و نخستین کسی است که در باب ارجاء سخن گفته و مطلب نوشته است. دومین سندی که در اختیار ما قرار دارد، شعری از ثابت قظه است و این شعر بر این نکته تأکید دارد که توقف درباره ایمان و کفر مسلمانان درگیر در جنگ‌های داخلی اولین سخن مرجئه بوده است.(۲۴)

۲- ابوحنیفه تئوری پرداز ارجاء است. ۱۶۳ ق/ ۷۷۹ م) که از معتقدان به ارجاء بود(۳۳) قاسم بن معن مسعودی کوفی در منابع ملل و نحل و نیز تاریخ و تراجم (د. ۱۷۵ ق/ ۷۹۱ م) که راوی ابوحنیفه و از شماری از کسان به عنوان طرفداران یا رهبران اندیشه ارجاء یاد می‌شود که از آن جمله: طلق بن حبیب غنوی (د. پیش از ۱۰۰ ق) که به ارجاء عقیده داشت(۲۶)، عمرو بن مره بن عبدالله بن طارق مجلی مرادی (د. ۱۱۶ ق/ ۷۳۴ م) که از مشایخ ابوحنیفه و طرفدار اندیشه ارجاء بود(۲۷) حماد بن ابی سلیمان (د ۱۲۰ ق/ ۷۳۷ م) شاگرد ابراهیم نخعی و استاد ابوحنیفه که به ارجاء عقیده داشت و چون از او پرسیدند چرا به چیزی گرویده است که در روزگار ابراهیم نخعی نبوده و یا ابراهیم از آن سخن به میان نیاورده است، پاسخ داد که اگر ابراهیم در دوران او بود قطعاً از این اندیشه پیروی می‌کرد(۲۸)، عمر بن دز (د. ۱۵۳ ق/ ۷۷۰ م) که خود از سران ارجاء(۲۹) و از کسانی بود که به هنگام به خلافت رسیدن عمر بن عبدالعزیز همراه با عون بن عبدالله و موسی بن بکر به حضور خلیفه رسید و درباره ارجاء با او به مناظره پرداخت(۳۰)، موسی بن بکر که طرفدار ارجاء یا از سران مرجئه بود(۳۱)، عبدالعزیز بن ابی دؤاد (د. ۱۵۹ ق/ ۷۷۵ م) که چون به ارجاء عقیده داشت سفیان ثوری بر او نماز نگذارد(۳۲)، ابراهیم بن طهمان ملقب به ابو سعید هروی (د.

۳۹). افزون بر این گروه که عمدتاً از رهبران یا پیروان مسلک فقهی حنفی هستند از طایفه‌ای دیگر نیز در ردیف مشاهیر اندیشه ارجاء یاد شده که عمدتاً در شمار مبلغان مرجئه سیاسی هستند و از آن جمله می‌توان از سعید بن جبیر، حسن بن محمد حنیفه، حارث بنی سربج و ثابت بن قظه یاد کرد که آقای رسول جعفریان در کتاب مرجئه «تاریخ و اندیشه» از حسن بن محمد حنیفه بنیادگذار و از ابوحنیفه تئوری پرداز از آنها یاد می‌کند.

در منابع ملل و نحل نیز آن هنگام که از فرقه‌های مرجئه سخن به میان آمده کسانی به عنوان رهبران این فرقه‌ها نام

برده شده‌اند که یونس بن عون، غسان، ابو معاذ تومنی، ابو ثوبان، بشر بن غیاث مریسی، ابو شمر، ابن شبیب، غیلان، صالح قبه، ابوحنیفه، ابوالحسن صالحی، ابی کرام، مقاتل بن سلیمان و داوود جورابی از آن جمله‌اند(۴۰).

در میان یاد شدگان صرف نظر از اشتراک نظرها و اختلاف‌ها دو گروه عمده از همدیگر متمایز می‌نمایند:

۱- گروه معتقد به ارجاء در باب مرتکب کبیره، بدین معنا که داوری درباره چنین کسانی را به خداوند وا می‌گذارد و از آنان به عنوان طرفداران ارجاء اهل سنت یاد می‌شوند.

۲- و گروه معتقد به ارجاء در باب ایمان که ایمان را از عمل به شرایع جدا



می‌کنند و عمده‌ی هجوم منابع ملل و نحل و نکوهش‌هایی که در مورد مرجئه نقل کرده‌اند متوجه همین گروه است.

اگر بنا باشد چنین تمایزی که هم در برخی منابع قدیم(۴۱) و هم در تحقیقات جدید مورد توجه قرار گرفته است(۴۲) پذیرفته شود، شاید بتوان با قدری تسامح حسن بن محمد بن حنیفه را سرآمد گروه نخست دانست و سپس ابوحنیفه ادامه

دهنده جریان مرجئه نخستین و پیوند دهندگان به عالمان دیگر که ارجاء در باب ایمان را مطرح کردند سخن به میان آورد.

### ایمان

نگرش اول: در نگاه عده‌ای از مرجئه، ایمان یعنی معرفت خدا و کفر یعنی جهل به خدا. این افراد ایمان را از مقوله‌ی علم دانسته و قائلند که اگر فردی به زبان منکر شود، ولی در قلب معرفت خدا را داشته باشد، مؤمن است. می‌توان جهمیّه (پیروان جهم بنی صفوان از مرجئه جبریّه) صالحیه (پیروان ابوالحسن صالحی)، یونسیه (پیروان یونس سحری) را در این گروه جای داد. البته این سه گروه اختلافاتی با هم دارند که در کتاب‌های ملل و نحل آمده است. نگرش دوم: عده‌ای ایمان را فقط اقرار

بحث جبر و اختیار، گاه طرفدار جبر شدند و گاه طرفدار اختیار انسان و مرجئه قدریه نام گرفتند. ابوحنیفه که اهل خراسان بود، طرفداران بسیاری در شرق جهان اسلام پیدا کرد و هنوز به قوت خود باقی‌اند و اکثر مسلمانان شبه قاره هند، آسیای میانه و ماوراءالنهر پیرو ابوحنیفه‌اند، و در بحث ایمان، هنوز همان عقیده را دارند. بنابر آنچه در کتب ملل و نحل آمده است- صرف نظر از شمارش فرقه‌های مرجئه- چند نگرش در تعریف ایمان، میان مرجئه وجود داشت که عبارتند از:

ابوحنیفه شاگرد بارز حماد بن ابی سلیمان که خود نیز از موالی بود، در طیف مرجیان قرار گرفت. او در «رسالة العالم و المتعلم» به این بحث پرداخت و با استدلال خود به این مسئله صخه گذاشت که عمل از ایمان خارج است. در همان اوان، طیف وسیعی تعریف ایمان مرجئه را پذیرفته، خودشان به سه گروه تقسیم شدند:

- ۱- مرجئه ناب، ۲- مرجئه جبریّه و
- ۳- مرجئه قدریه. عده‌ای در بحث تعریف ایمان دیدگاه مرجئه را داشتند، ولی در

## عقیده‌ای که همه گروه‌ها را تحت نام «مرجئه» در می‌آورد، خارج کردن عمل از ایمان و مؤخر دانستن رتبه آن از رتبه ایمان است

«هر کس بگوید ایمان، قول و عمل است و کاستی و فزونی می‌یابد از ارجاء خارج شده است».

اشعری و حنبلی از آن حمایت می‌کردند و در مجموعه‌های فقهی اهل سنت مندرج است ایمان را شامل تصدیق و شهادت زبانی و اعمال دینی دانسته است. این مسلک را با توجه به منشأ آن می‌توان مشرب محدثان اهل سنت نامید. (۵۲) به هر روی، اهمیت مسئله ایمان و تعریف آن به اندازه‌ای است که برخی منابع آن را ملاک مرجئه دانستنی یا ندانستنی اشخاص معرفی کرده‌اند، چنان که گفته‌اند: «هر کس بگوید ایمان، قول و عمل است و کاستی و فزونی می‌یابد از ارجاء خارج شده است». (۵۳) مسئله ایمان، خود، فروعی چند را در بر می‌گیرد که عبارتند از:

۱- پیوند ایمان و عمل: در حالی اهل سنت و به ویژه محدثان با الهام از متون اسلامی عقیده داشتند که ایمان دست کم مرکب از دو رکن: باور قلبی یا اظهار زبانی و نیز عمل به واجبات و ترک محرمات است و بدین ترتیب انجام اعمال و تکالیف دینی خود بخشی از ماهیت ایمان را تشکیل می‌دهد و در صدق عنوان اسلام برایشان دخیل است طرفداران ارجاء چنین دخالتی را نمی‌پذیرفتند. در واقع در این عرصه بود که طرفداران ارجاء شناخت‌ها و باورها را از مجموعه شرایع جدا می‌کردند و در حالی که دین را به باورها و شناخت‌ها مربوط می‌دانستند شریعت را امری جدای از آن و غیر دخیل در ماهیت آن می‌انگاشتند.

۲- کاهش و افزایش ایمان: در حالی که به گفته ابو عبید، سفیان ثوری، اوزاعی و مالک بر طبق حدیث معاذ بن جبل معتقد بودند که اعمال نیک ایمان را افزایش می‌دهد، (۵۴) مرجئه عقیده داشتند که ایمان چون همان باور و اعتقاد قلبی و حداکثر باور به ضمیمه اقرار و اظهار به زبان است، اعمال دینی بر آن نمی‌افزاید و از آن نمی‌کاهد و از این روی نمی‌توان کسی را به استناد آنکه به انجام اعمال و وظایف دینی پایبندی بیشتری دارد «مسلمان‌تر» دانست. شاید همین نکته خود تکیه‌گه مرجئه برای دعوت به برابری در برخورداری از حقوق شهروندی یکسان در حوزه حاکمیت اسلامی و هر گونه تبعیض در حقوق و تکالیف میان اعراب و موالی یا وابستگان غیر عرب بوده و به استناد همین نکته است که مسلک ارجاء در حوزه‌های شرق؛ یعنی خراسان و فرا رود و در میان طوایفی که عمدتاً عرب نبودند رواج بیشتری یافت.

۳- مسئله استثناء در ایمان: بدان معنا که آیا رواست کسی به طور مطلق بگوید: «من مؤمنم» با قید «ان شاء الله» یا شروط همانند آن مقید سازد. در حالی که موضع عمومی اهل سنت - دست کم در گزارش مخالفان مرجئه - لزوم استثنا گفتن است و از همین روی از سوی طرفداران ارجاء نام شکاک بر آنها نهاده می‌شد، مرجئه چنین قیدی را لازم نمی‌شمردند و دعوی اسلام و مسلمانی را بدون این قید روا می‌دانستند.

۴- مسئله عدم خلود در آتش برای گناهکاران: مرجئه از آن روی که گناهکار را نه کافر بلکه مسلمانی می‌دانستند که مرتکب خطا شده است معتقد بودند چنین کسی در آتش مخد نمی‌شود. این نیز دیدگاهی در برابر دیدگاه معتزله و خوارج بود که بر پایه آن می‌گفتند هر چند وعده خداوند به پاداش اخروی گریز ناپذیر است، به تحقق پیوستن وعید یا هشدار او نسبت به کیفرها لازم و حتمی نیست و ممکن است تخلف بپذیرد. مرجئه افزون بر این، در مباحث سیاسی اجتماعی نیز خلیفگان را تکفیر نمی‌کردند و این امر تا حدی با تسامح همراه بود که ابن طاووس بر آنان خرده می‌گرفت که چرا برخی از برادران ما در عراق حجاج را هم مؤمن می‌دانند. (۵۵) از آن روی که برخی از پیروان مکتب ارجاء در مبحث ایمان، در مباحث دیگری چون اسماء و صفات و یا افعال ایسان از اندیشه‌های دیگری پیروی می‌کردند، به گروه‌هایی از مرجئه نسبت داده شده است که در باب اسماء و صفات بر عقیده معتزله بوده یا بر عقیده مجسمه و مشبهه بوده‌اند یا در باب افعال انسان با قدریه یا با جبریه هم رأی شده‌اند. (۵۶)

## اندیشه‌ای که در برابر سخت‌گیری‌های خوارج نماینده فرعی تسامح دینی بود ارجاء نام گرفت و طرفداران آن نیز مرجئه نامیده شدند.



اشعری، ابوحنیفه را به عنوان رهبر طایفه‌ای از مرجئه آورده، ولی شهرستانی از ابوحنیفه دفاع کرده و با عنوان «مرجئه السنه» و نه «مرجئه البدعه» از وی یاد می‌کند. ماتریدیه که پیروان کلامی ابوحنیفه هستند، راه او را ادامه داده، ایمان را به تصدیق قلبی و اقرار زبانی تعریف کردند. در نگاه آنان ایمان کم و زیاد نمی‌شود. آنان به کارگیری مطلق فاسق بر مرتکب کبیره را جایز نمی‌شمارند و آن را همراه با قیدی پذیرفته، و گفته‌اند: مرتکب کبیره فقط در حین انجام کار، فاسق است. (۵۱) مهمترین مسئله در اندیشه ارجاء تعریف ماهیت ایمان و در واقع ملاک و میزان صدق نام مسلمان بر افراد است، به گونه‌ای که همین مسئله طرفداران این نظریه را از دیگران جدا می‌کند چونان که مادلونگ می‌نویسد: «مذهب تسنن اسلام همیشه دو مشرب متضاد درباره ایمان داشته است: یکی از آن دو که اساساً با مکتب فقهی حنفی اتفاق نظر داشت و مکتب کلامی ماتریدی از آن حمایت می‌کرد اصولاً ایمان را به «علم یا تصدیق و شهادت به زبان، به استثنای عمل» تعریف می‌کرد. مخالفان این نظریه عموماً داغ مرجئه را بر آن نهاده‌اند. مشرب دیگری که دو مکتب کلامی

زبانی دانسته، معتقدند هر کس فقط شهادتین را به زبان گوید، مؤمن است در نظر این افراد تمام مسلمانان مؤمن‌اند و فرقی میان اسلام (ذکر شهادتین) و ایمان نیست. کرامیه (پیروان محمد بن کرام) و ثوبانیه این تفکر را دارند. کرامیه تا قرن پنج و شش پیروانی در خراسان داشته، سپس از بین رفتند. نگرش سوم: ایمان عبارت است از معرفت خدا و پیامبرش و اقرار زبانی به آن. این نگرش تلفیقی از آن در نگرش سابق است. نجاریه (پیروان حسین بن محمد نجار)، شیبه (پیروان محمد بن شیب، غیلانیه (پیروان غیلان دمشق) و از مرجئه قدریه) و غسانیه (پیروان غسان کوفی) این تعریف را پذیرفته‌اند و می‌توان ابوحنیفه را نیز در این تعریف با آنان شریک دانست. (۵۰) گفتنی است که در قرون نخستین و نزد احمد بن حنبل و اصحاب حدیث، مرجئه از فرق بدعت‌گذار بود؛ ولی کم کم از بدعت خارج و از فرق اهل سنت و جماعت شناخته شد. دلیل آن ایجاد برخی تغییرات در افکار حنفیان، کثرت حنفیان و تشکیل دولت‌های بزرگ حنفی بود که آخرین آنها امپراطوری عثمانی بود. در این زمینه مقایسه بحث مرجئه در «ملل و نحل شهرستانی» با «مقالات الاسلامیین ابوالحسن اشعری» جالب است.





## چکیده

دانشگاه به عنوان بارزترین نهاد تولید علم و دانش، ترویج معرفت و فرهنگ-آفرینی در جامعه، همواره نقش مهمی در پیشرفت و تعالی تمدن‌ها ایفا کرده است. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی که تلاش برای پیشرفت و شکوفایی تمدن اسلامی در رأس امور قرار دارد، تبیین شاخص‌های نهادی که با انجام رسالت خود، رشد و اقتدار تمدن اسلامی را فراهم خواهد آورد، نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا، جهت تعیین معیارهای دانشگاه تمدن ساز، در مقاله‌ی حاضر تلاش شده است ضمن تحلیل و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی به این پرسش بنیادین پاسخ داده شود که دانشگاه باید بر مبنای چه معیارها و شاخص‌هایی بنا شده باشد تا بتواند رسالت تمدن‌سازی خویش را به نحو احسن به جا آورد؟ برای دریافت پاسخ این سوال در این تحقیق، پس از تبیین نقش مثبت و سازنده‌ی نهادهای علمی در رشد و پیشرفت سه کانون تمدنی قبل از تمدن اسلامی از جمله: تمدن مصر در آفریقا، تمدن پارس در ایران و تمدن یونان در مغرب زمین، نقش سازنده‌ی مراکز و نهادهای علمی در پیشرفت تمدن اسلامی اثبات گردید. سپس، بر اساس آموزه‌های اسلامی، معیارهای دانشگاه تمدن‌ساز تبیین و مورد بررسی قرار گرفت که در این راستا مؤلفه‌هایی از جمله: دانایی محوری، توانایی و توانمندی، نیکویی و زیبایی به عنوان شاخص‌ها و معیارهای دانشگاه تمدن‌ساز معرفی شده‌اند. به این معنا که ظهور و بروز کامل این مؤلفه‌ها موجب اطلاق صفت تمدن‌سازی به دانشگاه می‌شود. همچنان که فقدان وجود آنها دال بر ناکارآمدی دانشگاه در این عرصه‌ی تمدنی است.



## معیارهای دانشگاه تمدن‌ساز از منظر قرآن و روایات

عظیم‌ترین آنان تمدن‌های باستانی فلات خاورمیانه است که متشکل از تمدن‌های مصر، بابل در بین‌النهرین و بااقتدار از همه، تمدن پارس بود (بهمنش، ۱۳۷۸، ص ۲۷). «تمدن مصری که در آفریقا سریان داشت و از جمله‌ی بارزترین امپراطوری‌های آن دوران است که در بطن خود متکی به مراکز علمی در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف بود. در آن زمان علوم طب، ریاضیات و هندسه، شهرسازی، فنون ستاره‌شناسی، جادوگری، فالبینی، خوابگزاری به پیشرفته‌ترین حد خود رسیده بود» (گزینوفون، ۱۳۸۹، فصل ۴، ص ۸۱).



مسیر ایفای نقش این نهاد در راه تمدن‌سازی، به منزله‌ی تعیین راه مناسب فرا روی آن برای دستیابی به جایگاه شایسته‌ی آن نیز می‌باشد. و از این طریق است که این نهاد فرهنگ آفرین و انسان ساز علاوه بر ایفای نقش، خود نیز در مسیر بالندگی قرار می‌گیرد. در تعالیم وحیانی دین مبین اسلام، آیات متعددی نازل و روایات فراوانی از ائمه‌ی هدی علیهم السلام صادر شده است که می‌توان بر مبنای آنان معیارها و شاخص‌های چنین نهادی را دریافت و تبیین نمود و سرلوحه امور نهاد دانشگاه قرار داد. لذا، در این پژوهش، تلاش خواهد شد با تحلیل و استنباط از آموزه‌های اسلامی ویژگی‌های بارز این نهاد که نقش مؤثری در مقوله‌ی تمدن‌سازی دارد تبیین و مورد بررسی قرار گیرد.

### نقش دانشگاه در پیشرفت تمدن‌ها

اگر در گذشته و سیر تاریخ تمدن‌ها اندکی تأمل شود افق‌های این مسئله و بحث قدری روشن‌تر می‌گردد که در طول تاریخ، دانشگاه‌ها، مراکز، مؤسسات و مکاتب علمی نقش چشمگیری در پیشرفت تمدن‌ها ایفا کرده‌اند. براب دریافت این نتیجه کافی است که در سیر تحولی و پیشرفت تمدن‌های بزرگ بشری دقت و تأمل شود؛ «چنان که نقشه‌ی فرهنگی اروپا و آسیا و آفریقا را در نظر آورد مشاهده می‌شود که در این مناطق سه بخش عمده‌ی فرهنگی برپا بود.

### مقدمه

۱- یکی از ارکان مهم و بارز جوامع متمدن، نهاد دانشگاه است. دانشگاه به عنوان محل و مکانی فراگیر برای تفکر، تعقل و تولید علم و دانش، وظیفه و نقش اعتلای جامعه و تمدن را به لحاظ فرهنگ‌سازی، تعلیم و تربیت عهده دار است. این نهاد به عنوان جامعه‌ی فرهیختگان و دانش‌پژوهان، می‌تواند نمونه‌ای مطلوب از اداره‌ی یک جامعه را از نظر برخورداری از ارزش‌های اخلاقی، انسانی و اجتماعی، تولید و نوآوری علمی و فناوری، ترویج و تقویت روحیه‌ی تحقیق و پژوهش و تلفیق آن با ارزش‌های معنوی و اجتماعی، نظم و قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، حقوق‌مداری و روابط عادلانه، کمک به تأمین رفاه و پیشرفت جامعه و ارتقای کرامت و کمالات انسانی ارائه نماید. اگر جایگاهی برای این نهاد در ضروریات تأسیس، رشد، پیشرفت و اعتلای فرهنگ و تمدن قائل بود، باید بر مبنای معیارها و شاخص‌هایی بنا شده باشد تا بتواند در این عرصه‌ی تمدنی ایفای نقش نماید. برای یافتن و نشان دادن هدف، مسیر، و جهت دادن به تلاش‌های علمی و اجتماعی این نهاد، تبیین شاخص‌های تمدن‌سازی آن مهم و ضروری به نظر می‌رسد؛ تبیین شاخص‌ها و معیارهای چنین نهادی علاوه بر روشن نمودن



## شاخص‌ها و معیارهای دانشگاه تمدن ساز

تو، حکیم و داناست». لذا با در نظر داشتن این مفاهیم می توان مهم ترین شاخص دانشگاه با الهام از این آموزه ها برخوردار از آن از خصلت دانایی و حکمت دانست. براین مبنا، دانشگاهی تمدن ساز است و صبغه الهی دارد که در تمامی ابعاد و ارکان، مزین به ارزش والای دانایی می باشد و برای تحقق آرمان متعالی شدن، نه تنها باید عملکردش مبتنی بر دانایی است، بلکه خود به عنوان سرچشمه-ی دانایی، با خلق فرهنگ خرد جمعی، جریان مستحکمی از دانش و حکمت را در جامعه پدید آورد. در غیر این صورت چنانچه این نهاد مبتنی بر این شاخص نباشد، هیچگاه نخواهد توانست رسالت حقیقی خویش را ایفا کند. در این راستا شاخص دانایی محوری به عنوان مهم ترین شاخص دانشگاه مزین به ارزش های اسلامی به شمار می آید و برای محقق شدن این مهم در لازم است موجداتی فراهم آید تا این مؤلفه ی الهی در دانشگاه محقق شود.



## راهبردها و زمینه های پیدایش دانایی

حال ضروری است به این سؤال پاسخ داده شود که به راهبردها و راهکارهایی تحقق این شاخص را در دانشگاه میسر می نماید؟ و با بیانی روشن تر، مهم ترین اقدام برای دستیابی و ایجاد فرهنگ فرزاندگی و دانایی در دانشگاه کدام است؟

برای دریافت پاسخ، لازم است به آموزه های حیات بخش اسلام عزیز - که رسالت خود را هدایت بشر می داند - رجوع کرد. این مهم بخصوص در کلامی گهربار از پیامبر اکرم (ص) که رحمه للعالمین است، قابل برداشت می باشد؛ آنجا که ایشان تمسک به قرآن و شناخت آن را به عنوان راه دستیابی به فرزاندگی، حکمت و دانایی بیان کرده اند. ایشان در این باره می فرمایند: قرآن ظاهری دارد و باطنی؛ ظاهر آن حکمت و فرزاندگی است و باطن آن علم و دانایی، ظاهر آن نیکو و شگفت انگیز است و باطن آن ژرف. مرزها و ظواهری دارد که هر یک را مرزهایی است. عجایب آن از شماره بیرون است، و شگفتی های آن کهنه نمیشود. در آن چراغ راهنمایی و منزلگاه های فرزاندگی و دلالت بر نیکی برای کسی است که آن را بشناسد: «لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ ظَاهِرُهُ أَيْقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَهُ نُجُومٌ وَ عَلَيَّ نُجُومِهِ نُجُومٌ لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ وَ دَلِيلٌ عَلَيَّ الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۹۹).

در آموزه های حیات بخش دین مبین اسلام به مؤلفه هایی ارزشی اشاره شده است که می توان از آن در تبیین معیارهای دانشگاه تمدن ساز استفاده کرد و بر مبنای این مفاهیم شاخص های اسلامی این نهاد را تبیین و مورد بررسی قرار داد. که در ادامه به این مفاهیم ارزشی پرداخته می شود؛

### دانایی محوری

همان طور که از معنای لفظ دانشگاه برمی آید، دانشگاه محل دانش است و دانایی نیز در معنای آن مستتر می باشد. «در گسترش روزافزون مرزهای دانایی برای تواناسازی هر چه بیشتر انسان ها، نهاد دانشگاه از شاخص ترین نهادهایی است که در این عرصه حضور دارد (صفایی فخری و بهرنگی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰). با در نظر داشتن جایگاه دانشگاه در خلق این مؤلفه در جامعه و رابطه ی این مؤلفه با علم و دانش و همچنین با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه ی این مؤلفه ی ارزشی در نظام اسلام که دانایی را ارزشی با منشأ الهی معرفی می کند. از جمله قرآن کریم می فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (البقره/۲۳۱)؛ «و بدانید خداوند از هر چیزی آگاه است».

در جای دیگر خطاب به پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (الأنعام/۸۳)؛ «پروردگار

مراکز علمی و آکادمی های یونان کوشیدند یک هویت ویژه ی تمدنی را برای خود مهیا کنند. و بعدها توانستند در این زمینه نیز موفقیت چشمگیری را کسب کنند و تمدن یونانی را پایه گذاری کردند» بازخوانی این مطالب حکایت از آن دارد که رشد و پیشرفت سه کانون تمدنی مصر در آفریقا، پارس در ایران و یونان در مغرب زمین بر عناصر و نهادهای علمی استوار بود. باید خاطر نشان ساخت که نقش مراکز علمی در پیشرفت تمدن ها تنها در موارد مذکور منحصر نمی گردد، بلکه در طول تاریخ نهادهای علمی با تولید فکر و اندیشه ی علمی نقش مؤثری در پیشرفت همه ی تمدن ها ایفا کرده اند. تمدن اسلامی نمونه ی بارز این مسئله است.



«دیوید. سی. لیدنبرگ» در کتاب «آغاز تاریخ علم» و ده ها محقق صاحب نام دیگر بر این ادعا صخه گذاشته اند و در آثار خود به این مطلب اذعان دارند که اگر چه در جامعه ی قرن نخست اسلامی هنوز نهاد دانشگاه به معنای رایج آن و همانند آکادمی های یونانی و رومی و مراکز علمی در ایران به وجود نیامده بود، اما به سبب اهتمام دین اسلام به امر علم آموزی، جنبش عظیم علمی در جوامع اسلامی به وجود آمد که باعث گردید مکاتب مختلفی در حوزه های علوم اسلامی و علوم غیراسلامی پدیدار شوند و رشد کنند و این عامل پیشرفت سریع تمدن اسلامی را باعث گردید. به طوری که در اندک زمانی این تمدن بر سایر ملل و تمدن ها استیلا یافت؛ تا جایی که این دانشمندان برآند که پس از این جنبش و جهش علمی، تمدن غرب وامدار تمدن اسلامی گردید.



«امپراطور پرشکوه هخامنشیان نیز دارای تشکیلات علمی وسیعی بود که بعد ها دستاوردها و پیشرفت های علمی آن، بن مایه ی تمدن یونانی را تشکیل داد. این تشکیلات علمی هخامنشیان در اعصار بعد توسعه یافت و جندی شاپور در زمان ساسانیان به عنوان یکی از مراکز مهم علمی در خاورمیانه مطرح گردید که حتی دانشمندان بلاد غربی نیز بدان متمایل گشتند» (دورانت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۶۴). «پس از این نمونه ها، تمدن یونانی نیز در صدود با بهره گیری از دستاوردهای علمی و پیشرفت های تمدن فرعونیان مصر و هخامنشیان پارس، دوران آغازین و شکوفایی خود را در جهان تمدنی آغاز کند. بدین منظور شمار زیادی از نویسندگان یونانی در دهه های بعد از داریوش و خشیارشا در دستگاه امپراطوری هخامنشیان به تدوین آثار علمی مشغول شدند و با انتقال و نشر آثار خود در

### نقش نهادهای علمی و فرهنگی در

### پیشرفت تمدن اسلامی

۲- براساس تحلیل برجسته ترین محققان و دانشمندان حوزه های فرهنگ و تاریخ علم، اگر چه وجود نهادی با عنوان دانشگاه و آکادمی علمی در سده ی نخست تاریخ اسلامی در جوامع و ملل اسلامی قابل اثبات نیست، اما خیزش وسیع و عمیق علمی که در آن روزگار در بلاد اسلامی به وجود آمد نقشی بسیار مهم و تأثیرگذار در پیشرفت و بالندگی تمدن اسلامی ایفا کرد. در ذیل به چند تن از محققانی که این مفهوم را بیان کرده اند اشاره می شود؛

«جورج سارتون» بنیانگذار تاریخ علم در دانشگاه هاروارد و در آثار سترگی از جمله اثر پنج جلدی «مقدمه بر تاریخ علم» و کتاب دو جلدی «تاریخ علم»؛ «فرانتز روزنتال» در اثر کم نظیر «میراث کلاسیک اسلام» و کتاب «تاریخ نگاری در اسلام»؛ و «دیمیتری گوتاس» استاد برجسته ی دانشگاه یل در کتاب «تفکر یونانی، فرهنگ عرب»؛ «فردریک کاپلستون» مؤلف مجموعه ی نه جلدی «فلسفه ی غرب»؛ «ویلیام مک نیل»

استاد دانشگاه شیکاگو و مدیر گروه باستان شناسی و تمدن بین النهرین در کتاب «تاریخ مغرب زمین و جامعه ی انسانی»؛ «جورج مقدیسی» استاد دانشگاه فیلادلفیا در اثر برجسته ی «پیشرفت دانشگاه»؛





«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص/۲۹)؛ «این [قرآن] کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکر شوند».

این کلام پرمحتوا دلالت بر این دارد که قرآن کریم در بردارنده ی مفاهیم ارزشمندی است که شناخت این مفاهیم و عمل به تعالیم آن، راه دستیابی به دانایی، علم و حکمت می‌باشد. همین مضمون نیز در قرآن کریم مورد اشاره واقع شده است و این کتاب آسمانی یکی از مهم‌ترین محورهای خود را معرفت‌بخشی و ایجاد شناخت برای دانایان و صاحبان اندیشه معرفی می‌نماید.

همچنین، در جای دیگر می‌فرماید: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ابراهیم/۵۲)؛ «این [قرآن] پیام [او ابلاغی] برای [عموم] مردم است؛ تا همه به وسیله ی آن انذار شوند و بدانند او خدای یکتاست و تا صاحبان مغز [و اندیشه] پند گیرند». و نیز همین معنا از آیه ی شریفه ی ۴۹ سوره ی عنکبوت قابل برداشت می‌باشد. لذا با در نظر داشتن و تأمل در این آموزه‌های حیات‌بخش، می‌توان ادعا کرد که مهم‌ترین راهبرد محقق شدن شاخص دانایی در دانشگاه، انس، تدبّر و شناخت مفاهیم قرآن کریم می‌باشد؛ و تدبّر در آموزه‌ها و مفاهیم والای قرآن کریم می‌تواند زمینه‌هایی را فراهم آورد که مسیر کسب دانایی را هموار خواهد کرد.

## آثار دانایی

به نجات نرساند، وبال گردن است و مایه ی بدفرجامی. خسارت از آن کسی است که چیزی نمی‌داند و خسران‌زده‌تر کسی است که می‌داند، ولی عمل نمی‌کند. در این باره، پیامبر خدا (ص) ابوذر غفاری را اینگونه نصیحت می‌کند: «ای ابوذر! در قیامت گروهی از بهشتیان به اهل دوزخ رو کرده، می‌پرسند: ما به کمک تعلیم‌ها و آموزش‌های شما و در سایه ی تأدیب و تربیت شما به بهشت وارد شدیم. پس چرا شما خودتان به دوزخ افتادید؟! می‌گویند: ما به خیر آگاه بودیم و دیگران را به انجام آن دعوت می‌کردیم، ولی خودمان اهل عمل به آن نبودیم» (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۵۳).

از دیگر آثار قابل برداشت در قرآن کریم برای این شاخص می‌توان به هدایت‌یافتگی (مریم/۴۳) و پذیرش حق و حق‌گرای (الحشر/۲) اشاره کرد. بهره‌وری از نعمت‌ها و توانایی (التجم/۵) نیز از دیگر آثار تحقق معیار مذکور می‌باشد که این مفهوم در کلام حکیم فرزانه، نظامی گنجوی نیز آمده است:

۲- اما اینکه شاخص دانایی در دانشگاه چه آثار و نتایج خواهد داشت؟ با توجه به اینکه قرآن کریم ثمره ی دانایی را اینگونه بیان می‌دارد که دانایی و حکمت، شناخت و ایمان حقیقی به خداوند را به ارمغان می‌آورد: «... إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا» (اسراء/۱۰۷)؛ «کسانی که پیش از آن به آنها دانش داده شده، هنگامی که [این آیات] بر آنان خوانده می‌شود، سجده‌کنان به خاک می‌افتند...». لذا خلق آن در دانشگاه و زینده شدن دانشگاهیان به این فرهنگ، روح ایمان حقیقی را در دانشگاه و جامعه حاکم خواهد کرد. در حقیقت، دانایی در درجه ی نخست اعتقاد همراه با شناخت و ایمان بر مبنای اندیشه و بصیرت را به ارمغان می‌آورد. همچنین، از دیگر آثار پُر برکت تحقق این شاخص وظیفه‌شناسی و مسؤولیت‌پذیری است. در فرهنگ اسلام، دانایی تکلیف‌آور است. هرچه انسان بیشتر بداند و بتواند، مسؤولیت آن سنگین‌تر است. دانایی و توانایی، زمینه‌ساز مسؤولیت انسان مسلمان است. اگر دانایی دست انسان را نگیرد و

هر که در جوهر دانایی دست  
بر همه کاریش توانایی دست

«هر که در جوهر دانایی دست بر همه کاریش توانایی دست»



## موانع تحقق دانایی

می توان از کلام وحی دریافت کرد که علل و عواملی مانع تحقق این شاخص در دانشگاه هستند که از جمله آنها می توان از موانعی همچون: ناآگاهی و اندیشه ی جاهلانه (السرّوم/۵۹)، تعجیل و شتابزدگی در داوری (الإسراء/۱۱)، موضع گیری نادرست در برابر اندیشه های نو (المؤمنون/۶۸)، اسطوره گرایی (الأنعام/۲۵)، حق ستیزی لجاجت در پذیرش حقایق (الأنعام/۲۵) تعصب و وفاداری به آرای پیشینیا (لقمان/۲۱)، دروغ پردازی (الجاثیه/۸) گناه پیشگی (الأعراف/۱۰۰) و توجه و علا به مادیات (آل عمران/۱۴) نام برد.

در برابر اندیشه های نو (المؤمنون/۶۸)،

حضرت داوود(ع) را عامل شایستگی و

### توانایی و توانمندی

در این مبحث منظور از توانایی دانشگاه، تقویت و ارتقاء سطح تجربه و دستیابی به قوه خلاقیت و ابتکار در ساختن و فراهم آوردن امکانات مادی در جهت رشد دانشگاه و جامعه می باشد. «اصولاً یکی از اهداف استقرار دانشگاهها نیز برای همین است که انسان توفیق آن را بیابد که از مواهب و امکانات بیحد و حصری که خداوند بزرگ در طبیعت آفریده، در جهت بهبود زندگی و بهتر زندگی کردن بهره برداری نماید و به قسمی که میبینیم و می دانیم مللی که زودتر به این حقیقت پی برده اند و دانشگاههای مجهز برای خود تهیه نمودند، چگونه از مزایای آن مستفیض می شوند و چگونه در پشت دیوار مستحکم شده دانشگاههای خود، سیادت و برتری خود را تأمین و تحمیل می کنند» (راد، ۱۳۴۳، ص ۱).

در آموزه های دین مقدس اسلام شاخص توانایی و توانمندی از صفات خداوند به شمار می رود و منشاء الهی دارد. قرآن کریم در آیات متعددی به این مفهوم اشاره و از جمله می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (البقره/۲۰)؛ «همانا خداوند بر هر چیز تواناست». در آیه ی دیگری آمده است: «إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (الحديد/۲۵)؛ «خداوند قوی و شکستناپذیر است».

همچنین در قرآن کریم پس از مفهوم ارزشمند دانایی، توانایی و توانمندی را به عنوان ملاک و معیار شایستگی معرفی می نماید. این مفهوم از آیه ی ۲۴۷ سوره ی بقره قابل برداشت می باشد؛ آنجا که خداوند کریم دو صفت دانایی و توانایی

### عوامل وزمینه های تحقق توانایی

در مسیر تحقق این شاخص لازم است راهبردهای توانایی دانشگاه از دیدگاه آموزه های اسلامی را دریافت و با اعمال این راهبردها به این ارزش الهی دست یافت. با مد نظر قرار دادن آموزه های دین مبین اسلام به خصوص آیات قرآن کریم می توان اولین راهبرد دستیابی به توانایی دانشگاه را تولید و ترویج علم و دانش بیان کرد. قرآن کریم گویای این مهم می باشد که علم و دانش عامل اصلی توانایی و قدرت است. چنانچه این پیام از آیه ی ۴۰ سوره ی نمل قابل استنباط است. این سوره به

طرح داستان حضرت سلیمان(ع) و ملکه ی سبأ می پردازد و بیان می دارد وقتی که حضرت سلیمان از سایرین درخواست می کند که چه کسی قادر است تخت ملکه ی سبأ را برایم بیاورد؟ سپس قرآن کریم درباره ی این عمل خارق العاده می فرماید: (اما) کسی که دانشی از کتاب داشت، گفت: پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (نمل/۴۰). «آیه ی مذکور به این مهم اشاره دارد که حتی بهره مندی بخشی از علم، توانایی و توانمندی قابل ملاحظه ای در بر دارنده ی آن به وجود می آورد تا جایی که با استفاده از نیروی خود در طرفه العینی عمل خارق العاده ای انجام می دهد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۲۱). بر این اساس، علم و دانش را می توان مهم ترین زمینه ی دستیابی به توانایی به شمار آورد و اساساً در آموزه های

اسلامی علم و توانایی به عنوان دو مؤلفه توأم با هم معرفی شده اند. به این معنا که علم همراه با قدرت است و قدرت همراه با علم و اصلاً می توان ادعا کرد که علم و قدرت عین یکدیگرند؛ علم عین قدرت است و قدرت عین علم. لهذا از دیدگاه قرآن کریم هر دو به شکل واحد موجود هستند: «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى» (التجم/۵). از این روست که هر کس، هر اندازه سهم و بهره ی بیشتری که از علم داشته باشد، قانون جهان را بهتر می داند و به تبع، بر قدرت آن نیز افزوده می شود.

البته، منظور از علمی که در این جریان می تواند کارآمد واقع شود و ماحصل آن توانایی دانشگاه باشد، علم نافع و مفید است و چه بسا تنها علوم کاربردی و نفع رسان را می توان علم حقیقی و ارزشمند به حساب آورد. مبنای این ادعا آموزه های اسلامی است که در این مورد از مولای متقیان در کلام گهربارشان آمده است که فرمودند:

بدان، علمی که در آن نفع و فایده ای نباشد، خیر نیست و تعلم علمی که در آن انتفاع برده نشود، سزاوار نیست: «وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَلَا يَنْتَفِعُ بِهِ عِلْمٍ لَا يُحَقُّ تَعَلُّمُهُ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۶۴). بر این اساس، در دانشگاه اسلامی تولید و ترویج علم و دانش نافع و سپس کاربردی کردن این علوم از اهم مسائل می باشد. با تکیه بر این محور و خروج از فضای سنتی علم برای علم و ورود به فضای علم برای کار و عمل، از قالب های نظری بیرون می آید و به سمت

و سوی قواعد کاربردی گام برمی دارد و می تواند با به خدمت گرفتن جهان در شکل مؤثرتری ظاهر شود و از این رهگذر، خالق رفاه و آسایش برای جامعه باشد. از دیگر عواملی که با تدبیر در آموزه های اسلامی می تواند راهبرد دستیابی به توانایی دانشگاه قلمداد شود، برخورداری از معرفت و شناخت صحیح است. در قرآن کریم، خداوند قادر از پیامبر اسلام (ص) می خواهد که مؤمنان را تشویق به جنگ با کفار کند و به مؤمنان وعده ی پیروزی بر کفار را می دهد به سبب اینکه مؤمنان از شناخت صحیحی برخوردارند، ولی کسانی که کافرند صاحب خرد نمی باشند و لذا در برابر مؤمنان شکست می خورند:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (الأنفال/۶۵).



## توانایی شایسته است



به خلاف کسانی که اتکاء آنان همه بر هوای نفس و اعتمادشان همه بر ظواهری است که شیطان در نظرشان جلوه میدهد و معلوم است دلهایی که تمام اعتمادشان بر هوا و هوس است، هرگز متفق نمیشوند و اگر هم احیاناً متفق شوند، اتفاقشان دائمی نخواهد بود و بسیار نادر است که دلی بی ایمان تا پای جان بر سر هواهای خود پایدار بماند و این نیست مگر به خاطر فقه و معرفت مؤمنان که خود علم و ایمان را در بر دارد و به خاطر جهل کفار که خود ملازم با کفر و هوی پرستی است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۶۲). این آیه ی شریفه به صورت کاملاً واضح و آشکارا، این اصل را بازگو می کند که آگاهی و معرفت از عوامل حقیقی احراز توانایی است و همین اصل، نقش مهم و اساسی در توانمندی دانشگاه نیز ایفا می کند. به این معنا که در دانشگاه، آگاهی و بصیرت نسبت به اهداف و ارزش ها، روح استقامت و پایداری را - که ثمره ی درخت ایمان است - تقویت می نماید. پایداری و استقامت دانشگاه در مسیر دستیابی به این اهداف و ارزش ها نقش برجسته و مؤثری دارد که در نتیجه ی آن این نهاد می تواند با غلبه بر سختی ها و مشکلات، روز به روز بر قدرت خود و جامعه بیفزاید. درست در جهت عکس، عدم آگاهی از ارزش ها و اهداف مقدسی که دانشگاه رسالت آن را در جامعه بر عهده دارد، روح استقامت و پایداری را از کف خواهد گرفت و با تسلیم شدن در برابر ضد ارزش ها، نتیجه این خواهد شد که دانشگاه به عنصری بیمار و به ضعف و ناتوانی گرفتار می شود.

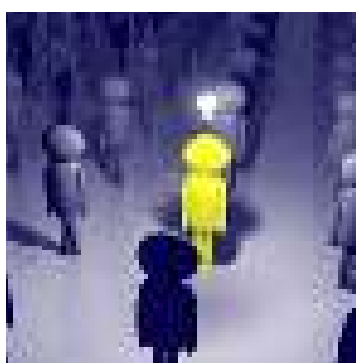
همچنین، از دیگر عواملی که از دیدگاه آموزه های اسلامی زمینه ی دستیابی به توانایی را فراهم می آورد، اتحاد و همبستگی است. اتحاد و یکپارچگی و دوری از اختلاف و تفرقه، از دستورات اکید الهی است که در آیات متعدد قرآن کریم به آن فرمان داده شده است: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال/۴۶)؛ «و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید، و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سُست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود». این آیه ی شریفه مسلمانان را به اتحاد فرا می خواند و از پراکندگی برحذر می دارد، چراکه تفرقه و نزاع به اختلاف و سُستی می انجامد و نتیجه ی این سستی و فتور، از میان رفتن قدرت و قوت است. همین مضمون نیز از آیه ی «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) قابل برداشت می باشد. از آنجا که دانشگاه نهادی است که در بطن جامعه قرار دارد و در شرایط گوناگون نقش کانونی در جامعه را ایفا می کند، لازم است این اصل مهم را سرلوحه ی خود قرار داد و خود به عنوان محور وحدت در جامعه، همگان را به رعایت این اصل مهم سوق دهد. وحدت کلمه در این نهاد، نیرومندی دانشگاه و به تبع آن، وحدت و عزت جامعه را در پی خواهد داشت و در نقطه ی مقابل، پراکندگی و تفرقه در این رکن حیاتی جامعه، شوکت و نیروی دانشگاه و جامعه را از بین خواهد برد. در حقیقت، رعایت این اصل مهم، ضمانت بخش توانایی دانشگاه است و در خلاف، وانهادن آن مانعی در مقابل توانایی این نهاد.

## آثار توانایی و توانمندی دانشگاه

پس از بیان عوامل دستیابی به توانایی شایسته است که آثار نیرومندی دانشگاه نیز ذکر شود که در این نوشتار به سبب حفظ اختصار کلام، به صورت گذرا به آنان اشاره می شود. از مهم ترین آثار توانمندی دانشگاه می توان به بهره گیری از مواهب و امکانات بیحد و حصری که خداوند بزرگ در طبیعت آفریده، در جهت بهبود زندگی و بهتر زندگی کردن اشاره کرد که روند با تکیه بر تولید علم نافع و کاربردی کردن علوم محقق خواهد که در مباحث قبل به آن اشاره شده است. نتیجه-ی دیگری که از قدرتمندی دانشگاه به دست می آید، حفظ و حراست از حقوق جامعه می باشد (آل عمران/۷۵). همچنین توانایی این نهاد نقش بسزایی در اجرا و تحقق عدالت دارد که این مهم نیز از آیه ی ۲۵ سوره ی حدید قابل استنباط است. محبوبیت (البقره/۱۶۵)، حفظ و صیانت از تعالیم و آموزه های دینی (البقره/۶۳ و الأعراف/۱۴۵) نیز از دیگر دستاوردهای دانشگاه توانا و توانمند می باشد. مهم ترین آثار و دستاوردهای قدرتمندی دانشگاه تنها در موارد مذکور خلاصه نمی شود، بلکه موارد مذکور از اهم آثار می باشند که در این نوشتار به آنان اشاره شده است و سایر آثار تحقق این مهم، با تدبیر در آموزه های اسلامی مستنبط می باشد.

## نیکویی

باشند: «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَالِقُ الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ فَطُوبَى لِمَنْ أُجْرِيَتْ عَلَيْهِ يَدِيهِ الْخَيْرِ» (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۵۴). ناپسند و آراسته شدن به خوبی ها در دانشگاه اسلامی نیز به عنوان نهادی که کنار اصل خیررسانی و بخشندگی باید سرلوحه ی فعالیت های این نهاد باشد.



جامعه بر عهده دارد، لازم و ضروری است خود را به نیکی و نیکویی آراسته نماید. در مقام روشن شدن ماهیت این شاخص دانشگاه می توان گفت نیکویی دانشگاه به این معناست که دانشگاه نیکو، طالب و خواهان همه ی خوبی ها و فضائل برای

از جمله مفاهیم ارزشمندی که در آموزه های دینی به خصوص قرآن کریم، مورد توجه و عنایت فراوان قرار گرفته و به آن سفارش شده است، انجام نیکی و نیکویی است. درباره ی اهمیت و جایگاه این مفهوم همین بس که قرآن کریم به طور مکرر مخاطبان خود را به آراسته شدن به این ارزش ترغیب و تشویق می کند و همگان را به اجرای این ارزش فرمان می دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (التحل/۹۰) و کسانی را که به این صفت زینده شده اند، مورد ستایش قرار داده و آنان را محسن و محبوب خداوند معرفی کرده و به پاداش دنیوی و اخروی وعده داده است: «فَأَتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/۱۴۸). با در نظر داشتن این مفاهیم و نیز از این رهگذر که خداوند سبحان، خود منشأ و خالق حقیقی نیکویی است و دوست می دارد عالمیان نیکی و شایستگی را نصب العین خود قرار دهند و نیکوکار

پس از تبیین جایگاه و اهمیت این بُعد از دانشگاه، این سؤال طرح می شود:

اینکه چه علل و عواملی سبب پیدایش این صفت عالی در دانشگاه می شود؟

در پاسخ این سؤال، قرآن کریم دو عامل مهم را به عنوان زمینه ی دستیابی به نیکویی معرفی می نماید. عامل اول در پیدایش نیکویی، ایمان حقیقی به خداوند متان است. به عبارت دیگر، ریشه و منشأ اصلی پیدایش نیکویی را می توان در ایمان به خداوند دانست، چرا که روح ایمان و باور به رضایت و پاداش خداوند است که ضرورت نیکو شدن را در یک عنصر ایجاب می کند. از این روست که انگیزه ی دوری از ناپسندها و بدی ها و تلاش برای خیررسانی و احسان به وجود می آید: «إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ» (الصفات/۸۰ و ۸۱). بنابراین تقویت روحیه ی ایمان در ابعاد و ارکان دانشگاه به طور مستقیم در نیکو شدن دانشگاه مؤثر می باشد و با تقویت روحیه ی ایمان است که حقیقت و روح نیکویی به معنای واقعی کلمه در دانشگاه متبلور خواهد شد و در این صورت است که نه تنها نهادی نیکو در متن و بطن جامعه خواهیم داشت، بلکه این نهاد ترویج دهنده ی روحیه ی نیکویی و نیکو بودن در جامعه خواهد بود. همچنین دومین عامل که در پیدایش و تقویت این ارزش در دانشگاه مؤثر است، تقویت روحیه ی عبودیت و بندگی خدا می باشد، چه اینکه بیان شد که ایمان به خدا سبب تلاش رضایت و خشنودی خداوند می شود و این هدف نیز جز از مسیر بنده خدا بودن و خیررسانی و احسان محقق نخواهد نشد که این مفهوم از آیات شریفه ی (۸۱ و ۸۰ سوره ی صفات) اخذ می شود.

با در نظر داشتن تصویر ارزش و جایگاه این مفهوم در نظام فکری و ارزشی اسلام، آثار و پیامدهای گوناگون اجتماعی، فرهنگی، آخرتی را در حوزه ی آموزه‌های قرآنی و روایی قابل برداشت است که می‌توان اولین اثر آراسته شدن به نیکویی را محبوبیت دانست. نیکی به جهت برانگیختن احساس خوشی و لذت روحانی، امری شایسته و ارزشی است که هم موجب رضایت و محبوبیت نزد خداوند می‌شود: «أَحْسِنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده/۹۳) و هم به سبب اینکه این ارزش مطابق فطرت گرایش به زیبایی‌ها و تحسین است و از لحاظ زیباشناختی روح لطیف آدمی را به خود جلب و جذب می‌کند، مورد تحسین عموم مردمان قرار می‌گیرد و اقبال و استقبال بیشتر اهل علم و جامعه را نسبت به این نهاد به ارمغان می‌آورد.

همچنین از دیگر آثار آراسته شدن دانشگاه به این ارزش را می‌توان به ارتقاء منزلت و جایگاه دانشگاه در جامعه اشاره کرد. عنصری که نیک بودن را سرلوحه ارزش‌های متعالی خویش قرار دهد و خود را نیکو گرداند. در حقیقت، در گام نخستین منزلت و جایگاه خود را ارتقاء می‌دهد، چه اینکه قرآن کریم نیکو بودن حضرت یوسف (ع) را سبب اعطای قدرت و منزلت اجتماعی به ایشان معرفی می‌نماید: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف/۵۶).

از دیگر آثار با برکت متخلق شدن به این ارزش می‌توان به هدایت ویژه و هدایت‌پذیری اشاره کرد. نیکویی و وارسته شدن به نیکی‌ها، ارزشی است که این نهاد با زبینه شدن بدان رضایت و خشنودی الهی را در پی دارد و این، زمینه‌ساز بهره‌مندی این نهاد از الطاف الهی از جمله هدایت است: «هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ» (لقمان/۳) که مهم‌ترین این راه همان صراط مسقیم الهی است که به سبب نیکویی خداوند بدان هدایت می‌کند: «وَمَنْ يَسْلَمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى...» (لقمان/۲۲). ایجاد دوستی و صمیمیت میان انسان‌ها و همگرایی اجتماعی از دیگر آثار تحقق این بُعد از چشم‌انداز دانشگاه است. خداوند با اشاره به این پیامد اجتماعی نیکویی می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِيَ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت/۳۴). هرگز نیکی و بدی، یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است! در این آیه بیان می‌شود که برای برداشتن کینه‌ها و دشمنی‌ها و دوری از واگرایی اجتماعی و دستیابی به همگرایی، احسان و نیکوکاری تا چه اندازه می‌تواند مفید و تأثیرگذار باشد! همچنین از دیگر آثار نیکویی می‌توان به برخورداری شدن از علم و حکمت (القصص/۱۴؛ یوسف/۲۲)، جلب رحمت خاص خداوند (اعراف/۵۶؛ لقمان/۳) اشاره کرد.

## آثار نیکویی دانشگاه



### مصادیق نیکویی

لازم به ذکر است که در آموزه‌های دین مبین اسلام به خصوص قرآن کریم موارد فراوانی از مصادیق نیکویی را می‌توان یافت که مهم‌ترین لازم و ضروری است دانشگاه اسلامی عامل و آراسته به این ارزش شود. در ذیل به صورت مختصر به اهم این مصادیق اشاره می‌شود:

خیرخواهی و اصلاح (توبه/۹۱)، انجام وظایف و امتثال امر الهی (صافات/۱۰۵)، اجتناب از فساد و ارتکاب فحشاء (اعراف/۵۶، التجم/۳۲)، جهاد و تحمل سختی‌ها (توبه/۱۲۰، عنکبوت/۶۹)، عفو و گذشت از لغزش‌ها (آل عمران/۱۳۴، مائده/۱۳)، دعوت به توحید و مودت اهل بیت (صافات/۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۱؛ شوری/۲۳)، برخورداری از روحیه ی سازش و مصالحه (نساء/۱۲۸).

### موانع نیکویی

با تدبیر در آموزه‌های اسلامی برداشت می‌شود که موانع تحقق این شاخص، دو عامل تفاخر (نساء/۳۶) و تکبر (همان) می‌باشد. در منطق قرآن، تکبر و تفاخر به عنوان مهم‌ترین عوامل واگرایی اجتماعی مورد توجه و نظر بوده است و از مردمان خواسته شده است تا از این خصلت‌های یابند. خصلت و ویژگی که موجب شد تا ابلیس از درگاه ایزد متان رانده شود و بسیاری از انسان‌ها از راه هدایت دور و دچار گمراهی شوند. قرآن به جای تکبر و تفاخر از مردمان می‌خواهد تا مَنبَش تواضع را به عنوان بستری مناسب برای رشد خصلت نیکویی و همگرایی اجتماعی در پیش گیرند (المائده/۸۳ و ۸۵). فخرفروشی به دیگران و نیز تکبر از اموری است که موجب می‌شود تا دانشگاه و دانشگاهیان نیز خود را از دیگری جدا و برتر دانسته و حاضر به همراهی با جامعه نشود و از این رو، گرفتار نوعی واگرایی اجتماعی شده و از اجتماع دور و از همزیستی و همکاری و مساعدت جامعه دست می‌شویند که در این صورت این نهاد نافع از مسیر متعالی و مطلوب خود منحرف می‌شود و دیگر عنصری نیکو نخواهد بود.



# زیبایی

زیبایی در اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است. قرآن کریم، منشأ و حقیقت زیبایی در عالم هستی را جمال دل‌آرای خداوند می‌داند که همه چیز را به زیور نور جمالش بیاراست و می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (التور/۳۵)، چنانچه مولای متقیان، حضرت علی(ع) نیز خداوند را با صفت زیبایی و جمال، ستایش و توصیف می‌کنند و می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النَّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ» (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۵)؛ «خدا زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد. و دوست می‌دارد که آثار نعمت را بر بنده ی خویش ببیند». لذا با سرلوحه قرار دادن این آموزه ها می‌توان گفت که از این منظر که دانشگاه نیز نهادی الهی است و ایفای نقش رسالت الهی را برعهده دارد از ویژگی و خصلت زیبایی برخوردار است. و لازم است شاخصه ی زیبایی و رسالت زیبا شدن را جزء مهم‌ترین

اهداف و ارزش‌های خود قرار دهد. چه اینکه فطرت انسان طالب زیبایی است و آدمی موجودی زیباخواه و زیباجوست، پس نهاد دانشگاه نیز مطابق فطرت الهی و زیبایی‌دوست انسان است و نه تنها شایسته است که زیبا، بلکه باید آینه‌دار زیبایی در جامعه باشد و آن را برای جامعه به تصویر بکشد. به تبع آن، در این محث نیز وقتی از زیبایی دانشگاه سخن می‌رود، در حقیقت، منظور زیندگی دانشگاه و دانشگاهیان به هر دو جنبه ی زیبایی است؛ چه جنبه ی باطنی و معنوی و چه جنبه ی ظاهری و فیزیکی آن. چنان‌که این مهم از آموزه‌های اسلامی نیز قابل برداشت است، زیبایی به دو دسته ی ظاهری (مادی) و باطنی (معنوی) تقسیم می‌شود: «حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ، وَ حُسْنُ الْعُقُلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۵)؛ «زیبایی صورت، آرایش ظاهری و زیبایی درونی همانا برخورداری از عقل خوب است».



دوم اینکه:

وجود این شاخص برای دانشگاه از اهمیت خاصی برخوردار است و آثار ارزنده‌ای را به همراه خواهد داشت. نخست اینکه تخلّق به زیبایی در واقع، تقویت مبنای الهی بودن و الهی شدن این نهاد است، چراکه زیبایی، همواره موجد اندیشه و حرکت به سوی منشأ زیبایی است و از این رو، در قرآن کریم بارها توصیه شده است از کنار زیبایی‌های خلقت به غفلت عبور نکنید و از مخاطبان خود می‌خواهد که نسبت به نشانه‌های زیبایی و زینت پراکنده در هستی بی‌تفاوت نباشند: (ق/۷-۸) و به این حقیقت اشاره می‌کند که منشأ زیبایی خداوند است و می‌فرماید که: «زیبایی آسمان را ما به وجود آورده‌ایم» (فضلت/۱۲). در پایان آیه نیز تصریح می‌کند که این زیباآفرینی کار خالق عزیز و یکتاست. لذا زیبایی در هر قالبی موجد تدبّر و تدبّر مایه بصیرت نسبت به منشأ و پدیدآورنده ی این جلوه‌ها خواهد بود.



در خصوص موانع پیش روی زیبایی دانشگاه لازم به ذکر است که موانع تحقق این شاخص تاحدودی روشن است، چرا که برای فطرت زیبادوست و زیباشناس، شناخت زشتی‌ها نیز بدیهی است و آن را نمی‌پسندد و از آن کراهت دارد. در مورد نکوهش زشتی در آموزه‌های دین اسلام نه تنها از ارتکاب زشتی، بلکه حتی از نزدیک شدن به آن به شدت نهی شده است؛ چه انجام افعال زشت و چه ظاهر زشت و ناآراسته. قرآن کریم در آیات: «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ» (انعام/۱۵۱)؛

«و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان» و «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ...» (اعراف/۳۳)؛ «بگو: خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است...» به این مهم اشاره می‌کند. در این آیات منظور از فواحش، اعمالی است که فوق‌العاده زشت و ناپسند است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۲۵) و لفظ «ما ظهر» دلالت به افعال ظاهری زشت (طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۳۱۵)



«و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان» و «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ...» (اعراف/۳۳)؛ «بگو: خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است...» به این مهم اشاره می‌کند. در این آیات منظور از فواحش، اعمالی است که فوق‌العاده زشت و ناپسند است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۲۵) و لفظ «ما ظهر» دلالت به افعال ظاهری زشت (طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۳۱۵)



## نتیجه گیری

از آنچه که در این نوشتار گذشت به دست می آید که دانشگاه به عنوان نهادی که در عرصه های مختلف اخلاقی، انسانی و اجتماعی فرهنگ آفرین آفرینی می کند در پیشرفت جامعه و تمدن از جایگاه ویژه ای برخوردار است و نقش بسیار مؤثری را ایفا می کند. تولید و نوآوری علم و فن آوری، ترویج و تقویت روحیه ی تحقیق و پژوهش و تلفیق آن با ارزش های اجتماعی، کمک به تأمین رفاه و پیشرفت جامعه، نقش هایی از دانشگاه است که در پیشرفت اکثر تمدن های عظیم به طور صریح قابل مشاهده است. در این تحقیق بر مبنای آموزه های اسلامی شاخص های آرمانی و مطلوب دانشگاه تمدن ساز چهار مؤلفه ی ارزشی دانایی محوری، توانایی، نیکویی و زیبایی معرفی شده است. به این معنا که لازم است دانشگاه به عنوان نهادی که با نظام فکری خود در بطن جامعه قرار دارد نقش آفرینش فرهنگ فرزندی و دانایی در جامعه را ایفا کند. شاخص توانایی، اقتدار و توانمندی دانشگاه را دستاورد مبنا قرار دادن خدامحوری در همه ی ابعاد و ارکان این نهاد معرفی می کند. که با فراهم آمدن عوامل دستیابی به توانایی، دانشگاه به نهادی نافع، حافظ حقوق و مظهر توانمندی جامعه مبدل خواهد شد.

# شاخص های کلیدی

**شاخص نیکویی**، دانشگاه را نهادی آراسته به تمام فضائل و خوبی ها می داند و بر مبنای شاخص زیبایی، دانشگاه مطلوب، آینده دار زیبایی در جامعه می باشد که در این راستا ضروری است برای دستیابی به این جایگاه، هم از لحاظ جنبه ی ظاهری و هم از لحاظ جنبه ی باطنی و افعال، دانشگاه متخلق به زیبایی باشد و آن را در جامعه به تصویر بکشد.

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، قم: مکتبه آیه الله المرعشی التجفی، ج اول.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۰۳ق). الخصال، قم: جامعه مدرسین، ج دوم.

۴. بهمتش، احمد (۱۳۷۸ش)، تاریخ یونان قدیم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج اول.

۶. دورانت، ویل (۱۳۸۸ش)، تاریخ تمدن (مشرق زمین، گاهواره تمدن)، ترجمه: احمد آرام و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، جلد ۱.

۷. راد، سامی. (۱۳۴۳ش)، «سخنی چند درباره دانشگاهها»، مجله وحید، بهمن، سال اول، شماره ۱۴. صص ۸-۱.

۸. صفایی فخری، لیلا و محمدرضا بهرنگی. (۱۳۸۸ش)، «بهره گیری از الگوی مدیریت دانش در توسعه فرهنگ دانشگاه اسلامی». فصلنامه دانشگاه اسلامی، تابستان، سال دوازدهم، شماره ۴۲. صص ۱۶۲-۱۳۶.

۹. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج پنجم.

۱۰. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵ش)، مکارم الأخلاق، ترجمه

ابراهیم میرباقری، تهران: فراهانی، ج دوم.

۱۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ج سوم.

۱۲. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین. به تصحیح احمد حسینی اشکوری. چاپ سوم. تهران: مرتضوی.

۱۳. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۴. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج سوم.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۱۶. گزینوفون، (۱۳۸۹ش)، اکونومیک، تهران: اندیشه. ج چهارم.

۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار. ج ۱ و ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج دوم.

۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه. ج ۳ و ۸. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۱۹. نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف بن زکی (۱۳۹۱ش)، مخزن الأسرار، بی جا: قطره، ج چهاردهم.

منابع لاتین:

William, Hardy and Mc Nell (۱۹۶۲)

The Rise of West, a History of Human Community  
Chicago Press.



از آسمان بگو به منی که زمینی ام  
تو آن چنانی استی و من این چینی ام

ای عشق! سیب شاخه ی در دسترس منم  
حیف است اگر هوس کنی اما نچینی ام

قدم میان این همه عاشق بلند شد  
از بس که روی پنجه شدم تا ببینی ام

در برگ برگ دفتر شعرم غزل غزل  
گل گفته است از تو دل یاسمینی ام

کافی ست از تو گوشه ی چشمی که سال هاست  
شوق تو بوده باعث شور آفرینی ام

علیرضا نورعلیپور

# تویسرکان

با قدمت ۶۰۰۰ ساله



## تویسرکان با ۶ هزار سال قدمت در خدمت مسافران تابستان

با توجه به کاوش های صورت گرفته در تپه باستانی باباکمال قدمت شهرستان تویسرکان به بیش از چهار سال قبل از میلاد مسیح می رسد و با دو هزار سال بعد از میلاد، در حقیقت تویسرکان، شهرستانی با قدمتی بیش از ۶ هزار ساله است. تویسرکان سرزمینی محصور بین دره های سرسبز و با صفا و چشمه های جوشان و هوای دلپذیر است و درختان ستبر گردکان کهنسال از گذشته از وجود میررضی الدین آرتیمانی، حبقوق نبی(ع)، عمارت مسعودی و اقتداری و کاروانسرای شاه عباسی فرسفج و کوه خان گرمز و ده ها ابنیه تاریخی فرهنگی در دامن خود، به خود می بالد.

## قدمت تویسرکان به دوران قبل از میلاد مسیح می رسد

قدمت منطقه تویسرکان به دوران قبل از میلاد مسیح می رسد و شهرستان تویسرکان با دره های پر از گردوی خود یکی از مهم ترین شهرستان های استان همدان را تشکیل می دهد و از این جهت به شهر طلای سبز معروف است.

## پل فرسفج تویسرکان

این پل در روستای فرسفج تویسرکان، در منتهی الیه جنوب غربی روستا و بر روی یکی از شعبه های پرآب قلقل رود واقع شده و محور ارتباطی چندین روستاست. پل فرسفج از نظر قدمت به دوره صفویه مربوط است و با توجه به کاروانسرای که در نزدیکی آن قرار دارد، به نظر می رسد این محل هم منزل گاه و هم مسیر کاروان رو بوده است. طول و عرض پل بسیار کم و دارای سه دهانه بزرگ آب رو با قوس جناغی است که در حد فاصل آن ها دو طاق نمای کوچک به چشم می خورد. مصالح اصلی پل از سنگ و آجر است و از قسمت تحتانی تا شروع پاکار، قوس ها از سنگ و از این قسمت به بالا از آجر و ملات گچ و خاک است.



آرامگاه بوعلی سینا

در ادامه نگاهی بیشتر به فرسفج می اندازیم و تصاویری از جاذبه های فرهنگی تاریخی و طبیعی این منطقه را نظاره می کنیم.

شهرستان تویسرکان از ۲۲۶ اثر و بنای تاریخی و فرهنگی و طبیعت بکر و جذاب برخوردار است.

با برخورداری از ۲۲۶ اثر طبیعی، تاریخی و فرهنگی پس از شهر همدان رتبه دوم به لحاظ برخورداری از این گونه آثار در استان همدان را به خود اختصاص داده است.

## تویسرکان

مملو از آثار تاریخی و جاذبه های طبیعی

پل تاریخی فرسفج، قلعه اشتران، دره سرکان، دره آرتیمان، امامزاده شاهزاده ناصر، پیر کمر بسته سرکان، قلعه دختر (قز قلعه سی)، مسجد جامع تویسرکان، درخت چنار کهنسال مسجد باغوار، کاروانسرای شاه عباسی فرسفج، دره گزدر، دره فاران، دره شهرستانه، شهر بازی و بوستان نبوت و بازار سنتی سرپوشیده مهم ترین دیدنی های شهرستان تویسرکان را تشکیل می دهند.

در خصوص وجه تسمیه این شهرستان چنین عنوان شده که شهر قدیمی "رودآور" دارای سه بخش "توی"، "سرکان" و "شکان" بود که پس از حمله مغول اهمیت خود را از دست داد و مردم آن به بخش توی روی آوردند و به تدریج آن جا را آباد کردند.

بخش شکان در اثر زلزله خراب شد اما سرکان به فاصله ۱۰ کیلومتری شمال غرب تویسرکان هنوز پابرجاست و اکنون یکی از شهرهای شهرستان تویسرکان است.

تویسرکان فعلی که از ترکیب دو کلمه "توی" و "سرکان" ساخته شده است، همان بخش "توی" قدیمی است.





## کاروانسرای شاه عباسی فرسفج

یکی از کاروانسراهای استان همدان کاروانسرای شاه عباسی فرسفج در ۲۳ کیلومتری جنوب غربی تویسرکان و ۵ کیلومتری جاده تویسرکان-کنگاور قرار گرفته است. این کاروانسرا با سبک معماری عهد صفوی ساخته شده و شکل کاروانسرا مستطیل ۴ ایوانیه. ۴ برج دایره ای شکل در ۴ گوشه آن و ۳ برج نیم دایره در وسط اضلاع شرقی غربی و شمالی احداث شده است در قسمت فوقانی برج ها چند ردیف آجر کاری کنگره ای کار شده برج ها علاوه جنبه تزینی محل دیده بانی هم بوده در گاه کاروانسرا در وسط جبهه جنوبی بنا واقع شده است. این کاروانسرا با داشتن دیوارهای قطور و سقف های طاق ضربی آجری از استحکام فوق العاده ای برخوردار بوده و اتاق های متعدد متصل به هم با ایوان

ها و فرش اندازهای مناسب بر استراحت مسافران در آن ساخته شده است. در دو طرف داخلی

پیش طاقه اطاقها با آجر تراش به

صورت قابهای بزرگ لوزی

شکل کار تزینی انجام

شده. برخی اشیا کهن

یافت شده در فرسفج

امروزه در موزه همدان

نگهداری می شن. در

میان این کاروانسرا

چشمه آبی وجود داره

که در تمامی فصول

سال به یک میزان

آبدهی داشته و آب

بسیار گوارایی هم

دارد

در ۲۵ کیلومتری تویسرکان فرسفج واقع شده که معنی فارسی آن، (اسب در گودال) می باشد. معروف است که در این روستا باتلاقیهای فراوان بود و بیشتر محل چراگاه اسبهای افراسیاب بوده است. چندین رأس اسب در میان باتلاقها مفقود شده که روی همین اصل نام آن را فرسفج نامیده اند. حدوداً تا صد سال پیش که بزرگان تعریف کرده اند، در فرسفج و اطرافش برنج کشت می شده و تمام زمین های اطراف آن پر از آب بوده است. در همین محل شاه عباس صفوی چندین بنای تاریخی دارد.

۱- کاروانسرای خیلی بزرگ با بنای محکم ۲- پلی بر روی رودخانه که دارای سه طاق بزرگ برای عبور سیلاب در نظر گرفته شده است که هنوز هم آباد و قابل استفاده می باشد. ۳- حمام خزینه ای که تقریباً تا حدود ۱۵ سال پیش قابل استفاده بوده است. ( ) روایت دیگری

## شهر فرسفج

و همیاری مردم خیر این ضریح آماده و

نصب شده است. اندازه ضریح ۲×۳ متر می باشد و ساخت ضریح سازان اصفهانی است. براساس طرح جامع این امامزاده، در سال ۱۳۸۲ اقدام به بازسازی آن شد. نمای بیرونی و کف حرم سنگ کاری است که بسیار زیبا طراحی شده دیوار داخلی تا نیمه سنگ و بقیه گچکاری است و فضای مصنوعی نیز در اطراف آن برای بهره گیری زائران و مسافران تعبیه شده است.

در داخل حرم امامزاده چند قطعه فرش بزرگ و چند زیلو وجود دارد. در تمام فصول سال بویژه در ایام سوگواری ائمه هدی (ع) و شبهای جمعه اهالی این روستا و روستاهای اطراف به فرسفج می آیند تا به زیارت و برگزاری مراسم دعا اقدام نمایند. یکی از مراسم این امامزاده، مراسم ویژه علی است. مردم به این امامزاده اعتقاد فراوان دارند و همواره نذورات خود در مرقد امامزاده و یا صندوق نذورات اهداء می کنند.

در چگونگی نامگذاری این روستا وجود دارد و وجه تسمیه این روستا این است که فرس به معنای سال می باشد. «فج» به معنای جا و محل بوده و به علت اینکه در گذشته اهالی این روستا برای تحویل سال جدید در نزدیکی شهر تویسرکان در امامزاده ای بسر می بردند این جایگاه و محل را محل تحویل سال گفته اند که همان فرسفج می باشد. کل محوطه امامزاده در حدود ۱۵۰۰ متر مربع می باشد که حدود ۳۰۰ متر مربع آن به حرم و رواق امامزاده پیر علی تعلق دارد. فرسفج دارای گورستانی قدیمی است که شایسته است تحقیقات باستانشناختی

بر روی این گورستان و محوطه های اطراف آن صورت پذیرد. امامزاده دارای گنبد، حرم و مرقدی زیبا می باشد. بر روی قبر امامزاده صندوقی قرار دارد و بر روی صندوق نیز ضریحی آماده کرده اند که در سال ۱۳۸۲ با نظارت اداری اوقاف و امور خیریه و با همکاری هیئت امناء

برچسب ها از تویسرکان به سمت دره قلقل رود حرکت نموده و حدود ۲۵ کیلومتر را طی می کنیم تا به روستای فرسفج می رسیم. اکنون این روستا بسیار گسترده شده و تبدیل به شهر گردیده است. به داخل فرسفج می رویم. داخل شهر امامزاده ای است که آن را باباعلی می نامند. این امامزاده به علی شهرت دارد و یکی از نوادگان امام موسی کاظم (ع) در فرسفج تویسرکان است. فرسفج را در جای دیگر این نوشتار معرفی کرده ایم. در این فراز صرفاً اجمالی از آن را ذکر می نماییم. فرسفج در ۲۵ کیلومتری غرب تویسرکان و در منطقه ای خرم و آباد قرار گرفته است. منطقه به لحاظ اقلیمی دارای آب و هوای سردسیری کوهستانی می باشد. رودخانه قلقل رود از آن عبور می کند. اغلب مردم این روستا (شهر) به شغل کشاورزی اشتغال دارند و شغل های دامپروری و امور خدماتی اداری نیز از دیگر شغل های منطقه است.

## با کتاب

<b>اخلاق و آسیب‌های اجتماعی</b>
<b>مصطفی ملکیان</b>
<i>قطعه ای از کتاب</i>

مدت هاست در هر جمع و گروهی این سوال طرح می شود که: چرا در ایران اختلاس زیاد است؟تهمت فراوان است؟دروغ بی شمار؟چرا زیرآب زنی در کار و خیانت در شغل و فساد در خانواده افزون شده است؟چرا جوانان به مواد مخدر روی آورده اند؟ چرا رابطه های آنچنانی رواج یافته؟ دعواهای خانگی و خیابانی و چاقو کشی و قتل و جنایت و تجاوز روز به روز بیشتر می شود؟ چرا تحمل ایرانی ها کم شده.؟فحش زیاد شده ..چرا هر کس که سفری به اروپا می کند می گوید آنجا احترام دیده و در ایران بی‌احترامی …..؟چرا و چرا؟در دههٔ ۱۹۶۰ تعدادی از روان‌شناسان اجتماعی فرانسوی با همکاری یک مؤسسهٔ تحقیقاتی بزرگ، در اروپا یک مرکز شبانه روزی تأسیس کردند. در این مرکز، نوجوانان ۱۲تا ۱۹ سال آموزش می‌دیدند و زندگی می‌کردند. مدّت یک سال همه چیز به صورت عادی جریان داشت، و آزمایش‌های مختلف کمی و کیفی بر روی آنان انجام گرفت. در طول این یک سال، هر نوجوان سه وعدهٔ غذایی روزانه با احتساب میان وعده‌ها، ۸۰۰ گرم غذا می‌خورد. پس از یک سال به تدریج و آگاهانه شایعه کردند به علت وضعیت اقتصادی نابسامان شبانه‌روزی، ممکن است غذا به لحاظ کمی و کیفی جیره‌بندی شود. شش ماه بعد از این شایعه، میزان غذای مصرفی روزانه هر فرد از ۸۰۰ گرم به ۱۲۰۰ گرم افزایش یافت.

مصرف غذا از ۱۲۰۰ گرم به ۱۵۰۰ گرم رسید و در اواخر این دورهٔ چهارساله، نوجوانانی بودند که در شبانه روز بیش از ۵کیلوگرم غذا می‌خوردند. دلیل افزایش مصرف این بود که نوجوانان آیندهٔ خود را مبهم می‌دیدند. هنگامی که مرکز شبانه‌روزی در وضع عادی قرار داشت، افراد غذای خود را به یکدیگر تعارف می‌کردند. و نسبت به یکدیگر رابطه‌ای مبتنی بر نیکوکاری، شفقت و نوعی از خودگذشتگی داشتند. اما هنگامی که شایعهٔ کمبود غذا مطرح شد، تعارفات، رعایت ادب و رفتارهای مهربانانه، نسبت به یکدیگر کمتر شد. آینده ی مبهم و نامعلوم افراد از نظر مالی، شغلی و.. آستانهٔ اخلاق و تحمل را در هر جامعه‌ای کاهش می‌دهد. به طور مثال، در جامعه‌ای که همهٔ افراد با هر تخصصی می‌توانند شغلی داشته باشند، کارشکنی چاپلوسی و.. کمتر است. به طور کلی در جامعه‌ای که نیازهای اساسی انسان‌ها در آن تأمین می‌شود، افراد بر پایهٔ موازین اخلاقی زندگی می‌کنند.پس اخلاقی زیستن ارتباطی به نصیحت های اخلاقی و ازدیاد مجالس دینی ندارد. اخلاقی زیستن نیاز به آرامش ذهنی و ثبات اقتصادی دارد.

پس لطفاً مستحبات را کم کنید و به واجبات برسید!

<b>حقوق انسان</b>
<b>توماس پین</b>
<i>قطعه ای از کتاب</i>

لیلا: من یکی برخاسته از فقر و نداری هستم من می دونم که وقتی پول نیست، عشق نیست، فرهنگ نیست، اصالت نیست، شهرت نیست، قدرت نیست، سلامت نیست. توی دنیای فقر هیچی نیست جز فلاکت و بدبختی.اگر یکبار از من بخواهید بنویسم علم بهتر است یا ثروت می نویسم ثروت. این ثروته که در زمانه ی ما علم رو پیشرفت میده. ما رعیت زاده های دوران تمدن و تجدد قرن بیست و یکم هستیم.باشار: پول نیست که عشق رو میسازه، پول نیست که اصالت و شخصیت میده، قدرتی که وابسته به پول باشه قدرت نیست، پول ضامن سلامت هیچ کس نیست. خیلی از بیماری ها است که حتی پول هم علاجش نمی کنه.

**فصل نامه اجتماعی / فرهنگی**

**سال اول / شماره اول/ پاییز ۹۷**

<b>ویزای کوه قاف</b>
<b>علیرضا میرعبدالله</b>
<i>قطعه ای از کتاب</i>

دایی محمود آدم جالبی بود . هفتاد و چند سال پیش از دهات می‌آد تهران و میره سربازی.
یه روز که قاطی باقی سربازا وسط پادگان به خط شده بوده، می‌شنوه که فرمانده داره از ساختن یک دیوار بزرگی دور پادگان صحبت می‌کنه. می‌پره جلو و می‌گه قربان من بنایی بلدم. فرمانده اول یک سیلی می‌زنه در گوشش و بعد می‌گه از امروز شروع کن. هر چی کارگر و مصالح خواستی بگو، دستور بدم برات حاضر کنن.
دایی محمود آستیناشو بالا می‌زنه و شروع می‌کنه به کشیدن دیوار، ولی چون خیلی رند و طمعکار بوده از هر دو تا کامیون آجری که سفارش می‌داده یکیشو شبونه رَد می‌کرده توی بازار و می‌فروخته. همین می‌شه که بعد از سربازی اون قدر پول داشته که می‌تونسته برا خودش توی بازار حُجره بخره. ولی حُجره نمی‌خره. به جاش پول هاشو بر می‌داره می‌ره هند، پارچه گرون قیمت زری و ترمه و خریر می‌خره و می‌آره این جا. یک انباری اجاره می‌کنه پارچه ها رو می‌ریزه اون تو . بعدش می‌ره اداره بیمه که تازه توی کشور تاسیس شده بود، همه پارچه ها رو به بالاترین قیمت بیمه می‌کنه. دو هفته بعد انبار پارچه های دایی محمود آتیش می‌گیره و همه چیز اون می‌سوزه.

کارشناس‌های بیمه می‌آن آتیش سوزی رو تایید می‌کنند و خسارت کامل می‌پردازند. حالا نگو که دایی محمود همه پارچه‌های گرون قیمت رو شبونه خارج کرده بوده و به جاش چیت و چلوار، اون تو چیده بوده. این جوری ثروت دایی محمود دو برابر شد. اون در ادامه زندگی خیلی از این کارها کرد ولی هیچوقت من ندیدم هیچکس ازش بد بگه.

همه دایی محمود رو دوست داشتند و توی این دنیای بزرگ حتی یک دشمن هم نداشت.

به این ترتیب من از همون بچگی فهمیدم که اگه توی این دنیا حق یک نفر رو بخوری یک دشمن پیدا می‌کنی…

اگه حق پنج نفر رو بخوری پنج تا دشمن پیدا می‌کنی ولی اگه حق همه رو به طور مساوی بخوری هیچ دشمنی پیدا نمی‌کنی و همه با احترام ازت یاد می‌کنند…!

### بحران دیکتاتوری‌ها

<b>نیکوس-پولانتزاس</b>
<i>قطعه ای از کتاب</i>

«نیکوس پولانزاس نویسنده و جامعه‌شناس یونانی–فرانسوی مارکسیست بود.پولانزاس، که ابتدا به لنینیسم گرایش داشت، بعدها به اروکمونیسم گروید و به همراه آلتوسر از چهره‌های اصلی مارکسیسم ساختارگرا گشت. مشاجرات او با رالف میلیبند بر سر ماهیت دولت سرمایه‌داری به صورت یکی از مباحث کلاسیک نظریه‌پردازی در این زمینه درآمده است.

پولانزاس بیشتر بر تحلیل جهان واقعی و قضایی چون طبقه اجتماعی، دولت سرمایه‌داری و دیکتاتوری تأکید می‌ورزد.شهرت او بیش‌تر به خاطر آثار او در مورد تئوری دولت است.

اما، او همچنین آثاری در مورد تحلیل فاشیسم، تقسیم طبقات اجتماعی در دنیای معاصر و فروپاشی دیکتاتوری‌های اروپای جنوبی در دهه ۷۰ (حکومت فرانکو در اسپانیا، سالازار در پرتغال و پاپادوپولوس در

<b>نه به آزار زنان</b>
<b>علیرضا گواهی</b>
<i>قطعه ای از کتاب</i>

من یک نابینا هستم
بعداز ظهر بود، حوالی ساعت ۵ باید میرفتم سمت غرب تهران عصا و عینک دودیم رو برداشتم و به سمت ایستگاه مترو حرکت کردم. تو مسیر چند پسر رو دیدم که دنبال یک دختر افتاده بودن و با متلک و خوشمزگی هاشون داشتن اونو اذیت میکردن! دختر سعی میکرد راه رفتنش رو تندتر کنه اما اون پسرها ولکن نبودن! دخترک مظلوم به نظر میرسید و شاید این مظلومیت باعث می‌شد بیشتر اذیتش کنن.

از کنارشون رد شدم و توجهی به این اتفاق نکردم.

چون من یک نابینا هستم بعد از پایین رفتن از پله های مترو چند دقیقه ای منتظر موندم تا مترو رسید مثل همیشه شلوغی بیش از حد. به زحمت سوار شدم و خودمو به گوشه ای رسوندم خانوم جوانی به همراه دختر بچه کوچکش هم سوار شد! اولین ایستگاه رو که رد کردیم متوجه شدم یک پسر جوون داره دستشو به اندام اون زن میکشه! اون خانوم هم از ترس آبروش ساکت بود! پسر که سکوت زن رو دید جرأتش بیشتر شد و کاملا به اون چسبید! زن بیچاره ساکت و بدون حرکت ایستاده بود! متوجه شدم اون خانوم میخواد جاش رو تغییر بده اما شلوغی مترو مانع این کار شده بود! چند بار با دستش گوشه چشمش رو پاک کرد فکر کنم داشت اشک چشمشو پاک میکرد.

من ساکت یک گوشه ایستادم و چیزی نگفتم،

چون من یک نابینا هستم

بعد از پیاده شدن از مترو و بالا رفتن از پله ها سوار تاکسی شدم تا الباقی راه رو طی کنم! درکنار من یک مرد حدود پنجاه ساله نشسته بود و در کنارش دختری جوان! موبایلم زنگ خورد و منم مشغول حرف زدن با گویشیم شدم!
یه لحظه متوجه شدم که اون آقا داره خودشو به دختر کناریش نزدیک میکنه! دخترخانوم سعی میکرد خودشو جمع کنه اما مگه یک تاکسی چقدر جا برای قایم شدن داره! دختر جوان از راننده تاکسی خواست که ماشین رو نگه داره مطمئن بودم به مسیرش نرسیده و فقط به خاطر آزار اون مرد مجبور شده زودتر پیاده بشه.

سعی کردم به روی خودم نیارم.

چون من یک نابینا هستم

دربرابر آزار زنان بی تفاوت نباشید

هزاران گرفتاری دیگر ظاهر می‌گردد. سرخوردگی وقتی به سراغشان می‌آید، که دیگر دیر است.

<b>حقوق انسان</b>
<b>توماس پین</b>
<i>قطعه ای از کتاب</i>

هرگز هیچ پارلمانی یا جمع بشری و نسلی از انسان‌ها، در هیچ کشوری صاحب این حق نیست که آیندگان را تا ابد متعهد و منقاد کند یا حکم کند که جهان در آینده چگونه حکومت شود، یا چه کسی حاکم باشد…آن‌هایی که این دنیا را ترک گفته‌اند، و یا کسانی که هنوز پا به این دنیا نگذاشته‌اند، تا آن جا که در تخیل ما آدم‌های فانی می‌گنجد، از هم فاصله دارند. پس چه تعهد و قیدی بین دو فاصله بی‌نهایت می‌تواند وجود داشته باشد، چه قانون یا اصلی از این دو ناموجود استخراجشدنی است؟ یکی که دیگر وجود ندارد و آن دیگری که هنوز نیامده است؛ پس این دو هرگز در واقعیت با یکدیگر ملاقات نمی‌کنند، پس چرا یکی باید آن دیگری را به قید خود در آورد…؟

<b>شفای زندگی</b>
<b>لوییز هی</b>
<i>قطعه ای از کتاب</i>

تمام بیماریهای انسان، از افکار او سرچشمه میگیرند؛ یعنی افکار ما هستند که بیماریها را در وجودمان تولید میکنند :

تیروئید: وجود بغضی در گلو، که ترکیده نمیشود!

سرطان: ناشی از نیکشیدن خود و دیگران است!

ام اس: به دلیل عصبانیت طولانی مدت و کینه ورزی است!

بیماری قند: بخاطر افسوس گذشته ها را خوردن است!

سر درد: به دلیل انتقاد از خود و دیگران است!

زکام: بخاطر وجود آشفتگی های ذهنی است!

درد مفاصل: به دلیل نیاز به محبت و آغوش

گرم است!

فشارخون: به خاطر مشکل عاطفی دراز مدتی است که حل نشده باقی مانده!

پس بیایید ذهن هایمان را پاک کرده و شستشو دهیم:

دیگران را ببخشیم… خودمان را ببخشیم… بیشتر محبت کنیم… کمتر گله و شکایت کنیم… فراوانتر بخندیم و شاد باشیم…

و بدانیم افکار ما بسیار قدرتمند و اثرگذار هستند و تاثیرات بسیار شگفت انگیزی از خود باقی می گذارند.

### جزء از کل

<b>استیو تولتز</b>
<i>قطعه ای از کتاب</i>

گفتم‌با‌با ،یاده‌تو بهم گفتی عشق هم لذته و هم محرک و هم عامل حواس پرتی؟!اوهوم.

خب، یه چیز دیگه هم هست که تو بهش اشاره نکردی.

این که اگر یه بار ببینی خرده چوب توی دست کسی که دوستش داری رفته، بلند می‌شی و سطح همه‌ی چوب‌های دنیا رو با یه چیز لطیف و شفاف می‌پوشونی تا یه وقت دوباره چوب نره توی دستش.

### تاریخ ایران باستان

<b>امیر حسین خنجی</b>
<i>قطعه ای از کتاب</i>

(قانون ارتش ایران باستان در مورد پناهنده شدن دشمن به معابد):قانون ارتش ایران ذلیل کردن دشمن را جایز نمی دانست. از این گذشته،نظامیان ایران به هیچ وجه اجازه نداشتند که برای دستگیر کردن کسی وارد معبد اقوام زیرسلطهٔ شاهنشاهی شوند. تعدی به حریم معابد در قانون ایران به کلی ممنوع بود. اگر کسی به معبدی پناه می برد چندان به او مهلت میدادند تا خسته شود و از معبد بیرون آمده خودش راتسلیم کند. این رسم از زمان کوروش بزرگ بازمانده بود که به هنگام فتح بابل ورود نظامیان به معبد را ممنوع کرده بود؛ وگرچه ایرانیان در آن زمان کوروش را به یاد نداشتند ولی قانونی که او وضع کرده بود وارد اوستا شده و برای همیشه در ذهن ایرانیان مانده سپس وارد قوانین مدون ساسانی شده بود؛ و قانونی بود که از روحیهٔ ایرانی برخاسته بود و با روحیهٔ ایرانی سازگاری داشت.



## با کتاب

<b>در اسارت فرهنگ</b>
طاهره شیخ‌الاسلام
<span><span>قطعه ای از کتاب</span></span>
<p>لطفا به در نگویید تا دیوار بشنود. بیان مقصود از طریق غیرمستقیم یا با رفتارهای خاص به نوعی شکاکیت و بدبینی می‌انجامد. بدین معنا که در حرف‌ها و رفتارها به‌دنبال معانی خاص گشته، آن‌ها را تفسیر کرده و به خود می‌گیریم. این امر از سه طریق به جامعه آسیب می‌زند:</p> <ol style="list-style-type: none"><li>ذهن افراد را درگیر این امر می‌کند که حرفی نزنند یا کاری نکنند که به کسی بر بخورد.</li> <li>مقدار زیادی از وقت افراد صرف دریافت و کشف پیام و تفسیر آن‌ها می‌شود.</li> <li>گاهی با تفسیرهای نادرست باعث تنش‌ها، رنجش‌ها و سوءتفاهم‌های جبران ناپذیری می‌شود.</li></ol>
<b>زندگی عشق و دیگر هیچ</b>
لئو بوسکالیا
<span><span>قطعه ای از کتاب</span></span>

باید یاد بگیرید نمی‌توانید محبوب همگان باشید. شما می‌توانید بهترین آلوی دنیا باشید، رسیده، آبدار، شیرین و خوشمزه. اما یادتان باشد، هستند آدم‌هایی که آلو دوست ندارند! حالا می‌توانید انتخاب کنید که موز بشوید، اما باید متوجه باشید که اگر تصمیم بگیرید موز بشوید، همیشه یک موز درجه دوم خواهید بود، در حالیکه می‌توانستید برای همیشه بهترین آلوی دنیا باقی بمانید.

#### بار هستی

#### میلان کوندرا

قطعه ای از کتاب

عشق دو سال پس از هجوم روسیه به چکسلواکی، هنوز ترس و وحشت کشور را فرا نگرفته بود. با توجه به این که تقریبا تمامی ملت با رژیم اشغالگر مخالفت می کرد، روس‌ها می‌بایست از میان مردم چک افراد جدیدی بیابند تا قدرت را به آنان واگذار نمایند.اما در کشوری که اعتقاد به کمونیسم و دوستی با روسیه وجود ندارد، چه طور می توانستند این افراد را پیدا کنند؟ آنان دنبال کسانی رفتند که نسبت به موجودات زنده احساس کینه و شقاوت می کردند. می‌بایست خشونت آنان را تقویت کرد، به کاربرد آن دامن زد و سپس برای عمل آماده ساخت. در آغاز می بایست خشونت را بر ضد یک هدف موقت برانگیخت. این هدف حیوانات بودند. آن وقت روزنامه ها سلسله مقالاتی منتشر ساختند و زیر عنوان نامه های خوانندگان احساسات عمومی را بر ضد حیوانات تحریک کردند.به عنوان مثال از مردم، خواسته میشد که کبوترها را در شهرها نابود کنند.وقتی کبوترها نیست و نابود شدند، حمله به سگ‌ها آغاز شد. مردم هنوز تحت تاثیر فاجعه اشغال، در آشفتگی کامل به سر می بردند اما روزنامه ها، رادیو و تلویزیون، فقط از سگ ها داد سخن می دادند.سگ هایی که پیاده روها و پارک های عمومی را کثیف می کردند، سلامت کودکان را به مخاطره می انداختند، می بایست به آن ها غذا داد بدون آن که فایده ای داشته باشند.بدین ترتیب، یک حالت روانی و عصبی در کشور به راه انداختند. ... یکسال بعد، نفرت و کینه ای که درابتدا علیه حیوانات بود متوجه هدف واقعی خود یعنی انسان گردید. اخراج از کار و حرفه، دستگیری و توقیف و محاکمات شروع شد تا سرانجام حیوانات توانستند نفس راحتی بکشند.

<b>جهان و تأملات فیلسوف (مقاله در باب خود اندیشی)</b>
آرتور شوپنهاور
<span><span>قطعه ای از کتاب</span></span>
<p>کسانی که زندگی خود را صرف مطالعه و دانششان را از خلال سطور استخراج می‌کنند، شبیه افرادی هستند که از توضیحات و توصیفات مسافران، اطلاعات دقیقی درباره‌ی یک کشور به دست آورده‌اند. این افراد می‌توانند چیزهای زیادی درباره‌ی آنجا بگویند و با این حال و پس از این همه، هیچ درک روشن و مربوط و ژرفی از وضعیت و موقعیت آنجا ندارند! اما کسانی که زندگی را وقف تأمل و اندیشه کرده‌اند به خودِ مسافران شبیه‌اند؛ فقط اینها هستند که می‌دانند درباره‌ی چه حرف می‌زنند، با جریان حقیقی امور آشنايند و یکسره غرق در موضوع شده‌اند</p>
<b>جامعه شناسی خودمانی</b>
حسن نراقی
<span><span>قطعه ای از کتاب</span></span>

یادمان باشد همیشه از شعارهای یک مخالف حکومت است که میتوان به کاستی های آن حکومت پی برد. امروز در ایران هرکس می خواهد شعار قشنگی بدهد و مورد توجه قرار گیرد ، به سراغ عدالت می رود. چه بسا در ابتدا خودش بی عدالتی را در این کشور گسترش داده باشد.متاسفانه مردم ما حافظه ی تاریخی ندارند و مکرر همان چیزهایی را که در تاریخ اتفلاق افتاد ، دوباره تجربه می کنندو سر صحبت هم که میشود ، میگویند منشاء تمام مشکلات ، انگلیس است.درست است که انگلیس و خارجی ها نقش داشته اند اما مشکل اصلی در درون خود ماست

### جشفای زندگی

#### لوپیز هی

قطعه ای از کتاب

تمام بیماریهای انسان، از افکار او سرچشمه میگیرند؛ یعنی افکار ما هستند که بیماریها را در وجودمان تولید میکنند ؛ تیروئید؛ وجود بغضی در گلو، که ترکیده نمیشود! سرطان: ناشی از نبخشیدن خود و دیگران است! ام اس: به دلیل عصبانیت طولانی مدت و کینه ورزی است!

بیماری قند: بخاطر افسوس گذشته ها را خوردن است! سر درد: به دلیل انتقاد از خود و دیگران است! زکام: بخاطر وجود آشفتگی های ذهنی است! درد مفاصل: به دلیل نیاز به محبت و آغوش گرم است! فشارخون: به خاطر مشکل عاطفی دراز مدتی است که حل نشده باقی مانده! پس بیائید ذهن هایمان را پاک کرده و شستشو دهیم: دیگران را ببخشیم... خودمان را ببخشیم... بیشتر محبت کنیم... کمتر گله و شکایت کنیم... فراوانتر بخندیم و شاد باشیم...

و بدانیم افکار ما بسیار قدرتمند و اثرگذار هستند و تاثیرات بسیار شگفت انگیزی از خود باقی می گذارند.

<b>در باب حکمت زندگی</b>
آرتور شوپنهاور
<span><span>قطعه ای از کتاب</span></span>
<p>فرقی نمی‌کند که رنج پس از لذت بیاید یا بر آن تقدم داشته باشد.به راستی بزرگ ترین خطا این است که به جای آنکه بکوشیم در حد امکان فارغ از رنج باشیم، بخواهیم این مصیبت خانه را به عشرتکده تبدیل کنیم و لذت و شادی را هدف قرار دهیم، چنان که بسیاری از مردمان چنین می‌کنند... اما دویدن به دنبال شکاری که وجود خارجی ندارد معمولا موجب مصیبتی می‌گردد که کاملا واقعی است.این مصیبت به صورت درد، رنج، بیماری، کمبود، نگرانی، فقر، ننگ و هزاران گرفتاری دیگر ظاهر می‌گردد. سرخوردگی وقتی به سراغشان می‌آید، که دیگر دیر است.</p>
<b>هنر عشق ورزیدن</b>
اریک فروم
<span><span>قطعه ای از کتاب</span></span>

عشق نیروئی است که تولید عشق میکند، ناتوانی عبارت است از عجز از تولید عشق!...! این فکر را مارکس به بهترین وجهی بیان کرده است. او می‌گوید: انسان را به عنوان انسان و رابطه‌اش را با دنیا به عنوان یک رابطه انسانی فرض کنید... در نظر بگیرید که عشق را تنها با عشق می‌توان مبادله کرد، و اعتماد را با اعتماد و بر همین قیاس...! اگر بخواهید از هنر لذت ببرید، باید آموزش هنری دیده باشید، اگر بخواهید در دیگران موثر باشید، خودتان باید شخصی واقعا پرشور و عامل ایجاد نفوذ در مردم باشید. اگر شما بدون اینکه طلب عشق کنید عشق می‌ورزید، یعنی اگر عشق شما عشقی است که قدرت تولید عشق ندارد، اگر بوسیله تجلی زندگی به عنوان یک عاشق از خودتان یک معشوق نساخته اید، عشق شما ناتوان است، یک بدبختی است!...!"

### تمدن و ملالتهای آن

#### زیگموند فروید

قطعه ای از کتاب

انسان وضع دشواری دارد، زیرا انسان تمدن دارد! تمدن چندان نیرومند است که می‌تواند جلو انگیزش جنسی را بگیرد و موجب پاکدامنی پیش از زناشویی شود، یا کسی را وادارد که برای همهی عمر سوگند پارسایی بخورد. تمدن می‌تواند کسی را از گرسنگی بکشد، در حالی که غذا فراهم باشد؛ زیرا برخی خوراک ها، نجس خوانده شده است یا چه بسا کسی را به پاره کردن شکم دیگری یا شلیک گلوله‌ای در مغز خود برانگیزد تا لکه‌ی ننگی پاک شود. تمدن از مرگ و زندگی قوی تر است.

### فصل نامه اجتماعی / فرهنگی

سال اول / شماره اول / پاییز ۹۷

# دردخوله ۳۱

### جامعه شناسی خودمانی

#### حسن نراقی

قطعه ای از کتاب

\*توهم توطئه\*
یکی دیگر از خصوصیات ما ایرانیان است.درست است که شاید تمام ملت ها ، دشمنانی داشته باشند.اما اینکه یک ملتی ، توهم داشته باشد و هر بلایی که بر سرش می آید بجای آنکه به ضعف ها و حماقت های خود پی ببرد ، سریع آن را به دشمن خیالی نسبت دهد ، این یعنی توهم توطئه مثلا بعضی از ملت ها هستند که هر مشکلی پیش می آید، می گویند: کار انگلیس است..... کار آمریکا است.....کار.....

### چگونه جهان را اداره کنیم

#### وینستون چرچیل

قطعه ای از کتاب

در یک سیستم معیوب: سعی کنید «لال بودن» را تمرین کنید! این تمرین در میزان عزیز بودن شما بسیار موثر است. در یک سیستم معیوب: هیچگاه کارمندان را با یکدیگر مقایسه نکنید؛ چون قطعاً شاهد تبعیض خواهید بود. در یک سیستم معیوب: اگر مدیرتان ۳ یا ۴ ایراد دارد انتظار رفتنش را نکشید، چون قطعاً نفر بعدی او ۴۳ ایراد دارد! در یک سیستم معیوب: می توانید با کارهای کم و کوچک، محبوبیت فراوانی به دست آورید؛ فقط کافیست «زبان» خود را تقویت کنید در یک سیستم معیوب: ممکن است که هر چه بیشتر کار کنید، بیشتر خوار و خفیف باشید. در یک سیستم معیوب: با اشکالات سازمانتان بسازید و هرگز آنها را با مدیرتان در میان نگذارید؛ درغیر این صورت یک مشکل دیگر به سازمان اضافه می شود. آن مشکل، شما هستید و در آخر اخراج! در یک سیستم معیوب: اشتباهات یک مدیر را هیچگاه به مدیر دیگر نگویید؛ در غیر اینصورت بجای یک مدیر، دو مدیر در مقابل شما موضع گیری خواهند کرد. در یک سیستم معیوب: با انجام کارهای مختلف و فعالیتهای به موقع، نظم شما تشخیص داده نمی شود؛ بلکه برای این کار راه‌های ساده‌تری هم هست. مثلاً فقط کافیست همیشه میز کارت‌ان را منظم نگه دارید! در یک سیستم معیوب: اضافه بر کارهای معمول کار اضافه‌ای انجام ندهید؛ در غیر اینصورت انتظار پاداش بیشتری نیز نداشته باشید. در یک سیستم معیوب: تنها کاری که واجب است سریع انجام دهید، کاری است که مدیر شما شخصاً از شما خواسته است. در یک سیستم معیوب؛ آسه برو، آسه بیا، که گربه ساخت نزنه؛ مگر اینکه با گربه نسبتی داشته باشید!

## با کتاب

<b>وقتی نیچه گریست</b>
اروین یالوم
<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>لطف بخشی از پریشانی تو،ناشی از یک خشم مدفون شده است،چیزی در تو هست،نوعی ترس و کم رویی، که اجازه ی ابراز خشمت را نمیدهد. به جای آن به فروتنی ات می نازی؛نوعی پاکدامنی اجباری برای خود پدید آورده ای؛احساسات را در عمق مدفون می کنی،و چون دیگر خشمی را تجربه نمیکنی، تصور میکنی یک قدیسی؛افرو خوردن خشم، انسان را بیمار می کند.</p>
<p><b>کافکا در کرانه</b></p>
هاروکی موراکامی

<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>گاه سرنوشت مثل توفان شنی است که مدام تغییر سمت می دهد. تو سمت را تغییر می دهی، اما توفان دنبالت می کند. تو باز بر می گردی، اما توفان با تو میزان می شود. این بازی مدام تکرار می شود، مثل رقص شومی با مرگ پیش از سپیده دم.چرا؟ چون این توفان چیزی نیست که دورادور بدمد، چیزی که به تو مربوط نباشد. این توفان خود توست. چیزی است در درون تو. بنابراین تنها کاری که می توانی بکنی تن در دادن به آن است. یکراست قدم گذاشتن در توفان، بستن چشمان و گذاشتن چیزی در گوشها که شن تویش نرود و گام به گام قدم نهادن در آن. در آن نه ماهی هست، نه خورشیدی، نه سمّتی و نه مفهوم زمان. فقط ریگهای سفید ظریف که مثل استخوان پودر شده در هوا می چرخند</p>
<p><b>شبهای روشن</b></p>
فئودور داستایوسکی

<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>چرا آنچه را که در قلب خود داریم، دقیقاً بر زبان نمی آوریم، اگر واقعاً منظورمان همان است؟ با این وجود، همه سعی دارند نفرت انگیزتر از آنچه هستند، به نظر آیند. گویی هراس دارند اگر خود را براحتی به نمایش گذارند، این عمل توهینی به احساسات آنها تلقی گردد.... خدای مهربان<span> </span>! آیا یک لحظه شادی کامل برای یک عمر کافی نیست؟!..!</p>

<b>شرط بندی</b>
<p><b>آنتوان چخوف</b></p>
<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>من تمام کتاب‌های شما را حقیر شمرده و تمام حکمت‌ها و برکات دنیوی شما را ناچیز و تمام اشیائی را که در این دنیا است بیهوده و بی‌فایده می‌دانم و تمام اینها اشیائی جز وسایل گول زدن و فریفتن انسان چیزهای دیگری نیستند.</p> <p>شما به عقل و ثروت و جمال و مقام مباحات می‌کنید؛ ولی تمام اینها چیزهای بیهوده می‌باشند و وقتی دست مرگ به طرف شما دراز شد، و نیستی با قیافه‌ی هولناک به شما روی آورد، هیچ یک از اینها نمی‌توانند از شما دفاع کنند</p>

<b>فصل نامه اجتماعی / فرهنگی</b>
<b>سال اول / شماره اول / پاییز ۹۷</b>
<b>صاحب امتیاز:</b> .....اسماعیل جانجانی
<b>مدیرمسئول</b> ..... اسماعیل جانجانی
<b>سر دبیر</b> .....اکرم زندیار
<b>شمارگان</b> ..... ۱۰۰۰ نسخه
<b>گرافیک</b> .....پرستو شاهانی

<b>در باب خود اندیشی</b>
آرتور شوپنهاور
<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>کسانی که زندگی خود را صرف مطالعه و دانششان را از خلال سطور استخراج می‌کنند، شبیه افرادی هستند که از توضیحات و توصیفات مسافران، اطلاعات دقیقی درباره‌ی یک کشور به دست آورده‌اند. این افراد می‌توانند چیزهای زیادی درباره‌ی آنجا بگویند و با این حال و پس از این همه، هیچ درک روشن و مربوط و ژرفی از وضعیت و موقعیت آنجا ندارند<span> </span>! اما کسانی که زندگی را وقف تأمل و اندیشه کرده‌اند به خودِ مسافران شبیه‌اند؛ فقط اینها هستند که می‌دانند درباره‌ی چه حرف می‌زنند، با جریان حقیقی امور آشنایند و یکسره غرق در موضوع شده‌اند</p>
<p><b>درود بر خودم</b></p>
دکتر دانیال امن

<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>در هجده سالگی، نگران تفکر دیگران در مورد خودتان هستید. وقتی چهل ساله میشوید اهمیتی نمی‌دهید که دیگران درمورد شما چه فکر می‌کنند. و زمانی که شصت ساله می‌شوید پی می‌برید که اصلاً هیچکس در مورد شما فکر نمی‌کرده است...</p> <p>وای که چه آسان هدر می‌دهیم عمر خویش را فقط به گمان اینکه: نکند دیگران اینطوری در مورد من فکر کنند!!! پس تا فرصت زندگی دارید جانانه زندگی کنید و عمر گرانباه را به خاطر توهم فکر دیگران هدر ندهید</p>
<p><b>چکیده تاریخ ایران</b></p>
حسن نراقی

<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>روزی ناصرالدین قاجار و همراهانش به باغ دوشان تپه رفتند، نهال گل سرخ قشنگی جلوی عمارت، نظر شاه را جلب کرد فوری کاغذ و قلم برداشت و شروع به نقاشی آن گل نمود.تمام که شد، آن را به درباریان نشان داد و پرسید چطور است؟مستوفی الممالک پاسخ داد قربان خیلی خوب است.اقبال الدوله گفت قربان حقیقتاً عالی است. و اعتمادالسلطنه نیز عرض کرد قربان نظیر ندارد. و بعد یکی دیگر گفت این نقاشی حتی از خود گل هم طبیعی تر و زیباتر است. نوبت به ضیاءالدوله که رسید گفت حتی عطر و بوی نقاشی قبله عالم از عطر و بوی خود گل، بیشتر و فرحناکتر است“، همه حضار خندیدند! بعد از آن‌که خلوت شد، شاه به موسیو ریشار فرانسوی گفت: وضع امروز را دیدی؟ من باید با این بی.... مملکت را اداره کنم!</p>
<p><b>هنر عشق ورزیدن</b></p>
اریک فروم

<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>ما توضیحی به کسی بدهکار نیستیم؛ بگذار بگویند غیرمنطقی هستیم یا ضد اجتماعی هستیم، اما به این می‌ارزد که خودمان باشیم.تازمانی که رفتار ما و تصمیم های ما به کسی آسیبی نمیزند، ما توضیحی به کسی بدهکار نیستیم؛ چقدر زندگی ها که با این توضیح خواستن ها و تلاشهای بیهوده برای قانع کردن دیگران بر باد رفته اند.</p>

<b>صاحب امتیاز:</b> .....اسماعیل جانجانی
<b>مدیرمسئول</b> ..... اسماعیل جانجانی
<b>سر دبیر</b> .....اکرم زندیار
<b>شمارگان</b> ..... ۱۰۰۰ نسخه
<b>گرافیک</b> .....پرستو شاهانی

<b>دسته دلک‌ها</b>
لویی فردینان سلین
<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>ما اصلاً گناهکار دنیا آمده بودیم، بله که سرنوشتمان این بود که برویم جنگ! دلک‌هایی بودیم یکپارچه گوشت خالی، با یک شماره، عمله‌ی مسلسل! شماره‌ی به درد نخور، بیخودی! بشر پنج لیتر خون بیشتر نیست. این حقیقت را وقتی می‌فهمی که دیگر کار از کار گذشته. با نگاه اول متوجه تفاوت نمی‌شوی، نمی‌فهمی که همه‌ی کره‌ی زمین چیزی نیست جز یک گردونه‌ی قمارخانه، با شماره‌های خوب و شماره‌های بد؛ آن‌هایی که قرار است همیشه لای لحاف باشند، آن‌هایی که به دنیا آمده‌اند که بروند سربازی! اولش که نگاه می‌کنی همه یک جور به نظر می‌آیند، همه‌ی بنی‌آدم عین هم، فله‌ای! اما ارواح عمه ات! خیال کرده ای! زمین تا آسمان فرق دارد با هم.</p>
<p><b>پیرامون اسارت بشری</b></p>
ویلیام سامرست موآم

<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>نخستین عاملی که لازم است تا جهان را برای زیست قابل تحمل سازد، درک این حقیقت است که خودخواهی بشر امری الزامی و اجتناب ناپذیر است. از دیگران توقع از خودگذشتگی داری و این توقعی غیرمعقول است که انسان‌ها می‌بایست برای تو و به خاطر تو امیال خود را زیرپا گذارند. چرا باید این کار را بکنند؟</p> <p>وقتی این حقیقت را پذیرفتی و با خود کنار آمدی که در این دنیا هرکس برای خودش زندگی میکند، آن‌گاه از دیگران کمتر توقع خواهی کرد، آنان تو را میوس نخواهند کرد و با عطفوت بیشتری به مردم خواهی نگریست. انسان‌ها تنها در جستجوی یک چیز و تنها یک چیز هستند و آن لذایذ خودشان است...</p>
<p><b>شگفتی‌های کیهان</b></p>
پروفسور برایان کاکس

<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>کیهان یا عالمی که علم نوین به ما معرفی می‌کند با قدمتی معادل ۷/۱۳ میلیارد سال و وسعتی معادل ۴۵ میلیارد سال نوری و انباشته از ۱۰۰ میلیارد کهکشان از حیث گستردگی ما را به فروتنی وا می‌دارد و زیبایی آن حس شگفتی را در ما بیدار می‌کند.</p> <p>لیکن در کمال تعجب هر چه دانش بیشتری نسبت به آن کسب می‌کنیم فاصله بین ما و کیهان کاهش می‌یابد.</p> <p>شاید کیهان از حیث وسعت نامحدود و فراتر از حد تصور ما انباشته از دنیاهای بیگانه باشد اما علم کنونی نشان می‌دهد که ما برای زنده ماندن به آن نیاز داریم. بدون ستارگان، عناصری که برای به وجود آمدن ما لازم بود فراهم نمی‌شد.</p>
<p>اگر کیهان چنین وسعتی نداشت ستارگان فرصت کافی برای کیمیاگری خود نداشتند و کیهان نمی‌توانست عمری چنین طولانی داشته باشد.</p>

<b>ایمیل</b> .....Email:janjani.es@yahoo.com
<b>آدرس دفتر مرکزی</b> ..... نواب صفوی ، محبوب مجاز، کوچه طاهری پلاک ۱ طبقه ۲
<b>شماره تماس</b> .....۰۹۱۸_۶۳۱۵۹۳۰

<b>سلوک</b>
محمود دولت آبادی
<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>شاید لازم نباشد انسان همه چیز را در عمل آزموده باشد تا آنچه می‌گوید نزدیک به واقع باشد. خاصه در واقعه مرگ انسان نمی‌تواند آنچه می‌گوید مبتنی بر تجربه باشد. اما من به یک حقیقت مهم در امر مرگ اطمینان دارم و آن این است که انسان تا به زندگی پشت نکرده باشد، مرگ بر او چیره نمی‌شود. این که چه عواملی سبب می‌شوند شخص روی از زندگانی برگرداند و پشت کند به آن، می‌تواند بی نهایت باشند. اما این اتفاق باید بیفتد؛ یعنی انسان به هردلیل و علل باید دست رد برسینه زندگی بگذارد تا مرگ مجال وارد شدن بیاید و بر شخص چیره شود.</p>

<b>فراسوی نیک و بد</b>
فردریش نیچه
<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>الف: ای آواره کیستی؟ می‌بینم ات که به راه خویش می‌روی، بی نکوهش چیزی، بی عشق به چیزی، با چشمانی که چیزی از آن هیچ نمی‌توان خواند؛ خیس و غمناک هم چون ژرفاسنجی که از هر ژرفنایی، تشنه‌کام برآمده باشد – او در آن ته به دنبال چه چیز بوده است؟ با سینه‌ای تهی از آه، با لبی که ته‌سوّع خویش را فرو می‌خورد، با دستی که به کندی چیزی را می‌گیرد: تو که‌ای؟ و چه کرده‌ای؟ آرام گیر: این جا جایی است که هر میهمانی را می‌نوازد – خود را تازه کن! هرکه خواهی باش: گو چه خوش داری؟ چه چیز تو را تازه می‌کند؟ تنها نام‌اش را بر زبان ببر: هرچه مرا باشد پیشکش‌ات خواهم کرد‌اب: «تازه شدن؟ آه، ای فضول، این‌ها چیست که می‌گویی؟ اما خواهش می‌کنم به من...»الف: چه؟ چه؟ بگو، بگو‌اب: «نقابی دیگر بده! نقابی دیگر.»</p>

<b>گلستان سعدی</b>
<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>مردی دچار چشم درد شد و برای درمان پیش یک دامپزشک رفت. دامپزشک هم قدری از دارویی که در چشم خرها می ریخت در چشم مرد ریخت و این باعث شد که مرد کور شود. مرد به نزد قاضی شکایت برد که<span> </span>: این دامپزشک من را خر فرض کرده و از آنچه که در چشم خرها می ریخت در چشم من نیز ریخته و این چنین کور شدم.قاضی گفت<span> </span>: دامپزشک هیچ گناهی ندارد اگر تو خر نبودی با وجود طبیبان توانا برای درمان پیش دامپزشک نمیرفتی. ندهد هوشمند روشن رای به فرومایه کارهای خطیربوریا باف اگر چه بافنده است نبردش به کارگاه حریر</p>

<b>حکایت‌های آنتونیوی پیر</b>
مارکوس
<i>قطعه ای از کتاب</i>
<p>هر کس به اندازه‌ی دشمنی که به مبارزه برمی‌گزیند بزرگ است؛ و به بزرگی ترسی که بر او چیره میشود، کوچک است دشمنی بزرگ را برگزین! این انتخاب، تو را وادار می کند، که برای مقابله با آن رشد کنی هراست را حقیر کن تا اگر رشد کرد، باز برای تو، کوچک باشد. ما از فراموشی هراس داریم از این که قدرت درد و خون را دست کم گرفته باشیم. با وجود این، بزرگ هستی..!</p>